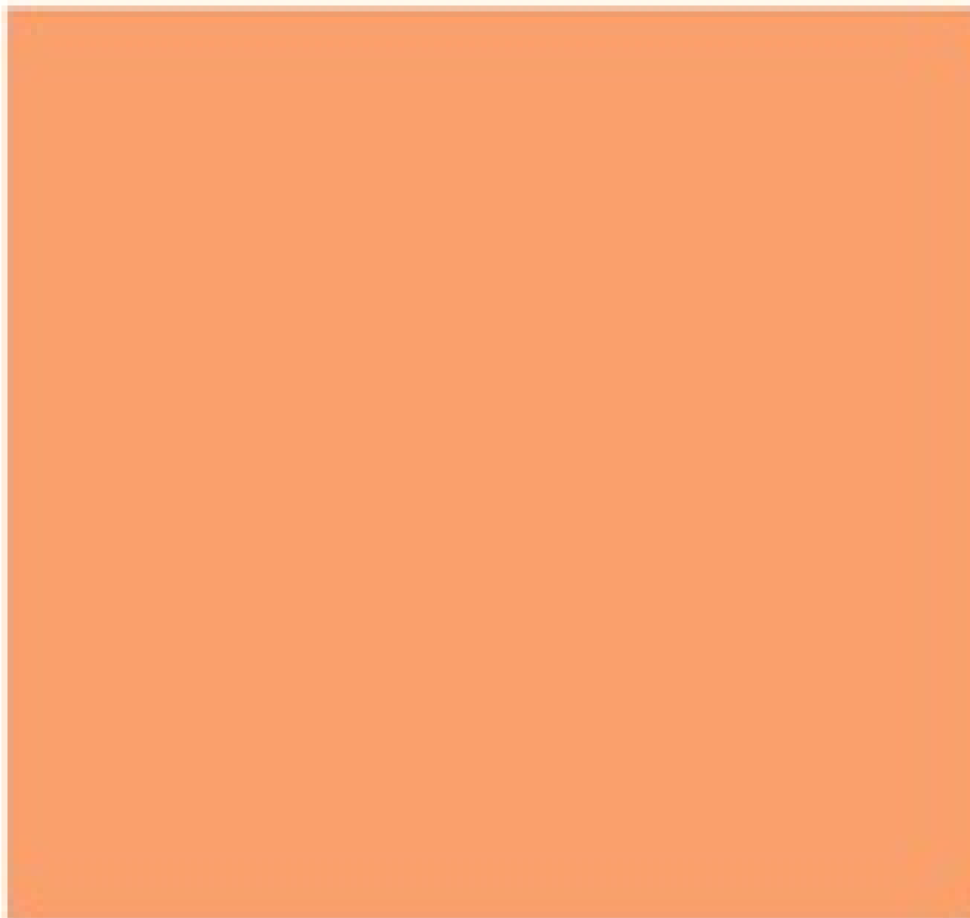


مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

نمایی از طنز دینی

ولی‌الله نظیمی



بسم الله الرحمن الرحیم

نمایی از طنز دینی

نویسنده:

ولی الله عظیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نمایی از طنز دینی

مشخصات کتاب

سرشناسه : عظیمی، ولی الله

عنوان و نام پدیدآور : نمایی از طنز دینی/ولی الله عظیمی.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۱۷۳ص.

شابک : ۱۱۰۰۰ریال:۹۶۴۸۶۰۶۶۷۶

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۷۱] - ۱۷۳.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۶۵۷۲۳

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

ص:۱۰

ص:۱۲

ص:۱۴

ص:۱۵

دیباچه

دیباچه

سپاس خدای را که پدید آورنده شیواترین کلام اعجاز است که آدمی را توان بخشید تا به دستمایه سخن و سخنوری، زبان و بیان خویش را به آرایه های ادبی بیاراید.

طنز از آرایه های ادبی و از قابلیت های اجتماعی است که می تواند پیام ها و درد و رنج ها و حوادث اجتماعی را به زبان طنز بیان کند. طنز معجونی است از نیش و نوش، هم نیش آن هدفمند است و هم نوش آن؛ طنز در لباس شوخی و مطایبه با ظاهر خنده و لطیفه، بیانگر مسائل مختلف سیاسی ـ اجتماعی است.

زبان طنز، بسته به استعداد و قدرت ادراک مخاطبان متفاوت است؛ گاه به زبان و فرهنگ عامه نزدیک می شود و گاه در قالب پیچیده ای شکل می گیرد.

مجموعه ای که پیش رو دارید، تلاشی است در راستای بررسی و شناسایی مباحث اولیه طنز دینی و چگونگی بکارگیری آن در برنامه های صدا و سیما که با رویکردی انتقادی به برنامه های طنز رسانه توسط پژوهشگر ارجمند جناب آقای ولی اللّه عظیمی با هدف اصلاح وضعیت فعلی طنز در صدا و سیما به انجام رسیده است.

همچنان که طنز منفی آثار زیان باری بر اجتماع و افراد بر جا می گذارد، طنز مثبت نیز آثار ارزنده ای به دنبال دارد. بررسی ویژگی ها، آثار و اهداف طنز مطلوب در نگاه دینی و ارائه آن به برنامه ریزان و برنامه سازان در راستای

ص:۱۶

تقـویت برنـامه هـای طنز مـورد نظر پژوهشـگر بـوده اسـت؛ هر چنـد نـاگفته هـای بسـیاری از طنز بـه ویژه ارتبـاط طنز و دین و چگونگی بهره گیری از این ابزار در رسـانه دینی بـاقی است، ولی حرکت شایسـته نگارنـده محترم را در تبیین این هنر دینی به فال نیک گرفته و امیدواریم تلاش های پژوهشی ایشان مقبول طبع بلند اصحاب رسانه قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۱۷

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتار

حمـد و سپاس از آن خـدایی است که هستی را با تمام جلوه های زیبایی شـناختی اش آفرید و اوج هنر خویش را در آفرینش انسان به نمایش گـذاشت. بحث از هنر و زیبایی، کار افراد عادی نیست، مگر اینکه قیـد «علی قـدر طاقه البشـریه» در آن لحاظ شود. چنین کـار خطیری تنهـا از عهـده کسـی سـاخته است که وجود انسان را به وی بخشـیده و او را با تناسب و هماهنگی بی نظیری آفریـده و او را عصـاره زیبـایی هـای خلقت ساخته است. به بیان دیگر، اگر زیبایی را همان هماهنگی و تناسب وجودی اشـیا بـدانیم که در انـدام و صورت و ترکیب یـک موجودِ حقیقی یـا یـک اثر هنری بروز یـافته، زیباترین و هنرمنـدانه ترین اثر هنری، خود جهـان خلقت و به ویژه عصـاره آن، یعنی انسـان است و چون خالق این همه زیبایی، دست هنرمنـد خداونـد است، پس زیبـاتر از هر زیبـایی خود خداونـد است؛ چون فاعـل خیر بهتر از خود خیر است. جهان خلقت و نیز وجود انسان این نگین هستی که خلیفه اللّه است، همه زیبا و متناسب و هماهنگ انـد و نظام احسن دارنـد و چون همه اینها فعلِ خداونـد به شـمار می آینـد و فاعـل حَسَن بهتر از فعـل حَسَن است، پس زیبـایی فاعـل از فعل بیشتر است و این بیشتر بودن، درصـد بردار نیست؛ زیرا خداوند

ص:۱۸

زیبـای بی انتهـا و نامتنـاهی است و نامحـدود جایی برای محـدود نمی گـذارد. زیبایی خداونـد تمام هستی و عالم وجود را در برگرفته و هرچه از زیبـایی هـا می بینیم و حس می کنیم، به زیبـایی او پایـان می یابـد. بـا این بیـان، گذاشـتن عنوان هنر و کار هنری روی برخی از فعـالیت های انسان، خالی از تسامـح نیست؛ زیرا در مقایسه با زیبایی های آفرینش و هنرِ حقیقی خداونـد، اینها وجودی ندارنـد. افزون بر اینکه آنچه از هنر به دست انسان خلق می شود، به خداوند اسـناد داده می شود، چون او مسبّب الأسباب است و به حکم «وَ مَا رَمَیْتَ اذ رَمَیْتَ و لکنّ اللّه رَمی» هر زیبایی از ناحیه مقدّسِ اوست. اگر طنز را واقعاً هنر بدانیم و نیز آن را معقول و مناسب شأن انسان بـدانیم، بایـد خداونـد را سپاس گوییم که پدید آورنده این بُعد از حسّ زیبایی شـناختی اوست و اگر طنزی را غیر هنری و غیرمعقول دانستیم، بـدانیم که از نقصان انسان سرچشـمه گرفته و بایـد با حرکت دادن آن به سمت هنرِ حقیقی، این کاستی برطرف شود. این نوشـتار درصدد است برخی از ابعاد این حرکت را در حدّ توان روشن سازد و راه رسیدن از طنز ناقص و غیر هنری به طنز کامل و هنر حقیقی را بیان کند.

تعریف طرح

تعریف طرح

طرح حاضـر نگرشـی است دینی در ساختار هنریِ طنز در برنامه های صدا و سیما که از لحاظ پژوهشی جنبه علمی ـ کاربردی دارد، و از لحاظ اجرایی، به هر دو جنبه حقوقی و مدیریتی (برنامه ریزی) در آن توجه شده است. بنابراین، مخاطبانش را افزون بر طنزپردازان و منتقدان طنز، دین پژوهان و

ص:۱۹

مدیران و برنامه ریزان طنز در صدا و سیما نیز تشکیل می دهد. می توان طرح حاضر را به صورت زیر تعریف کرد:

الف) موضوع: همچنان که عنوان کتاب نشان می دهد، موضوع مورد بحث در این مجموعه، «طنز و دین» است. تحلیل ابتدایی این دو واژه چنین است:

۱. طنز: آنچه در این مباحث موضوع بحث قرار می گیرد، طنز معمول در برنامه های سازمان صدا و سیماست، گرچه ایده آلِ طنزِ اسلامی در طول مباحث، همواره معیار ارزشیابی است.

۲. دین: مقصود از دین، تنها دین اسلام است که شامل دو بخش فکری (عقیدتی) و عملی است و هر دو با بخش طنز و برنامه های طنز صدا و سیما در ارتباطند، گرچه بخش عملی چشم گیرتر است.

بنابراین منظور از «طنز و دین» این نیست که هردو واژه موضوع بحث اند، بلکه مقصود آن است که موضوع، طنز است، ولی مراد، نگرش هنری به طنز نیست، بلکه نگاه دینی است.

ب) اهداف طرح: اهداف این پژوهش در فصل های مختلف کتاب متفاوت است. هدفِ اولیه و زیربنایی، دست یابی به مفهومی دقیق و جامع و مانع از طنز است. این هدف در فصل نخست تأمین می شود. هدف متوسطِ طرح که به منزله ستون های اصلی ساختار طنزِ دینی است، کشف حکم شرعی طنز و بیان حدود و ثغور ارکان طنز دینی (موضوع، هدف، ابزار و روش، طنزپرداز، محتوا) است. این هدف نیز از فصل دوم تا پایان دنبال می شود. هدف نهایی طرح، به کاربردی کردن حدود شرعی در حوزه برنامه ریزی های صدا و سیماست که به ارتباط فقه و مدیریت و روان شناسی و

جامعه شناسی و تعلیم و تربیت توجّه دارد تا برنامه ای کلان برای طنز صدا و سیما با نظارتی دینی ارائه دهد. حسن ختام کتاب اختصاص به این هدف دارد.

ج) روش کـار: تنهـا روشـی که در طول مبـاحث مورد توجه بوده، روش کتابخـانه ای در گرایش دین شـناختی است و اگر در جـایی از کتـاب، نکـات آمـاری یـا موضوعـات اجتمـاعی عنوان می شود، با بهره گیری از تحلیل و پژوهش کتابخانه ای و گاه مشهورات دینی ــ عرفی صورت پذیرفته است، نه پژوهش میدانی.

د) پرسش های اساسی طرح: اگر بخواهیم طرح حاضر را در قالب چند پرسش، خلاصه کنیم، نتیجه زیر به دست می آید:

۱. از لحاظ ترمینولوژیکی: مفهوم دقیق طنز چیست و ترمینولوژی این بحث به چه صورتی باید شکل بگیرد؟

۲. از لحـاظ قرآنی و روایی: بـا تـوجه به مفهـوم دقیق طنز، آیـا این موضوع در منـابع نقلی دین اسـلام مورد توجه بوده است یا خیر؟

۳. از لحاظ فقهی و حقوقی: به چه صورت و تا چه انـدازه می توانیم از آیات و روایات برای کشف حکم شـرعی طنز و حدود آن کمک بگیریم و بالاخره حکم شرعی طنز چیست؟

۴. از منظر دین شـناختی و نگاه دینی به طنز: آسـیب شناسـی طنز در برنامه های صدا و سیما به چه صورتی باید باشد و چگونه می توانیم با کمک منابع دینی، این آسیب ها را دقیق تر شناخته و درمان آن را ارائه دهیم؟

۵. از لحاظ تطبیق نظریه با عمل: این آسیب ها در طنزهای کنونی چگونه

ظهور و بروز می یابد و تطبیق می شود؟

۶. از لحاظ مدیریتی: برنامه ها و راهکارهای اساسی و عملی که طنزپردازان و برنامه ریزانِ طنز صدا و سیما باید برای رفع نقص ها و آسیب های موجود بردارند کدام است؟

ه) فرضیه ها: فرضیه ها و پیش فرض های ذهنی که در طول مباحث به اثبات می رسد، عبارت اند از:

۱. طنز عبارت است از نقد یک عقیده یا عمل که با لطیف پردازی (کنایه، تشبیه، استعاره) همراه است و ممکن است خنده دار باشد.

۲. اگر عنصر خنده را ملازم طنز و از ارکان مفهوم آن ندانیم، در قرآن و سنّت و منابع روایی ما موجود است.

۳. اصل طنز و استفاده از آن به صورت فردی یا سازمانی (صدا و سیما) جایز است، ولی شرایط و احکام مخصوص به خود را دارد.

۴. طنزهای موجود در صدا و سیما از جهات مختلف مربوط به هدف، موضوع، محتوا، ابزار و روش، طنزپرداز، برنامه ریزی و... دارای نقص است.

۵. برای جبران نقص طنزهای موجود باید از هدف یابی طنز آغاز کنیم. اهداف اصلی طنز از دیدگاه اسلام تربیت و امر به معروف و نهی از منکر است.

۶. موضوعات یا سوژه هایی که طنز برای آنها ساخته می شود، باید نیاز روز جامعه بوده و منافی آموزه های اسلامی نباشد.

۷. محتوای طنز از لحاظ اعتقادی، اخلاقی و فقهی، روح طنز به شمار می رود و باید هماهنگ با این سه شاخه از معارف اسلامی باشد.

ص:۲۲

۸. ابزار و تکنیک در طنز، نقشی حیاتی دارد و استفاده از روش های ضد اخلاقی و ابزار ضد دینی در طنز جایز نیست.

۹. طنزپرداز (نویسنده، کارگردان، بازیگر) باید در کنار تخصص، تعهد داشته باشد و در اجرای نقش خود موازین اسلامی را رعایت کند.

۱۰. برنامه ریزی کلان و منظم برای طنز صدا و سیما در کل کشور امری ضروری و ممکن است و با تشکیل شورایی می توان این مهم را به انجام رساند.

طنز دینی، خیال یا واقعیّت

طنز دینی، خیال یا واقعیّت

آیا آنچه به عنوان طنز و دین یا طنزِ دینی عنوان می شود، صرفِ یک بازی ادیبانه با الفاظ است یا از یک تصوّر و تصدیق صحیح نسبت به این دو مقوله ریشه می گیرد. چه بسا، بسیاری در اوضاع آشفته فکری معاصر همانند موضوع های هنری دیگر، نگاهی متعصب به طنز داشته باشند و با ذهنیتی که با مصرف واردات غربی در این زمینه داشته اند، هیچ سنخیّتی میان هنر و به ویژه طنز با دین و اخلاق احساس نکنند و همچون مصرف کنندگان اندیشه های سکولار در صحنه سیاسی، دین را برای بخشی از زندگی فردی تجویز کنند. بنابراین، هستند افرادی که اساس و پایه این گونه بحث ها را درست نمی دانند و یا اگر درست بدانند، نتیجه و تأثیر عملی برای آن در نظر نمی گیرند؛ چون عقیده دارند این بحث ها با روند حرکت جامعه جهانی تطبیق نمی کند. به عقیده آنان اگر قرار باشد دین را به وادی هنر و به ویژه طنز بیاوریم، باعث کاهش خلاقیّت در کارهای هنری می شود و آن دیگر طنز

نیست؛ چون نه جذابیت دارد، نه خلاقیت و نه مخاطب. در پاسخ به این شبهه باید گفت دین جامعیت و شمولی در صحنه فردی و اجتماعی دارد و تمام شئون زندگیِ انسانی را در بر می گیرد. البته این پاسخ در جای خود لازم و تأثیرگذار است، ولی آنچه سبب ایجاد چنین شبهه ای در ذهن بیشتر افراد می شود، مشکل دین شناختی نیست، بلکه مشکل هنرشناسی و هنرمندشناسی است که گمان می کنند هنر و هنرمند طنزپرداز کسی است که در تمام زمینه ها و با آزادی کامل به فعالیت بپردازد و به اصطلاح همه فن حریف شود و در هر نقشی بازی کند و در هر موضوعی بنویسد و در هر فیلمنامه ای کارگردانی کند و هیچ گونه محدودیت دینی و اخلاقی، مانع خلاقیّت خیالی او نشود. این همان مرض بزرگ هنر ماست که از تخصص، گریزان است و به جامعیت و قهرمان بازی فکر می کند. حال آنکه پیشرفت در تمامی علوم و حتی در هنر با تخصص حاصل می شود و طنز دینی در واقع نوعی تخصص است. ضوابط شرعی برای هنر محدودیت آور نیست، بلکه نوعی مرزبندی است. این مرزبندی باعث ایجاد خلاقیت بیشتر در گستره ای خاصّ می شود و به شاهکارهای بزرگ هنری می انجامد. همچنان که مرزبندی در علوم و تخصّصی کردن گرایش های مختلفِ آن، امروزه باعث شده است ماشین علمی دنیا به طرز شگفت انگیزی پیشرفت کند و در هر روز به اندازه یک قرن از قرون پیشین بر علم بشر افزوده شود، در فعالیت هنری نیز اگر چه هنرمند در حیطه عملیات هنری خود آزادانه فعالیت می کند، ولی اگر این آزادی با موضوع های خاص، روش ها و ابزار و محتوای ویژه و... مرزبندی نشود، هرگز، این هنر به یک اثر هنری کامل و ماندگار تبدیل نخواهد شد. به

ص:۲۴

عبارت دیگر، محدود کردن هنر و طنز با ضوابط شرعی در واقع نوعی ایجاد یک رشته تخصصی در طنز است که در درون خود می تواند هزاران گزینه متفاوت داشته باشد.

فرآیند منطقی تولید طنز دینی

اشاره

فرآیند منطقی تولید طنز دینی

برای ارائه طنز دینی و نگاهی تخصصی از منظر دینی به آن، چه مراحلی باید طی شود تا محصول به دست آمده، مورد پذیرش اسلام بوده و با معیارها و حدود اسلامی مطابق باشد؟

مقوله طنز با امور مختلفی چون فلسفه، هنر، ادبیات، جامعه شناسی، روان شناسی، اخلاق، فرهنگ، سیاست، تربیت، تبلیغات، حقوق، فقه و... در ارتباط است. در مباحثی که پیش رو داریم، می خواهیم برنامه و قالب طنز را در نمود نظری و عملی آن از دیدگاه اسلام به دست آوریم و آن را با وضعیت کنونی طنز مقایسه کنیم. برای تحقق این مهم، فرآیندی لازم است که دارای مبانی و پیش نیازهای خاص خود است. البته بخشی از این مبانی و مراحل در تمامی کارهای هنری وجود دارد؛ گرچه طنز به عنوان قالب خاص ادبی و هنری دارای برخی مراحل فرعی مخصوص به خود است. مبانی دور و درجه دومی که با طنز در ارتباطند، به مباحث فلسفه خلقت، فلسفه و هدف زندگی، فلسفه نفس، فلسفه دین و به طور کلی به مبانی فلسفی ـ کلامی در شکل عام آن باز می گردد. بر مبنای فلسفه خلقت و زندگی، فلسفه نفس، فلسفه دین، اندیشه های بنیادین اسلام درباره فلسفه هنر و فلسفه تربیتی شکل می گیرد و از مبانی نزدیکِ فعالیت هنری به شمار می آید.

سپس در جامعه، رفتارها و هنجارها و ناهنجاری های فردی و اجتماعی آن را از منظر دینی بررسی می کنیم. با جامعه شناسی و روان شناسی صحیح، ایده ها و افکار متناسب با آن در قالب ادبی و هنری ریخته می شود. اکنون برنامه هنری ما که طنز، نوعی از آن است بـا اهـداف زیربنـایی اش آماده است، ولی برای اینکه چارچوبی دینی به این طنز بـدهیم، لازم است از صافی هایی عبور کند و در هر یک از آنها مقداری از لحاظ ساختار و محتوا پالایش شود تا طنزی خالص و ناب که خواسته دین است، به دست آید. مجموع مراحل فوق را می توان به صورت زیر نشان داد:

فلسفه نفس

فلسفه زندگی

فلسفه خلقت

فلسفه شریعت

جامعه شناسی

فلسفه تربیتی اسلام

فلسفه هنر در اسلام

روان شناسی

ادبیات و هنر

اخلاق و آداب

فقه و حقوق

مدیریت و برنامه

طنز مطلوب

نمودار (۱ _ ۱) فرآیند تولید طنز دینی

ص:۲۶

۱. فلسفه هنر۱

۱. فلسفه هنر(۱)

هر اثر هنری، پیرو یکی از فلسفه های هنر است. این که هدف از کار هنری چیست؟ ماهیت و ساختار هنر و زبان آن چگونه است؟ محدوده و قلمرو هنر تا کجاست؟ ارتباط هنر با موضوعات دیگر چگونه است؟ و پرسش های از این دست، همگی مسائلی کلی است که در فلسفه هنر به آن پاسخ داده می شود. بسیاری از بحث های زیبایی شناختی که در قرآن و روایات مطرح شده است، به همین مباحث باز می گردد. مقوله طنز نیز که از جمله جلوه ها و قالب های هنری است، پیرو اهداف کلی هنر می باشد. ازاین رو، از جمله مبانی اصلی طنز دیدگاه های زیبایی شناختی در زمینه ماهیت، هدف، قالب و محتوای کار هنری است.

۲. فلسفه تربیتی۱

۲. فلسفه تربیتی(۲)

فلسفه تربیتی، زیربنای تربیت و فرهنگ هر جامعه را تشکیل می دهد. موضوع هایی که با تربیت به طور مستقیم یا غیر مستقیم ارتباط دارند، به فلسفه تربیتی نیز مربوط می شوند. طنز گرچه اثر تربیتی دارد، اما معمولاً برای تربیت برنامه ریزی نمی شود؛ ولی هر طنزی دانسته یا ندانسته برخاسته از نوعی هدف تربیتی است. می توان با در نظر گرفتن اهداف تربیتی اسلام، به صورت عمومی و اهداف تربیتی طنز، به صورت خاص، در کنار اهداف هنری طنز که در فلسفه هنر بیان می شود، زیربنای اصلی و شالوده محتوایی

ص:۲۷

۱- Philosophy Of Art.

۲- Educational Philosophy.

طنز را روشن ساخت.

اهداف تربیت

اهداف طنز

اهداف هنر

نمودار (۲ _ ۱) تولید اهداف طنز

۳. جامعه شناسی۱

۳. جامعه شناسی(۱)

هنر در بعد اجتماعی و کاربردی اش وارد حوزه جامعه شناسی می شود. جامعه شناسی هنر که طنز نیز شعبه ای از آن است، در شناخت وضعیت اجتماعی طنز و جامعه شناسی طنزپرداز و طنز و آثار اجتماعی آن نقش اساسی دارد. برای تهیه یک برنامه طنز، آگاهی از وضعیت جامعه و مشکلات و ناهنجاری های حاکم بر آن، به عنوان درون مایه طنز، امری ضروری است. چنانچه جامعه شناسی تأثیرات طنز بر مخاطبان امری مهم است و در سیاست گذاری کلان برای طنز و پیشرفت آن در آینده مؤثر خواهد بود.

۴. روان شناسی۱

۴. روان شناسی(۲)

روان شناسی، علم بررسی رفتار انسان و توصیف آن در شکل نظری است و دستوراتی برای بهره وری بیشتر از رفتارها در شکل کاربردی آن ارائه

۱- Sociology.

۲- Psychology.

می دهد و می تواند رفتار طنزپرداز و مخاطب طنز را توصیف و آثار روانی طنز را بررسی کند. همچنین می تواند دستورات و راهکارهایی برای تأثیرگذاری بیشتر طنز و طنزپرداز و حرکات و گفتارهای موجود در طنز ارائه دهد. نویسنده طنز با در نظر گرفتن معضلات اجتماعی و روانی افراد جامعه و با الهام از روح کلی دین و اندیشه های بنیادین آن، می تواند اندیشه های مناسب خود را در قالب ادبی و هنری طنز بریزد. در واقع، جامعه شناس و روان شناس برای طنزپرداز و به ویژه نویسنده طنز، کار آسیب شناسی را انجام می دهد و با شناخت صحیح آسیب های موجود در اجتماع، موضع گیری طنزپرداز، واقعی تر و کارآمدتر خواهد بود.

روان شناسی

جامعه شناسی

آسیب شناسی

نمودار (۳ _ ۱) چگونگی آسیب شناسی طنز

۵. اخلاق اسلامی

۵. اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی، مجموعه ای از انسان شناسی اسلامی و توصیف نفس انسان و قوای مربوط به آن و نیز دستورهایی درباره تربیت و تزکیه نفس،

دوری از گناهان و آراسته شدن به صفات انسان کامل است. دین اسلام، بخشی از معارف خود را به اخلاقیات اختصاص داده است. برای این که برنامه ای اسلامی درباره ادب و هنر تولید شود، لازم است الگوهای اخلاقی اسلام درباره رفتار انسان در آن لحاظ شده و از صافی چارچوب اخلاقی اسلام عبور کند. طنز نیز پس از آنکه مبانی هنری و تربیتی خود را با آسیب های اجتماعی در آمیخت و قالبی ادبی گرفت، می تواند وارد صافی چارچوب اخلاقی اسلام شود و به روح و قالب اسلامی آن نزدیک تر شود.

۶. فقه و حقوق

۶. فقه و حقوق

بخشی از معارف اسلام که امور مربوط به حکومت، جامعه، خانواده و فرد را در شکل عملی آن بررسی می کند، فقه نامیده می شود. کار اصلی فقه، تعیین چارچوب ها و حد و مرزهای موضوعات موجود در جامعه طبق منابع دینی است. فقه را می توان آخرین حلقه در مجموعه علومی دانست که موضوعات هنری و بلکه تمام موضوعات به آن می انجامند و از گذر فقه است که موضوعِ اسلام در برابر تمامی مسائل عملی روشن می شود. بنابراین دومین صافی برای طنز، احکام و باید و نبایدهای فقهی است.

۷. مدیریت و برنامه ریزی

۷. مدیریت و برنامه ریزی

آخرین مرحله ای که برای تهیه و تولید یک برنامه طنز در صدا و سیما بر اساس معیارهای دینی، وجود دارد برنامه ریزیِ خرد و کلان برای تولید طنز در صدا و سیماست. برنامه ریزی برای طنز در سطح شبکه های ملّی، شبکه های بین المللی و منطقه ای و شبکه های استانی در صدا و سیما امری بایسته است و مراحل دیگر تهیه طنز دینی به برنامه ریزی و مدیریت سالم و

کارآمد وابسته است. مجموع این مراحل هفت گانه در طول مباحث و در حد توان بررسی خواهد شد.

ص:۳۱

بخش اول: کلیات

اشاره

بخش اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. تعریف طنز

۲. طنز و واژه های همگون

۳. ارکان طنز

۱. تعریف طنز

اشاره

۱. تعریف طنز

برای شناخت و تعریف هرچیزی باید نخست معنا و مفهوم آن در فرهنگ و لغت روشن شود و آنگاه تعریف های اصطلاحی آن از دیدگاه های گوناگون بررسی شود و در مرحله سوم جایگاه موضوع مورد نظر در علوم و ارتباط آن با دیگر مقوله ها مشخص شود. طنز از جمله موضوع هایی است که دیدگاه های فراوانی درباره ماهیت آن ارائه شده است. ازاین رو، ناگزیریم تعریفی صحیح از آن به دست آوریم. نخست باید سراغ منابع لغوی در زبان های عربی، فارسی و انگلیسی برویم و سپس تعریف های هنرمندان، ادیبان و فقیهان را بیان کنیم. نتیجه این مباحث این خواهد بود که ماهیت راستین طنز، موضوع، هدف و مرز بین طنز و دیگر مقوله های مشابه روشن می شود.

الف) طنز در لغت

الف) طنز در لغت

طنز واژه ای عربی است. در فرهنگ لاروس چنین آمده است: «طَنَزَ طَنزاً؛ او

را ریشخند کرد و سخنانی به او گفت که او را به هیجان آورد».(۱) دهخدا نیز معانی چندی برای طنز آورده است: «فسوس کردن، فسوس داشتن، بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب کردن، سخن به رموز گفتن، طعنه و سخریه».(۲)

با توجه به مطالب بالا، می توان نتیجه گرفت که در واژه طنز سه معنای در عرض هم در نظر گرفته شده است:

۱. خندیدن: که در معنای لغوی، خنده منفی و بیشتر طعنه و تمسخر مورد نظر است.

۲. سخن گفتن: طنز در معنای لغوی اش افزون بر عنصر خنده همواره از نوع خاصی سخن گفتن که مخاطب را نشانه گرفته و درصدد تأثیرگذاری بر اوست حکایت می کند.

۳. حرکاتی که لازمه طعنه زدن و تمسخر و... است.

از این سه معنا می توانیم در تعریف اصطلاحی طنز بهره بگیریم.

ب) طنز در اصطلاح

اشاره

ب) طنز در اصطلاح

زیر فصل ها

یک _ طنز از دیدگاه ادیبان و زبان شناسان

دو _ طنز از دیدگاه هنرمند

سه _ طنز از دیدگاه فقیهان

یک _ طنز از دیدگاه ادیبان و زبان شناسان

یک _ طنز از دیدگاه ادیبان و زبان شناسان

در نگاه ادیبان، طنز همانند فنون ادبی دیگر، حالتی است که کلام به خود می گیرد. ازاین رو، محور مباحث طنز در دیدگاه ادیبان و شاعران و لغت شناسان، زبان و حالات آن است که در قالب مخصوصی به نام طنز ریخته می شود. ادیب، کاری به ریشه ها، علل، نتایج و آثار ندارد؛ در حالی که

۱- فرهنگ لاروس، ج ۲، واژه طنز.
۲- لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، واژه طنز.

فقیه هم به آغاز و هم به پایانِ مسئله در جهان خارج نظر می کند و هنرمند به میزان تأثیرگذاری آن در مخاطب توجّه دارد.

دو _ طنز از دیدگاه هنرمند

دو _ طنز از دیدگاه هنرمند

از دیدگاه هنرمند، طنز، هنری است جوان که همه لطایف، زیبایی ها و ریزه کاری های هنری را در خود جای داده است و قدرت هرگونه تأثیرگذاری بر مخاطبان و مسحور کردن آنها را دارد. هنرمندِ طنزپرداز، در برداشت خود از طنز، بیشتر به مقایسه با آثار جدی و تراژیک و کیفیت اجرای آن دو می اندیشد و طنز را به مثابه طراحی یا نقاشی می بیند که به ریزه کاری و دقت فراوانی نیاز دارد. هنرمند از زاویه زیبایی شناسی به طنز می نگرد و آن را فعالیتی هنری می داند که از واژه ها، حرکات، سکنات و صحنه های خاصی شکل یافته که مخاطب را مجذوب خود ساخته و موضوعی را از زاویه ای پوشیده مورد انتقاد قرار می دهد.

سه _ طنز از دیدگاه فقیهان

سه _ طنز از دیدگاه فقیهان

فقیه در تعریف موضوع ها، هم به مفاهیم توجه دارد و هم به مصادیق عینی این مفاهیم در جهان خارج، بنابراین، در تعریف فقهی باید هم از نگاه ترمینولوژیکی ادیب و هم از نگاه زیبایی شناسانه و مخاطب محور طنزپرداز استفاده شود. با این بیان، تعریف فقهی این مقوله، دقیق تر از تعریف های آن در ادب و هنر خواهد بود. برخی تعریف های مطرح شده برای طنز از دیدگاه فقها از این قرار است:

_ مقام معظم رهبری (مدّظله العالی):

طنز سخنی جدی و تفهیم حقیقت بدون تلخی و با لعاب نازک اندیشی،

نازک گویی، ظریف کاری و لطیف پردازی است و با مقوله فکاهی و مطایبه متفاوت است.(۱)

ـ علامه جعفری رحمه الله:

سخنی که با استفاده از استعاره و مبالغه و مجاز، با ظاهری مقبول و آراسته و گاه نه فقط مقبول، بلکه خوشایند که جنبه لطیفه هم دارد؛ (به گونه ای که) غیر آن کسی که مورد طنز است، دیگران از آن لذّت ببرند.(۲)

ـ آیت اللّه مکارم شیرازی:

یک سلسله مسائل هدفدار را در لباس لطایف آمیخته و با نوعی شوخی بیان کردن.(۳)

ـ آیت اللّه سیدکاظم حائری:

طنز همان فکاهیاتی است که می خواهند نکات زیبا و خوب و دقیقی را در این قالب بریزند و به شکلی سهل و آسان به مردم بفهمانند.(۴)

ـ آیت اللّه معرفت:

طنز یک نوع کنایه به شمار می رود و ماهیتاً همان کنایه است؛ یعنی مطلبی را در لفّافه و کنایه وار و با تشبیه ارائه می دهند.(۵)

از این تعریف ها، چند نکته به دست می آید:

۱. طنز جدی و حقیقت است، اما لباس شوخی بر تن دارد.

۲. حقیقت که موضوع طنز است هدفدار است پس، طنز هم باید هدفدار

۱- فصلنامه سنجش و پژوهش، ش ۱۳ و ۱۴، مقدمه، ص ۱.

۲- پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق، مصاحبه با علامه محمد تقی جعفری، ص ۱۰۴.

۳- همان، مصاحبه با آیت اللّه مکارم شیرازی، همان، ص ۹۶.

۴- همان، ص ۱۱۷.

۵- همان، ص ۱۲۶.

باشد.

۳. لطیفه و شوخی طنز همانند لعاب و رنگی است که برای جذابیت به آن می زنند و هدف اصلی طنز نیست.

۴. طنز نوعی از تفهیم و بیان (دیداری و شنیداری) است بنابراین، نخست باید اصولِ سخن گفتن و نوشتن از نگاه علم و دین رعایت شود و سپس اصول و قواعد اجرا عملی گردد. این گونه نگاه به طنز، در واقع نگاه فقهی است و طنز را به گونه ای تعریف می کند که بتوان برای آن حکم و قانون صادر کرد. با این بیان، هرآنچه در جهان خارج با نام طنز ارائه می شود، باید این ویژگی ها را داشته باشد وگرنه طنز نیست.

با یک جمع بندی میان این تعاریف و نتایج آنها می توانیم طنز را این گونه تعریف کنیم: طنز نقدی ظریف است که با بهره گیری از ابزار لطیف پردازی (کنایه، تشبیه، استعاره و...) صورت می گیرد و ممکن است خنده دار یا آزار دهنده باشد.

۲. طنز و واژه های همگون

اشاره

۲. طنز و واژه های همگون

طنز از جمله واژگانی است که برای فهمیدن آن، باید آن را با واژه های گونه گونی مقایسه کرد تا معنای راستین آن روشن شود. این واژه ها با توجه به نقاط مشترکی که با طنز دارند، همواره موجب خطا در فهم معنای طنز و بهره گیری از آن می شوند. ازاین رو، تعریف این واژه ها و تفاوت و اشتراک آنها با اصطلاح طنز را بررسی می کنیم.

ص:۳۶

الف) هزل

الف) هزل

هزل، به معنای بیهودگی و خلافِ جدّ آمده است.(۱) در اصطلاح اصولیان، هزل آن است که معنای آن اراده نشود، نه معنی حقیقی و نه معنی مجازی؛ جد، ضدِ هزل است.(۲)

بنابراین نقطه اتحاد میان طنز و هزل بسیار کم است و فقط لعاب و ظاهر طنز است که مقداری با هزل همراهی می کند و حقیقت طنز هیچ گونه سازشی با آن ندارد؛ زیرا ماهیت هزل و سنگ بنای آن از امور بیهوده و شوخی تشکیل یافته است؛ در حالی که ستون ها و حتی دیواره های طنز همگی حقیقی اند و تنها رنگ ساختمان است که شوخی به نظر می آید و از همین جا منزلت والای طنز در مقایسه با هزل روشن می شود.

ب) هجو

ب) هجو

هجو، واژه دیگری است که گاهی در کنار طنز قرار می گیرد و اصالت و عمقِ آن را خدشه دار می کند. در اصطلاح ادیبان، نوعی شعر غنایی است که بر پایه نقد گزنده و دردانگیز است و گاهی به سر حدِ دشنام گویی یا نیشخند مسخره آمیز و دردآور نیز می انجامد و آن مقابل مدح است.(۳) هجو در لغت، نزدیک به هزل معنا شده است.(۴) نکوهش دیگران، شمردن عیب های دیگری

ص:۳۷

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، واژه هزل.
۲- مریم خداپرست، «بررسی طنز و تفاوت آن با مقوله های دیگر»، سنجش و پژوهش، سال چهارم، بهار و تابستان ۷۷، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۱.
۳- لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، واژه هزل.
۴- علی اصغر حلبی، مقدمه ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، تهران، مؤسسه پیک ترجمه و نشر، چ دوم، ۱۳۶۵، ص ۳۵.

، دشنام دادن کسی با شعر، بدگفتن و... از معانی هجو ذکر شده اند.(۱) هجو، نه هزل است و نه طنز؛ گرچه مناسبت آن با هزل بیشتر است. هجو با عشق، نفرت، کینه، بی پروایی و حمله همراه است و در عین حال، عنصر خنده نیز در آن وجود دارد. تفاوت های هجو با هزل و طنز بدین قرار است:

یک _ بازتاب های طنز، عمومی است، حال آن که هجو شخص خاصی را در نظر می گیرد.(۲)

دو _ هجو بر خلاف هزل که پایه و اساس آن را شوخی و بیهودگی تشکیل می دهد، کاملاً جدی است و حتی قالب آن نیز اغلب به آن جدیت می بخشد.

سه _ هدف هزل فقط خنداندن و هرزگی است، ولی هدف هجو، گزیدن و دریدن مخاطب است و هدف طنز تکامل مخاطب و تفهیم اوست.

چهار _ سرچشمه هزل، شوخ طبعی انسانی است؛ سرچشمه هجو، حس انتقام جویی، عناد و طمع و سرچشمه طنز، طبع لطیف و روح صاف و فرزانه است.

پنج _ طنز در برشمردن زشتی های کسی یا جامعه ای، صراحتِ تعبیرهای هجو را ندارد و اغلب غیرمستقیم و به تعریض، عیب های کسی یا کاری را بازگو می کند.

شش _ ابزار هجو سخنان نیش دار و فحش و بد دهنی است؛ ابزار هزل،

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۱۵، واژه هجو.

۲- آرتو پلارد، طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران، نشر مرکز، چ دوم، ۱۳۸۱، ص ۷.

تمسخر و دروغ و هرزگی و ابزار طنز نیز راستی و صداقت آمیخته با کمدی است.(۱)

هفت _ هجو هرچند در زمان خود به جا و نافذ باشد، ولی چه بسا به مرور زمان، اهمیت خود را به آسانی از دست بدهد.(۲)

ج) کنایه

ج) کنایه

لسان العرب کنایه را این گونه معنا کرده است: کنایه آن است که چیزی را بگویی و غیر آن را اراده کنی.(۳) پوشیده سخن گفتن چنانکه معنای آن صریح نباشد؛ تعریض، همچنین استعمال لفظ و اراده معنی آن، به عنوان معانی دیگر کنایه مطرح شده اند.(۴) نقطه اشتراک میان طنز و کنایه این است که در هر دو مورد صراحت مطلوب نیست و تعریض گونه بودن، این دو را از هجو جدا کرده است. در طنز و کنایه، پیام به صورت غیر مستقیم به مخاطب القا می شود، اما کنایه با طنز تفاوت های اساسی دارد و نمی تواند هم ردیف طنز قرار گیرد.

یک _ کنایه یکی از ساختارهای ادبی است و از این نظر طنز، عام تر از کنایه است؛ زیرا اختصاصی به ادبیات ندارد.

دو _ هدف کنایه تنها ابلاغ پیام در قالبی ادبی است، اما هدف طنز تربیت ا

ص:۳۹

۱- نک: سنجش و پژوهش، ش ۱۳ و ۱۴، مقالات «مقدمه ای بر طنز از دیدگاه عقل و نقل ، «محدوده طنز در شرع و اخلاق»، «هجو و تعاریف»؛ و نیز مقدمه ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، ص ۳۵.
۲- آرتور پلارد، همان.
۳- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۷۴.
۴- فرهنگ معین، ج ۳، ص ۳۰۸۳.

ست.

سه ــ طنز اغلب با شوخی و مزاح همراه است، حال آنکه کنایه ملزم به این مسئله نیست.

با توجه به این مطالب می توان چنین نتیجه گرفت که کنایه یکی از ابزارهای طنز است، نه واژه ای هم ردیف طنز. طنزپرداز در مواردی که باید صراحت گویی را کنار بگذارد، از کنایه بهره می گیرد.

د) کمدی۱

د) کمدی(۱)

کمدی واژه ای فرانسوی است که دهخدا درباره اش چنین می نویسد: اثری نمایشی که دارای موضوع و نتیجه شادی بخش و خنده آور باشد؛ مقابل تراژدی. کمدی، اصطلاحی است که برای بیان نوعی از درام به کار می رود که مقصود اصلی آن تفریح تماشاکنندگان است. کمدی از سویی مخالف تراژدی و از سوی دیگر، مخالف لودگی و مسخرگی و تقلید است. کمدی به جهت آنکه به پایانی خوشایند می انجامد، از تراژدی متمایز می شود و به جهت آنکه از هرگونه حرکات قهقهه آور و سخنان بسیار مضحک برکنار است، از هزل و مسخرگی مشخص است.(۲) با این بیان، نقطه اشتراک و اختلاف میان طنز و کمدی روشن می شود. طنز مانند کمدی مجبور نیست به پایانی خوشایند بینجامد و هدف آن بالاتر از تفریح مخاطب است و لزوماً با تراژدی مخالف نیست. بنابراین، تشخیص کمدی از طنز بسیار ساده است

ص:۴۰

۱- لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، واژه کمدی.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، واژه کمدی.

البته کمدی می تواند یکی از انواع طنز باشد و به عنوان یکی از قالب های آن مطرح شود.

ه) شوخی و مطایبه

ه) شوخی و مطایبه

واژه هـای دیگریماننـد، مطایبه، شوخی و... بیشتر به معنای شوخی کردن است و نوعی بیان کمـدی است که می توان آنها را به یکی از خانواده های هزل یا کمدی ارجاع داد. در همه این واژه ها آنچه اصل و اساس معنای آن را تشکیل می دهد، عنصر خنـده است که در طنز از آن بهره گیری می شود. با توجه به مباحثی که تا به حال درباره تعریف طنز و مقایسه آن با واژه های مشابه مطرح شد، می توانیم ویژگی های زیر را برای طنز برشماریم:

یک ـ طنز نوعی تمسخر است، اما نه به همه چیز، بلکه به زشتی ها و پلیدی ها و زشت ها و پلیدها.

دو ـ شادی در طنز مانند نمک در غذا است و هدف والاتری را پی می گیرد.

سه ـ طنز همیشه مثبت است و آثار مثبتی در پی دارد، ولی هزل و هجو و کنایه و کمدی و... همواره مثبت نیستند و آثار منفی بسیاری تولید می کنند و اگر طنزی اثر منفی داشته باشد، طنز حقیقی نیست.

چهار ـ هزل و هجو و... با طنز متفاوت هستند، نه نوعی از آن.

۳. ارکان طنز

۳. ارکان طنز

برای این که هر کار هنری قوام یابد و ساختار کاملی بیابد، باید از عناصر و ارکان گوناگونی مدد بگیرد. این رکن ها به منزله ستون های کار هنری اند. اگر یکی از آنها نباشد یا ناقص باشد، هنر مورد نظر ناقص و مبتذل خواهد

بود و نـتیجه دلخواه را نخواهـد داد. در هنر معمولاً ـ چهـار عنصـر وجود دارد: ۱. موضـوع (سوژه)؛ ۲. محتـوا و روح و پیـام؛ ۳. قالب؛ هنرمند.(۱)

البتـه شایـد بتـوان مـورد پنجمی را به عناصـر فـوق افزود و آن هـدف از هنر و کـار هنری است که به سـبب اهمیت آن در همه فعالیت ها و به ویژه هنر، جزء ارکان اصـلی قلمداد می شود. در این صورت، برای کار هنری و طنز که قسـمی از آن است، پنج محور و رکن قابل تصور خواهد بود:

۱. موضوع طنز (سوژه ای که طنز بر روی آن انجام می گیرد)؛

۲. پیام طنز (محتوایی که طنز پرداز به دنبال ارایه آن است)؛

۳. قالب و ابزار طنز (قالب ها و ابزاری که در طنز استفاده می شود)؛

۴. هدف طنز (غایت و سرانجامی که طنزپرداز به دنبال آن است)؛

۵. طنزپرداز (بازیگر، نویسنده، کارگردان و...).

در این نوشتار محورهای پنج گانه فوق را از منظر دینی و فقهی بررسی خواهیم کرد.

۱- جواد محدثی، هنر در قلمرو مکتب، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.

بخش دوم: طنز دینی

اشاره

بخش دوم: طنز دینی

زیر فصل ها

حکم شرعی طنز

حکم شرعی طنز

اشاره

حکم شرعی طنز

دین اسلام مجموعه ای از معارف و اندیشه های نظری و عملی در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی و حکومتی است. هر مسئله از مسائل بشری که مستقیم یا غیر مستقیم با دین و مسائل دینی ارتباط می یابد، وارد حوزه دین و اندیشه دینی می شود؛ به گونه ای که اگر جزء تئوری ها و نظریه های فکری و اعتقادی باشد، بخش اعتقادی اسلام در برابر آن موضع گیری می کند و اگر جزء مسائل عملی و اجرایی باشد، بخش اخلاقی و فقهی اسلام درباره آن اظهارنظر می کند. مقوله طنز از جمله امور عملی و اجرایی است که گرچه مبانی فکری و عقیدتی دارد، اما در حوزه مباحث تئوری نیست، بلکه یک مقوله هنری در شکل کاربردی است. بنابراین، اسلام می تواند درباره آن اظهار نظر کند. این موضع گیری در علم فقه مطرح می شود. برنامه فردی، اجتماعی و حکومتیِ طنز را علم فقه و اجتهاد عقلایی معین می کند. فقه و اخلاق، قانون گونه اند و در هر مسئله ای چارچوب دینی را مشخص می کنند. البته حوزه فقه بسیار گسترده تر از اخلاق بوده و بسیاری از مسائل فقهی در قالبی فقهی بررسی می شوند؛ به گونه ای که بخشی از علم فقه را «فقه الاخلاق» می نامند. از سوی دیگر، معارف اسلامی به هم تنیده و منسجم اند و بر هم تأثیر و تأثر دارند ازاین رو، وقتی موضوعی مانند طنز در فقه عنوان می شود، پای آن به دیگر حوزه های دین مانند آداب، اخلاق،

ص:۴۳

اعتقادات و... نیز کشیده می شود. بنابراین، باید بگوییم طنز با تمامی مسائل دینی و معرفت های بنیادین و گزاره های عملی در ارتباط است. حال باید ببینیم حکم شرعی طنز چیست و چگونه می توانیم آن را کشف کنیم. در بحث از حکم شرعی طنز چندین مسئله را باید مورد توجه قرار دهیم:

۱. آیات مرتبط با بحث (وجود آیات و دلالت آنها)؛

۲. روایات مرتبط با بحث (وجود روایات و دلالت آنها)؛

۳. اقوال فقها و بررسی آنها (تعداد اقوال و نکات اشتراک و اختلاف آنها)؛

۴. طنز در حکومت اسلامی (یعنی جدای از نگاه فردی، یک نگاهِ حکومتی و سازمانی به این قضیّه داشته باشیم).

الف) کاربرد طنز در قرآن

اشاره

الف) کاربرد طنز در قرآن

از آنجا که در پیکره طنز، عناصر انتقاد و ظریف پردازی و خنده با هم جمع می شوند، حالتی به وجود می آید که بیشترین تأثیر را در مخاطب برجا می گذارد. قرآن کریم کتاب هدایت و تأثیرگذاری مثبت است، بنابراین به احتمال بسیار، طنز به معنای ظریف پردازی و لطیف گویی (درباره حقایق و واقعیت ها) با بهره گیری از کنایه، تشبیه، استعاره و تمثیل، در آن وجود دارد. این گونه ابزارها در آیات مختلفی از قرآن به کار رفته و در برخی موارد (نه در همه موارد) موجب خنده نمکین و تبسّم حکیمانه نیز می شود. بنابراین، اگر طنز را یک صنعت ادبی و بلاغی بدانیم، قرآن نیز آن را دارد؛ چون قرآن کلامی است در اوج فصاحت و بلاغت. ازاین رو، دلیلی ندارد که از طنز در

بعضی جاها استفاده نکنیم.(۱)

از همین مطالب می توان دریافت که اصل طنز و کاربرد آن در مواردی که قرآن به کار برده، جایزاست، مانند:

یک _ انتقادات مطرح شده در قرآن که از ظرف زمانی آخرت خبر می دهد

یک _ انتقادات مطرح شده در قرآن که از ظرف زمانی آخرت خبر می دهد

شماری از آیات قرآن به بررسی احوال انسان های ناشایست در آخرت می پردازد و به صورت خطاب یا غیاب از آنها انتقاد کرده و تحقیرشان می کند. از آنجا که این گونه آیات از جهاتی شبیه به طنز به نظر می رسند، بررسی آنها در روشن شدن ماهیت و محدوده طنز راهگشاست.

ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْکَرِیمُ. (دخان: ۴۹)

عذاب دوزخ را بچش که تو بسیار عزیز و گرامی هستی.

این آیه گرچه در مقام انتقاد از اشخاص متکبّر و خودخواه، در آخرت (جهنم) است و سیاق آیه از عذاب اخروی سخن می گوید، ولی آیه هم اکنون نیز پیام دارد و از متکبران انتقاد می کند؛ زیرا قرآن با زنده ها حرف می زند نه با مرده ها و برای انسان های کنونی و هدایت آنها نازل شده است و چون لحن آیه با نوعی تحقیر و تمسخر نسبت به متکبران همراه است، می توان گفت که آیه به صورت طنز است. قرآن از شخصی بسیار مغرور و خودخواه سخن می گوید که در میان مشرکان خود را «اناالکریم، اناالعزیز؛ من دارای شخصیّتم» می خواند قرآن می فرماید: آن وقت که در آتش جهنم با حقارت بیفتد،

۱- مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰، مصاحبه با حضرت آیت اللّه مکارم شیرازی.

می گویند آقای عزیز، آقای کریم، نتیجه کارهایت را بچش؛ این همان طنز است».(1)

چندین نکته را می توانیم از آیه مورد نظر به دست آوریم:

ـ قرآن برای تمام انسان ها و جوامع بشری در همه زمان ها نازل شده است. قرآن «هدی للناس» (بقره: ۱۸۵) است. ازاین رو، شأن نزول آیه، مانع از تطبیق آن به دیگر افراد مغرور و خودخواه نمی شود.

ـ از آنجا که دنیا و آخرت عدل همند و آخرت ظهور باطن دنیاست، خطاب هایی از قرآن که در ظرف زمانی آخرت مطرح می شود، هم اکنون و برای زندگان پیام دارد، پس این انتقاد و تحقیر هم اکنون به افراد مغرور وارد است.

ـ با توجه به پیام آیه انتقاد از افراد متکبر و خود پسند و خودبین (به ویژه زمانی که مصداق خاصی مدنظر نیست) منعی ندارد، بلکه در مواقعی مثل سوژه موردنظر، بسیار هم لازم است.

ـ آیه فوق افزون بر انتقاد و کنایه گویی، از بار خنده و تبسّم برای افراد غیر مغرور نیز برخوردار است، ولی این خنده در حدّ قهقهه و شادیِ صرفِ برنامه های کنونی صدا و سیما نیست، بلکه خنده ای به جا و عبرت آور است.

تمام آیاتی که عاقبت دنیایی یا عقبایی کارهای زشت انسان ها را در قرآن کریم با زبان کنایه، تشبیه و استعاره بیان می کنند، احکامی شبیه حکم این آیه را نتیجه می دهند.

ص:۴۶

۱- همان، ص ۱۰۱.

وَ لا یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ حَتّی یَلِجَ الْجَمَلُ فی سَمِّ الْخِیاطِ. (اعراف: ۴۰)

گروهی که آیات الهی را تکـذیب کردنـد و راه هـدایت را به روی خود بسـتند وارد بهشت نمی شونـد، مگر زمانی که شتر از سوراخ سوزن رد شود.

این آیه نیز هماننـد آیه قبلی، با کنایه، وضـعیت دردناك افراد ناشایست را مطرح می کند و عاقبت کارشان را که عدم ورود به بهشت است بیان می کنـد. آیه گرچه به شـکل کنایه است، ولی حقیقت است. در واقع نوعی انتقاد ظریف در لابه لای کلمات و عباراتِ آیه نهفته است که آن را به طنز نزدیك می کند.

دو ـ احتجاج و استدلال های قرآنی در قالب طنز

دو ـ احتجاج و استدلال های قرآنی در قالب طنز

اگر طنز را لطیف پردازی کلامی معنا کنیم، احتجاج هایی را که از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام برای مشرکان شده است، شامل می شود:

قالُوا ءَ أَنْتَ فَعَلْتَ هذا بِ آلِهَتِنا یا إِبْراهیمُ. قالَ بَلْ فَعَلَهُ کَبیرُهُمْ هذا فَسْئَلُوهُمْ إِنْ کانُوا یَنْطِقُونَ. (انبیاء: ۶۲ و ۶۳)

گفتنـد: ای ابراهیم، آیا تو این کار را با بت ها کرده ای (آنها را شکسـته ای). گفت: (نه) بلکه این بت بزرگ آن کار را کرده است، (اگر باور نمی کنید) از اینها (بت های کوچك) بپرسید؛ اگر توانایی حرف زدن را دارند».

پاسـخ حضـرت ابراهیم علیه السـلام به مشـرکان نوعی انتقـاد از اعتقـاد (به ربوبیّت بت هـا) در لباسـی از کنـایه است که بسـیار تأثیرگذارتر از اسـتدلال های مسـتقیم و انتقاداتِ صـریح است. ازاین رو، همین که بت پرسـتان این سـخن ابراهیم علیه السلامرا شنیدند، در دل به خودشان گفتند:

انّکم انتم الظالمون؛ همه شما ستمکارید. (انبیاء: ۶۴)

و این عمق تأثیر این پیام طنزگونه را می رساند.

در اینجا طبق تفسیری که می گوید، هذا، فاعل فعل است، آیه این گونه تفسیر می شود که حضرت ابراهیم علیه السلام گفته باشد: از این بت بزرگ که بت های کوچک را که تخلف کرده اند تنبیه کرده است، بپرسید؛ اگر جواب می دهند. بنابراین، این یک نوع طنز است.(۱)

دومین آیه ای که می توان درباره این گونه انتقادها مطرح کرد احتجاج هایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام با پرستش کنندگان ماه و خورشید و ستارگان مطرح می کند. این احتجاج ها در قالب کنایه و در اوج بلاغت از این گونه اعتقادات انتقاد می کند و ممکن است لبخندی حکیمانه بر لب مخاطب بنشاند که باعث تحقیر و کوچک شدنِ این گونه از افکار و عقاید در ذهن او می شود. متن و شرح آیه به صورت زیر است:

فَلَمّا رَأَی الْقَمَرَ بازِغًا قالَ هذا رَبّی فَلَمّا أَفَلَ قالَ لَئِنْ لَمْ یَهْدِنی رَبّی لَأَکُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضّالِّینَ. (انعام: ۷۷)

پس (ابراهیم علیه السلام به سراغ ماه پرستان رفت و) زمانی که ماه درخشان را دید گفت: این پروردگار من است؛ سپس زمانی که ناپدید شد، گفت: اگر پروردگارم (ماه) مرا هدایت نکند، حتماً از گمراهان خواهم شد.

برابر این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت مستقیم ماه پرستی را ردّ نکرد، بلکه این عقیده باطل را در قالب یک استدلال کلامی و با ظرافت و زیبایی خاصی ارائه داد و به تحقیر و زشتی این عقیده به صورت غیر مستقیم پرداخت. از دو آیه مطرح شده و آیات مشابه آنها می توانیم نتایج زیر را به

۱- مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همان، ص ۱۰۲.

دست آوریم:

اول _ انتقاد از اعتقاداتِ باطل، جایز و در صورت علنی بودن در جامعه لازم است.

دوم _ بهتر است برای تأثیرگذاری بیشتر، انتقاد به شکل کنایه صورت گیرد.

سوم _ عنصر خنده لازمه این گونه لطیف پردازی نیست، ولی منعی هم از آن صورت نمی گیرد.

سه _ استعاره، تمثیل و تشبیه های قرآن برای اهل دنیا درباره اخلاقیات و آداب در قالب طنز

سه _ استعاره، تمثیل و تشبیه های قرآن برای اهل دنیا درباره اخلاقیات و آداب در قالب طنز

اگر با نگاه لطیف پردازی و زیبایی های کلامی به طنز بنگریم، می توانیم بگوییم طنز نوعی استعاره است و در قرآن این نوع تمثیلات و تشبیهات دیده می شود:

وَ اغْضُض مِن صَوتک إنّ انکرَ الأصواتِ لَصَوْتُ الحمیر؛ و در سخن، آرام سخن گو (نه با فریاد بلند) که زشت ترین صداها بانگ خران است.(۱) (لقمان:۱۹)

این آیه از دو بخش تشکیل یافته که از لحاظ بیانی و ساختار ادبی متمایز از یکدیگرند. بخش اول آیه، یک پیام روشن را ارائه می کند (آرام سخن بگو)، ولی بخش دوم به صورت غیر مستقیم و با بهره گیری از استعاره صدای حیوانی که ناهنجارترین صورت را از لحاظ نوع آواز و تن صدا دارد، بلند

۱- مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همان، مصاحبه با حضرت آیت اللّه معرفت، ص ۱۳۲.

سخن گفتن را ناپسند می شمارد. چه بسا اگر تنها پیام جدّی و مستقیم مطرح می شد، بسیاری به آن توجّه نمی کردند، ولی همین که پای مقایسه خود با یک حیوان (الاغ) به میان می آید، هر انسانی دوست دارد که از این مسئله دوری کند. مانند آیه:

وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبالَ طُولاً (اسراء: ۳۷)

و در زمین با تکبر راه مرو؛ چرا که نه می توانی زمین را بکنی (با راه رفتن) و نه به اندازه کوه ها بلندخواهی شد. پس اندازه خود را بشناس و متواضع باش.

از آیات فوق چندین نکته به دست می آید:

اول _ در مسائل تربیتی و اخلاقی می توان با زبان استعاره و تشبیه و تمثیل، مطلب را به گوش طرف مقابل رساند.

دوم _ اگر فقط کردار زشت و بی ادبی نقد شود و شخص معیّن نشود، تأثیرگذاری آن بیشتر بوده و مشکل شرعی و عرفی پیش نخواهد آمد.

سوم _ این گونه بی ادبی ها در جامعه ما ممکن است در قالب افعال ظاهری مانند خوردن، آشامیدن، صحبت کردن، و راه رفتن و معاشرت در خانواده و جامعه مطرح و نقد شود.

چهار _ تشبیه و تمثیل های قرآنی

چهار _ تشبیه و تمثیل های قرآنی

تشبیه و تمثیل های قرآنی که خودِ انسان های ناشایست را به حیوانات و مسائل بی ارزش و... تشبیه می کنند، از جمله سبک های بیانی قرآن کریم است. مانند:

مَثَلُ الَّذینَ حُمِّلُوا التَّوْراهَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوها کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفارًا. (جمعه: ۵)

مَثَل کسانی که تورات بر آنها بار شد، امّا آنها آن را حمل نکردند (عمل نکردند) همانند مثل الاغی است که کتاب ها را حمل می کند (و نمی داند کتاب چیست و در آن چه نوشته است).

آیه در مقام توبیخ کسانی است که سخن خداوند را می گیرند و دستورهای الهی به گوششان می رسد، ولی پیروی و عمل نمی کنند. این مثل، شأن و مقام انسان هایی را که راه حق را می دانند، ولی از آن پیروی نمی کنند، همچون یک حیوان می داند. چنان که در آیه دیگری فرمود:

أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ. (اعراف: ۱۷۹)

آنها مانند چهارپایان و بلکه پست تر از آنها هستند.

با طریق اولویت می توانیم بگوییم که مَثَل کسانی که قرآن بر آنها آمد و عرضه شد، ولی از قرآن و معارف اسلام پیروی نکردند، مانند مثل حمار و بلکه بدتر از آن است؛ زیرا قرآن جامع تر و کامل تر از تورات بوده و شامل تورات و دیگر کتاب های آسمانی است و ضایع کردنِ آن گناهی نابخشودنی خواهد بود.

فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْکَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَیْهِ یَلْهَثْ أَوْ تَتْرُکْهُ یَلْهَثْ ذلِکَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذینَ... . (اعراف: ۱۷۶)

(پس بخوان بر آنها حکایت بلعم باعور را که آیات خود را به او عطا کردیم و او عصیان کرد...) پس مَثَل او و حکایت حالِ او به سگی می ماند که چه او را دنبال کنی و چه به حال خود رها کنی عُوعُو می کند (پارس می کند). این است مَثَل مردمی که آیاتِ خدا را بعد از علم به آن تکذیب کردند.

این آیه نیز همانند آیه پیشین به انتقاد از عالمانِ بی عمل در قالب تمثیل و تشبیه می پردازد. از این دو آیه و آیاتی که سیاقی مشابه این آیات را دارند

ص:۵۱

می توانیم نکات زیر را بهره بگیریم:

_ انتقاد از معلّمان و استادانی که ادب و اخلاق خوب ندارند (به دانش خود عمل نمی کنند) جایز است.

_ انتقاد از آگاهان سیاسی (اجرایی) _ دینی و عالمانی که علم دین را گرفته اند و عمل نمی کنند جایز است؛ همانند آنچه که در سریال «روشن تر از خاموشی» درباره برخی از عالمان درباری عهد صفوی می بینیم؛ هر چند در این سریال که در برخی موارد از جلوه های طنز نیز بهره گیری شده است، علمای طرف مقابلِ صدرالمتألهین بسیار بدتر از آنچه که در تاریخ آمده، نشان داده شده اند و در بدبینی نسبت به ایشان افراط شده است.

عالم بی عمل تنها کسی نیست که علامه دهر و مجتهد امور دینی باشد؛ بلکه هر کس به دانسته های خود، هرچند اندک در قبال دین عمل نکند، عنوانِ عالم بی عمل بر او صدق می کند و مصداق کوچکِ «کَمَثَل الحمار» و «کَمَثَلِ الکَلب» است و انتقاد از عملکرد او جایز و گاهی واجب است.

پنج _ خنده در قرآن

اشاره

پنج _ خنده در قرآن

قرآن کریم کتابِ ذکر است و با کسی شوخی ندارد و سخنان بی هدف و بی نتیجه و هزل گونه در آن وجود ندارد.(۱) همه گفتارهای قرآن، حقیقت است و «قول فصل»(۲) و سخن پایانی و آخرین و زیباترین بوده و کامل ترین معارف را در بهترین و شیواترین قالب ارائه می کند. یک اصل کلی که در سراسر

۱- الطارق: ۱۴ «و ماهوالهزل»

۲- همان، ۱۳.

قرآن وجود دارد این است که هر نظریه یا عملی که در قرآن مطرح می شود، یکی از سه حالت زیر در آن دیده می شود:

۱. نظریه یا عمل مذکور را به کلی رد می کند؛ مانند آنچه درباره نظریه های یهود و نصارا درباره پسر داشتن خداوند در قرآن مطرح شده و بی درنگ موضع قرآن بیان می شود یا مانند آنچه درباره اعمالِ بد اقوام پیشین یا رفتارهای منفی در سوره های مختلف می آید و سپس زشتی این اعمال بیان می گردد.

۲. نظر یا عمل فوق را با الفاظی تأیید و مدح می کند؛ مانند آنچه درباره رفتارها و گفتارهای پیامبران و انسان های نیک بیان می کند.

۳. بحث را به صورت طبیعی ادامه می دهد و تعرّضی به خوبی یا بدی آن نمی کند. در این گونه موارد که بیشتر مسائل عادی و عرفی زندگی را شامل می شود، می توانیم عدم مخالفت یا تأیید التزامی یا تضمنی را نتیجه بگیریم.

درباره خنده و شقوق آن موضع گیری یکم و سوم در قرآن مشاهده می شود. اگر خنده حالت استهزا و تمسخر به خود بگیرد، قرآن موضع صریح خود را که مخالفت با این کار است بازگو می کند و اگر خنده و تبسم معمولی که در اثر شگفتی طبیعی انسان از مسائل نشئت می گیرد، در قرآن مطرح می شود، موضع سکوت و تأیید ضمنی را مشاهده می کنیم. اینک هر دو گروه آیات را بررسی می کنیم:

اول _ خنده منفی در قرآن

اول _ خنده منفی در قرآن

قرآن کریم در بررسی حالات گوناگون منافقان و منکران نبوّت و اسلام، به یکی از صفات زشت آنها در دنیا اشاره می کند و آن اینکه این گونه افراد

اهل استهزا و به تمسخر گرفتن انسان های پاک و پیامبران و ارزش ها هستند.

إِذا خَلَوْا إِلی شَیاطینِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَکُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ(۱۴)

اللّهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ. (بقره: ۱۴ و ۱۵)

و زمانی که (منافقین) با دوستانِ دیگر خود (که همگی شیطان صفت اند) خلوت می کنند، می گویند ما با شماییم و ما فقط استهزا کننده مؤمنان هستیم. خداوند آنها (منافقین) را استهزا می کند.

چنانکه می بینیم آیه بعدی بلافاصله در برابر این عمل زشت موضع گیری می کند و استهزای آنها را با استهزای خداوند پاسخ می دهد.

إِنَّهُ کانَ فَرِیقٌ مِنْ عِبادی... فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِیًّا حَتّی أَنْسَوْکُمْ ذِکْری وَ کُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَکُونَ. (مؤمنون: ۱۱۰)

گروهی از بندگان من بودند که در دنیا اهل ایمان بودند... پس شما آنها (اهل ایمان) را به مسخره گرفتید تا جایی که یاد مرا فراموش کردید و شما پیوسته آن خداپرستان را به خنده می گرفتید.

آیه قبلی و این آیه درباره خندیدن و تمسخر مؤمنان است و قرآن با جدیّت تمام با این کار در دنیا و آخرت برخورد می کند. آیه پیشین، پاسخ استهزای آنها در دنیا و این آیه پاسخ تمسخر آنها در آخرت است.

وَ یَصْنَعُ الْفُلْکَ وَ کُلَّما مَرَّ عَلَیْهِ مَلأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنّا فَإِنّا نَسْخَرُ مِنْکُمْ. (هود: ۳۸)

و (نوح) مشغول ساختن کشتی بود و هر وقت که گروهی از قومش از کنارش عبور می کردند او را مسخره می کردند (نوح علیه السلام به آنان) گفت: اگر ما را مسخره کنید (که می کنید) حتماً ما هم شما را مسخره خواهیم کرد.

آیه پیشین، موضع گیری خداوند را در دنیا و آخرت در برابر تمسخر

ص:۵۴

مؤمنان بیان می کرد و این آیه و آیه بعدی نیز، موضع گیری خود مؤمنان را در دنیا و آخرت در برابر تمسخرهای کفّار مطرح می کند. بیان حضرت نوح علیه السلام در واقع به تمسخر دنیایی اشاره دارد؛ گرچه می تواند آخرت را نیز شامل شود. یعنی شما که الآن و در حال ساختن کشتی ما را مسخره می کنید، ما نیز پس از نجات از طوفان و غرق شدن شما به تمسخر کارها و اندیشه های شما خواهیم پرداخت.

إِنَّ الَّذینَ أَجْرَمُوا کانُوا مِنَ الَّذینَ آمَنُوا یَضْحَکُونَ... فَالْیَوْمَ الَّذینَ آمَنُوا مِنَ الْکُفّارِ یَضْحَکُونَ. (مطففین: ۲۹ و ۳۴)

(آری، در دنیا) کسانی که گناه می کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می گرفتند... ولی امروز، مؤمنان اند که بر کافران خنده می زنند.

این آیه نیز موضع مؤمنان را در برابر خنده و تمسخر مجرمان و کفار در روز قیامت بیان می کند. بدین ترتیب، کفار و مجرمان تنها در این دنیا به مؤمنان ریشخند می زنند، ولی خداوند و مؤمنان نیز در دنیا و هم در آخرت، کفر و اهل کفر را به ریشخند می گیرند. از این چهار آیه که درباره تمسخر اهل باطل و موضع گیری در قبال آنها بود می توان به نتایج زیر رسید.

۱. خنده بر افکار و اعمال اهل باطل جایز است.

۲. اگر آنها آشکارا به افکار و کردار ما خندیدند، ما نیز به صورت متقابل و آشکارا می توانیم همین کار را انجام دهیم.

دوم ـ خنده مثبت در قرآن

دوم ـ خنده مثبت در قرآن

قرآن در کنار انتقاد از تمسخر و خنده زشتِ مجرمان و منافقان و کافران، نمونه هایی از خنده مثبت را از انسان های شایسته نقل می کند.

فَضَحِکَتْ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ یَعْقُوبَ... . (هود: ۷۱)

و همسر ابراهیم علیه السلام ایستاده بود. پس خندید سپس او را به اسحاق و پس از آن به یعقوب بشارت دادیم.

این خنده از روی تعجب بود؛ چنان که آیه بعدی و پاسخ ملائکه به همسر ابراهیم علیه السلام از آن حکایت می کند. خنده از روی تعجب را چنانکه خواهیم دید روایات نیز تأیید می کنند.

فَتَبَسَّمَ ضاحِكًا مِنْ قَوْلِها وَ قالَ رَبِّ أَوْزِعْنی. (نمل: ۱۹)

سلیمان از گفتار او (مورچه) دهان به خنده گشود و گفت: پروردگارا در دلم افکن تا... سپاس گزارم.

خنده حضرت سلیمان علیه السلام نیز در واقع از روی تعجّب بود، که مورچه ای کوچک درباره او و همراهانش چگونه می اندیشد. از این دو آیه بر می آید که خنده از روی تعجب جایز است، ولی وصفِ این خنده و مقدار آن، از آیات به دست نمی آید و باید برای پی بردن به آداب خنده از روایات کمک بگیریم.

نتیجه

نتیجه

از مجموع بررسی آیات مربوط به طنز می توانیم نکاتی چند به دست آوریم:

۱. قرآن کریم، کتاب هدایت است و تک تک آیات قرآن در این امر مشترک اند که همگی برای هدایت انسان در وادی بینش ها و گرایش ها، نازل گردیده اند. ازاین رو آیات مربوط به طنز نیز در حالی که ممکن است هرکدام، اهداف خاصّی داشته باشند، همگی در این نقطه مشترک اند که برای هدایت انسان و هشدار و تذکّر او و تأثیرگذاری عملی در او و اتمام حجّت علمی نازل شده اند. بنابراین، اگر بخواهیم هدف طنز یا این گونه لطیف پردازی ها را

از قرآن بیابیم، آن هدف، هدایت است؛ زیرا قرآن «یَهْدی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) است.

۲. گرچه قرآن برای تمامی انسان ها نازل شده و مایه هدایت همه انسان ها است، ولی همگان نمی توانند از این هدایت درس بگیرند و تنها انسان های پرهیزکار و افرادی که تا حدودی فکر و عمل خود را با دین هماهنگ کرده اند، از هدایت اصلیِ قرآن بهره مند می شوند؛ چرا که قرآن هدایت گر پرهیزگاران(۱) است.

۳. موضوع طنز در آیاتِ فوق، کافران، مشرکان، بت ها، افکار باطل و اعمال زشت و... بود که قرآن کریم در کنار صدها آیه ای که به ابطال جدی آنها اقدام کرده، در چند آیه نیز به صورت طنز پیام خود را رسانده است. پس اگر طنز اصطلاحی را در آیات مورد نظر صحیح بدانیم:

ـ طنز برای افراد خاص اثر واقعی دارد (مخاطب خاص دارد)؛

ـ سوژه های طنز در قرآن همگی شایستگی نقد طنز گونه را دارند و اموری هستند که در زندگی بشر نقش مهمی دارند و انتقاد از آنها اهمیت به سزایی دارد؛

ـ هدف قرآن از این طنزها، هدایت است، نه نیش زدن یا خنداندن؛ گرچه ممکن است برخی با خواندن این آیات گزیده شوند، چون با سوژه طنز مناسبتی دارند و یا بخندند، چون در جبهه مقابل قرار دارند و اوج لطافتِ قرآن را در این طنزها احساس می کنند.

ص:۵۷

۱- بقره، ۲.

ب) طنز در روایات اسلامی

اشاره

ب) طنز در روایات اسلامی

زیر فصل ها

یک ــ روایات مربوط به خنده و تبسّم

دو ــ روایات مربوط به هزل

سه ــ روایات مربوط به لهو و لعب

چهار ــ روایات مربوط به مزاح و شوخی

پنج ــ حکایات مربوط به گفتار و رفتار طنزگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

یک ــ روایات مربوط به خنده و تبسّم

اشاره

یک ــ روایات مربوط به خنده و تبسّم

این گونه از روایات در نگاه اولیه به دو دسته تقسیم می شوند: شماری به مدح و ستایش خنده و شماری دیگر به نکوهش آن پرداخته اند. به صورت اجمال، گذری بر این روایات می کنیم و وجه جمع بین آنها را بیان می کنیم:

اول ــ روایاتِ مدح

اول ــ روایاتِ مدح

در چند روایت از خنده و تبسّم به نیکی یاد شده و به آن توصیه شده است:

۱. کَانَ عیسی یَبْکی وَ یَضْحَکُ وَ کَانَ یَحیی یَبْکی وَ لا یَضْحَکُ وَ کَانَ الَّذی یَفعلُ عیسی اَفضلُ؛(۱) عیسی علیه السلام هم اهل گریه بود و هم اهل خنده و یحیی علیه السلام می گریست ولی نمی خندید و آنچه که عیسی علیه السلام انجام می داد فضیلت بیشتری داشت.

به تعبیر امروزی می توان گفت که عیسی علیه السلام اجتماعی تر بود. ولی این خنده به چه صورتی باید باشد و بهترین نوع خنده چیست؟ روایات بسیاری وجود دارد که مقصود از خنده را تبسم معنا کرده اند.

«مَنْ تَبَسَّمَ وَجهَ اَخیهِ کَاَنتْ لَهُ حَسنهُ؛(۲) هرکس در روی برادرش تبسم کند برایش حسنه نوشته می شود».

در روایت دیگری آمده است:

«خَیرُالضُّحکِ اَلتَّبَسُّم؛(۳) بهترین نوع خنده تبسّم است». و درباره اوصاف مؤمن آمده

ص:۵۸

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۴۸۵، ح ۱۰۷۰۵.
۲- همان، ص ۴۸۱، ح ۱۰۶۸۲.
۳- مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۲، ص ۲۲۲، ح ۴۴۶۳.

است:

«ان ضَحِکَ فلا تَعلُو صوتَه سمعَه؛(1) اگر مؤمن بخندد صدایش را بالا نمی آورد».

بنابراین، مقصود از خنده ای که حضرت عیسی علیه السلام داشته است، نیز همان تبسّم و خنده بی صدا یا کم صدا است.

دوم _ روایات ذمّ

اشاره

دوم _ روایات ذمّ

در مقابل روایات مدح تبسّم و توصیه به آن، برخی روایات نیز خنده را یکی از عوارض منفی در وجود انسان برمی شمارد. این روایات خود در چهار دسته اند.

گفتن سخنان خنده دار

گفتن سخنان خنده دار

برخی روایات، استفاده از سخنان خنده دار برای گرم کردنِ مجلس و جذب مخاطب را تقبیح کرده اند. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید:

«اِیّاکَ أن تَذکُر مِن الکَلامِ ما کان مُضحِکاً و إنّ حَکیتَ ذلک عَن غَیرِک؛(2) مراقب باش که کلام خنده دار بر زبان نیاوری؛ هرچند آن را از دیگری نقل کنی».

این روایت معمولاً بر فکاهیّات و سخنان خنده داری که امروزه تحت عنوان طنز در رسانه های عمومی بیان می شود تطبیق می کند، ولی چون این گونه سخنان خنده آور، معمولاً دروغ هستند و واقعیّتی در خارج ندارند، در روایتی دیگر با شدت بیشتری با آن برخورد شده است:

وَیلٌ لِلَّذی یُحدِّث فَیَکذبُ لِیَضْحَکَ بِهِ الْقومُ، ویلٌ له، ویلٌ له، [ویلٌ له]؛(3)

1- میزان الحکم، ج 5، ص 480، ح 10676.

2- همان، ص 484، ح 10700.

3- همان، ح 10702.

وای بر کسی که سخن به دروغ می گوید تا مردم را بخنداند، وای بر او، وای بر او، وای بر او.

خنده بدون تعجب

خنده بدون تعجب

از جمله مواردی که در روایات نکوهش شده خنده بی دلیل یا بدون شگفتی است. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«کَفی بِالْمَرءِ جَهْلًا أنْ یَضحکَ مِنْ غَیرِ عَجبٍ؛برای جهالت انسان همین بس که بدون تعجب بخندد».

آنچه ازاین روایت و روایات مشابه آن بر می آید، این است که خنده اصولاً در یک زمینه روانی صورت می گیرد. اگر انسان نسبت به مسئله ای شگفت زده شود، حالت خنده به او دست می دهد. مانند این که یک کودک خردسال، همانند انسان های بزرگ رفتار کند، ولی خنده در مجالس بزم از این زمینه روانی حاصل نمی شود، بلکه مستی روانی فرد و مشغول شدن به لهو و لعب و هزلیّات، او را به خنده می کشاند.

بسیار خندیدن

بسیار خندیدن

اگر چنانچه خود خنده را بی عیب و نقص بدانیم، خندیدن بسیار و عمر خود را با خنده سپری کردن، توجیه شرعی و عقلی ندارد؛ چنانچه علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ کَثُرَ ضِحکُه ماتَ قلبُه؛(۱) هرکس خنده اش زیاد شود، قلبش می میرد».

همچنین می فرماید:

«مَن کَثُر ضِحکُه استَرذلَ؛(۲) هرکس که خنده اش زیاد شود، پست و رذل

۱- همان، ح ۴۴۷۳.

۲- همان، ح ۴۴۷۵.

می شود».

قهقهه زدن

قهقهه زدن

ویژگی دیگری از خنده که روایات آن را ناپسند می شمارند، قهقهه زدن و بلند کردن صداست. در روایتی در این باره آمده است:

«القَهقهةُ مِن الشَّیطان؛(۱) قهقهه از شیطان است».

و نیز برای جبران این کار شیطانی توصیه کرده اند که:

«اذا قَهقهتَ فَقُل حِینَ تَفرُغَ: اَللّهمّ لا تَمقُتْنی؛(۲) زمانی که قهقهه نمودی پس از آنکه خنده ات پایان گرفت بگو: خداوندا مرا دشمن خود مگردان».

چنانکه دیدیم، روایاتی که درباره مدح و ذمّ خنده گذشت، متضاد و متعارض نیستند، بلکه شارح هم بوده و مقید و مخصص اند. از بررسی مجموع این روایات نکات زیر درباره خنده به دست می آید:

۱. خنده فی نفسه خوب است و منعی ندارد.

۲. هر خنده ای باید علّت داشته و از روی تعجب باشد و بیهوده نباشد.

۳. بهترین نوع خنده، تبسّم است که دارای ویژگی های زیر است:

اول ــ قهقهه و بلند کردن صدا در آن وجود ندارد؛

دوم ــ طولانی و بیش از اندازه نیست و انسان را از وادی عقل دور نمی کند.

۴. سخنان راست و دروغ خنده آور (سخنانی که با این نیّت و هدف تنظیم می شوند) نامطلوب است.

۱- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۵، ص ۴۸۱، ح ۱۰۶۷۷.

۲- همان، ح ۱۰۶۷۸.

دو _ روایات مربوط به هزل

دو _ روایات مربوط به هزل

هزل به طور کلّی به گفتار و رفتار غیر جدّی اطلاق می شود. آنچه در روایات درباره هزل آمده است، همگی به مذمّت و تقبیح هزل می پردازند. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید:

«لا تَهزل فَتَحقُر؛(۱) به هزل مپرداز که تحقیر می شوی.»

و در جای دیگر می فرماید:

«اِحذَر الهزلَ وَ اللَّعَبَ وَ کثرةَ الضِّحکِ و...؛(۲) از هزل و لعب و بسیار خندیدن پرهیز کن.»

البته برخی روایات هزل را از ریشه و اساس تقبیح نمی کنند و فقط تناسب معقول بین جدّ و هزل را در زندگی مطرح می سازند. به این صورت که زندگی انسان باید به صورتی طراحی شود که جدّ او بیش از هزل او باشد و کثرتِ هزل او را به جهالت نکشاند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«غَلبهُ الهزلِ تَبطلُ عزیمه الجدّ؛(۳) غلبه هزل در گفتار و رفتار انسان عزم و اراده او را برای کارهای جدّی باطل می کند.»

و در جای دیگر می فرماید:

«مَن جَعلَ دیدنَه الهزلَ لم یَعرف جِدَّه؛(۴) کسی که روش غالب خود را در زندگی هزل قرار داده است، سخنان جدّی اش بر هزل های او غلبه نموده است.»

۱- همان، ج ۹، ص ۱۴۴، ح ۱۸۵۸۱.

۲- همان، ح ۱۸۵۸۲.

۳- همان، ح ۱۸۵۸۳.

۴- همان، ح ۱۸۵۸۷.

حال با این حساب وضعیّت برنامه های به اصطلاح طنز صدا و سیما که غالباً هزل هستند، چه خواهد شد و این برنامه ها چه نقشی در فرایند تکامل فردی و اجتماعی آحاد جامعه ایفا می کنند. با توجه به احادیث مربوط به هزل به نتایج زیردست می یابیم:

۱. اساس زندگی انسانی بر جدّیت بنا شده است و جدّی بودن در زندگی همواره باید به عنوان یک اصل کلّی مورد توجه قرار گیرد.

۲. اگر قرار شد در برخی مسائل غیر جدّی باشیم، این حالت نباید به اندازه ای ادامه یابد که هزل ما بر کارهای جدی مان غلبه کند.

۳. برنامه های طنز یا هر برنامه فکاهی و کمدی که باعث شود انسان جدّیت در امور زندگی و حیات را از دست دهد، نامطلوب است.

سه ـ روایات مربوط به لهو و لعب

سه ـ روایات مربوط به لهو و لعب

دسته سوم از روایاتی که ارتباط مستقیم با برنامه های طنزکنونی دارند، روایاتی است که به مسئله لهو و لعب یا به بازی گرفتن زندگی مربوط می شود. قرآن، آفرینش و زندگی انسانی را به صورت جدّی مطرح می کند و همواره انسان را از کودکانه دیدن زندگی و بازی دانستن آن برحذر می دارد. روایات نیز پیرو آیات قرآن، انسان را از لهو و لعب پرهیز می دهند. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«اُهجُر اللّهوَ فإنّك لّم تُخْلَقْ عَبثاً فَتَلْهُوَ...؛ لهو را کنار بگذار، زیرا که به یقین تو عبث و بیهوده آفریده نشده ای که به لهو و کارهای بیهوده بپردازی».

روایات، لهو را نیز همانند هم خانواده هایش از ثمرات جهل و غذای حماقت معرفی می کنند.

«اَللَّهوُ قُوتُ الحِماقه؛(۱) لهو غذای حماقت است».

«اَللّهوُ منْ ثِمارِ الجَهلِ؛(۲) لهو از نتایج جهالت انسان است».

انسان لهوگو نمی داند که کیست و به کجا می رود وگرنه هرگز زندگی را به بازی نمی گرفت. در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اَوَّلُ اَللَّهوُ لَعبٌ و آخِرُه حَربٌ؛(۳) آغاز لهو با شوخی و خنده است و پایان آن به دعوا می انجامد».

به ویژه آنچه که ناظر به یکی از ضعف های بزرگ طنزهای کنونی است، روایتی است که حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«مَجالِسُ اَللّهوِ تُفِسدُ الایمان؛(۴) مجالسی که برای لهو و لعب و خوش گذرانی شکل می گیرد، ایمان را زایل می کند».

در بیشتر برنامه های کنونی، چه طنز و چه غیر طنز، شب نشینی های افراطی و بدون توجه به دقت و ارزش آن و وظایف دیگری که فرد در فردای آن شب نسبت به خداوند و بندگان او دارد، صورت می گیرد. ازاین رو، به جای آنکه این برنامه ها را طنز بنامیم، بهتر است از عنوان «هزل» استفاده کنیم تا مخاطبان بدانند که در برابر چه برنامه ای نشسته اند. نمونه این شب نشینی ها و خوش گذارانی های شبانه را در سریال «زیر آسمان شهر» و به ویژه «پاورچین» و «نقطه چین» می توان مشاهده کرد. در طنز «نقطه چین»

۱- همان، ح ۱۰۵۳۸.

۲- همان، ۱۰۵۳۷.

۳- همان، ص ۴۶۱، ح ۱۰۵۵۴.

۴- همان، ح ۱۰۵۶۰.

شب نشینی یک مرد متأهل با چند نفر مجرد، چنان جذاب به نمایش گذاشته می شود که هر مردی دلش می خواهد شبی را مانند آنها بگذراند.

چهار ـ روایات مربوط به مزاح و شوخی

اشاره

چهار ـ روایات مربوط به مزاح و شوخی

چهارمین دسته از روایات مرتبط با طنز، درباره مزاح و شوخی است که از جمله عوامل جذّاب کننده طنزها به شمار می رود. البته روایات مزاح نیز همانند خنده دو دسته اند: دسته ای در مدح مزاح و شوخی است و دسته دیگر، در ذم آن. این دو گروه روایات معارض یکدیگر نیست، بلکه به گونه ای قابل جمع اند.

اول ـ روایات مدح مزاح

اول ـ روایات مدح مزاح

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ما مِنْ مُؤمنٍ اِلا وَ فیه دِعابَهٌ قیل لَه وَ مَا الـدِّعابَهَ؟ قال المِزاح؛(۱) هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دارای دعابه است. عرض کردند «دعابه» چیست؟ حضرت فرمود: همان مزاح و شوخی است».

نیز حضرت فرمودند:

«اِنّی لَأَمْزَحُ وَ لا اَقولُ اَلّا حَقّا؛(۲) من مزاح می کنم و در مزاح کردن خود غیر از حق چیزی نمی گویم.»

همچنین در جای دیگر فرمود:

«إنَّ اللّه یُحِبُّ الْمَداعِبَ فِی الْجَماعَهِ بلا رَفَثٍ؛(۳) خداوند کسی را که در جمع

۱- محمد محمدی ری شهری، ج ۹، ص ۱۴۰، ح ۱۸۵۵۶.

۲- همان، ح ۱۸۵۵۴.

۳- همان، ص ۱۴۲، ح ۱۸۵۶۳.

شوخی می کند (البته بدون گناه) دوست دارد.»

ازاین روایت بر می آید که اصل مزاح و شوخی منع شرعی ندارد و مزاح از دروغ و گناه پیراسته باشد، سبب جلب عنایت الهی نیز می شود.

دوم ـ روایات ذمّ مزاح

دوم ـ روایات ذمّ مزاح

حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«مَن مَزِحَ اُسْتُخُفَّ به؛(۱) هر که مزاح کند سبک شمرده می شود.»

و نیز می فرماید:

«ما مَزَحَ امرؤُ مَزحهً الاّ مَجَّ مِن عَقله مَجَّهً؛(۲) هیچ فردی شوخی نمی کند مگر اینکه مقداری از عقل او کاسته می شود.»

چنانچه می بینیم در نگاه اولیه، این روایات با روایات قبلی معارض به نظر می رسد، ولی باید توجه داشت که:

ـ روایات قبلی به اصل مزاح و مطلوب بودنِ آن اشاره داشتند و این روایات به آثار فردی و اجتماعی آن. ممکن است عملی مانند آب خوردن، در مجلسی خاصّ باعث سبک دیده شدنِ انسان شود. خنده نیز همین گونه است.

ـ روایات دیگری که کثرتِ مزاح را نکوهش می کنند، در واقع به این نکته اشاره دارند که مزاح نامطلوب نیست، بلکه مزاح بسیار، نامطلوب است. مانند این روایت که می فرماید:

۱- تصنیف غرر الحکم، ص ۲۲۲، ح ۴۴۷۰.

۲- همان، ح ۴۴۸۳.

«کَثرةُ المِزاحِ تَذهبُ بماء الوجه؛(۱) شوخی بسیار، آبرو را می برد.»

آنچه در طنزهای کنونی به چشم می خورد، کثرت مزاح و شوخی است، بلکه تمام طنز شوخی است. از مجموع روایات فوق و بررسی آنها در می یابیم که هر چند در آنها اشاره ای به طنز مصطلح نشده است، ولی هر دسته از روایات درباره یکی از ارکان طنز بوده اند و یا با طنزهای کنونی در بخش هایی ارتباط می یابند. بنابراین، می توانیم ازاین روایات در کشف حکم طنزهایی که ویژگی های خاص دارند و یا در ملازمات طنز، از آنها استفاده کنیم.

پنج _ حکایات مربوط به گفتار و رفتار طنزگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پنج _ حکایات مربوط به گفتار و رفتار طنزگونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در کتب معتبر حدیث، حکایت هایی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که از وجود مزاح و شوخی و گاه طنز در گفتار و رفتار آن حضرت خبر می دهد. با نقل برخی از این حکایت ها، به نوع و مقدار مزاح و طنز در زندگی آن حضرت پی می بریم.

۱. پیرزنی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: پیرزن ها وارد بهشت نمی شوند. زن، چون این سخن را شنید، شروع به گریستن کرد. حضرت فرمود: در روز قیامت، تو پیرزن نخواهی بود. آیا سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: ما آنها را آفرینشی نوین بخشیدیم و باکره قرار دادیم.(۲)

در این ماجرا، حضرت با نوعی ظریف پردازی و در اوج زیبایی، موضوعی

۱- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۹، ص ۱۴۴، ح ۱۸۵۹۲.
۲- همان، ج ۹، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

اعتقادی را به پیرزن می آموزد و در این راه از هر دو عنصر اندوه و شادی بهره می گیرد.

۲. حضرت علی علیه السلام فرمود:

اعرابی ای خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسید و هدیه ای به او می داد، سپس به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض می کرد: پول هدیه ما را بده و پیامبر صلی الله علیه و آلهمی خندید. هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غمگین می شدند، می فرمودند: اعرابی در چه حال است؟ ای کاش پیش ما بیاید(۱).

از این حدیث در می یابیم از جمله مسائلی که غم ها با آن برطرف می شود، ملاقات با افرادِ با نمک و لطیف پرداز است، ولی در کنار این مسئله، زیبایی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را با مردم و روش های تربیتی ایشان را نیز در نظر باید داشت؛ یعنی حضرت به قدری کریمانه و با محبّت بودند که مردم به راحتی می توانستند به ایشان هدیه بدهند و سپس پول هدیه را بخواهند.

۳. زنی به نام أمّ أیمن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسر من شما را می خواهد. حضرت فرمود: همسر تو کیست؟ آیا همان کسی است که در چشمانش سفیدی است؟ زن گفت: به خدا قسم، در چشمان او سفیدی نیست! حضرت فرمود: بله، در چشمان او سفیدی است. دوباره زن گفت: نه به خدا قسم! سپس پیامبر صلی الله علیه و آلهفرمود: هیچ کسی (در دنیا) نیست؛ مگر اینکه در چشمانش سفیدی است که دور حدقه چشم را گرفته است.

در این حدیث نیز، نوعی شوخ طبعیِ همراه با وقار در رفتار حضرت دیده می شود. این احادیث، و حدیث های دیگر در این زمینه را نمی توان با

۱- همان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

طنزهای مصطلح کنونی در صدا و سیما تطبیق داد؛ گرچه در برخی جهات مانند لطافت و مزاح داشتن با طنزها مشترک است، ولی ارکان دیگر طنز را دارا نیست.

ج) دیدگاه فقیهان درباره طنز

اشاره

ج) دیدگاه فقیهان درباره طنز

فقیهان و دین شناسان با توجه به اهمیتی که به دین و پاسداری از آن و نشر و ترویج آن می دهند، با مسائل نو با حساسیت بسیار برخورد می کنند. طنز نیز از موضوعاتی است که پس از تأکید رهبر معظم انقلاب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و نظریه هایی درباره حکم فقهی و شرعی طنز مطرح شده که لازم است در تکمیل مباحث مربوط به طنز دینی بررسی شوند. بحث فقهی طنز را در قالب چند مسئله مطرح و دیدگاه های مختلف درباره هر مسئله را می آوریم:

نظر شما درباره حلیّت یا حرمت اصل طنز چیست؟

اشاره

نظر شما درباره حلیّت یا حرمت اصل طنز چیست؟

ـ از تأکید مقام معظم رهبری بر برنامه های طنز در صدا و سیما فهمیده می شود که ایشان اصل طنز را می پذیرد، ولی آن را جدا از مطایبه و فکاهی رایج در صدا و سیما می داند.(۱)

ـ آیت اللّه مکارم شیرازی: امروز آنچه از طنز تبادر می شود، این است که یک سلسله مسائل هدفدار در لباس لطایف و آمیخته با نوعی شوخی بیان شود. اگر این طور باشد، سازنده و توأم با مسائل خلاف شرع نباشد، اشکالی

۱- «سنجش و پژوهش»، شماره های ۱۳ و ۱۴، ص ۱ مقدمه.

ندارد.(۱)

ـ آیت اللّه معرفت: طنز اگر با هدف مشروعی باشد و با یکی از عناوین محرمه ملحق نشود، ذاتاً مباح و قطعاً مشروع است.(۲)

با توجه به این دیدگاه ها و نظریه های دیگر می توان نتیجه گرفت که اصلِ طنز حلال بوده و مشکل شرعی ندارد و فقط برخی ویژگی ها یا شرایط خاص است که بر حکم آن تأثیر می گذارد. در این جا به چند پرسش فقهی درباره طنز و پاسخ آن از سوی علمای دین اشاره می کنیم:

س) طنزی که در آن هتک حرمت است و از ابزارهای منفی استفاده می شود چه حکمی دارد؟

س) طنزی که در آن هتک حرمت است و از ابزارهای منفی استفاده می شود چه حکمی دارد؟

ـ آیت اللّه مکارم شیرازی: گاهی در لغت، طنز را به گونه ای تفسیر می کنند که حتماً باید مطالب نیش دار و موذیانه باشد، در این صورت البته با ضوابط شرع سازگار نیست.(۳)

ـ علامه جعفری رحمه الله: اگر طنز به عنوان اهانت مطرح بشود و مورد هم شایسته اهانت نباشد، قطعاً حرام است؛ خواه فرد متوجه بشود یا اینکه آدم ساده ای باشد و متوجه نشود، ولی عرف آن را هتک حرمت بداند.(۴)

ـ آیت اللّه سیدکاظم حائری: اگر این اتفاق بیفتد (طنز موجب تحقیر یا هتک حرمت به صنفی یا اصنافی بشود) حکمش روشن است که حرام

۱- مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ص ۹۶.

۲- همان، ص ۱۲۶.

۳- همان، ص ۹۶.

۴- همان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

است.(۱)

_ آیت اللّه معرفت: یک وقت مرسوم بود که در صدا و سیما راجع به شـهرهای ایران و لهجه های مختلف طنزهایی می گفتند و هدف فقط این بود که مثلاً ایجاد حقارت در ذهن شـنوندگان بکنند، آن وقت این موجب می شود که اهل آن شهر یا منطقه رنجیده خاطر بشوند، لذا جلویش گرفته شد و این کار قطعاً جایز نیست.(۲)

س) اگر طنز در پاره ای مسائل کلی اجتماعی باشـد و شـخص مـدّ نظر نباشد و یا عرفاً هتک حرمت و ایذا به حساب نیاید، چه حکمی خواهد داشت؟

س) اگر طنز در پاره ای مسائل کلی اجتماعی باشـد و شـخص مـدّ نظر نباشد و یا عرفاً هتک حرمت و ایذا به حساب نیاید، چه حکمی خواهد داشت؟

_ آیت اللّه مکارم شـیرازی: در صورتی که طنز، در پاره ای از مسائل کلی اجتماعی باشد و اگر نقدی می شود و نیشی هم در آن هست، متوجه شـخص خاصّی نباشـد، اشـکالی نـدارد. [همچنین] اگر واقعاً موضوع عوض شده باشد و اهانت تلقی نشود... چنان طنزی اشکال ندارد.(۳)

_ علامه جعفری رحمه الله: اگر اهانت نباشـد و اصـلاً عرف از آن اهانت احساس نکند با مراعات عدم لهو و لعب باز اشـکالی نـدارد. یـا اینکه جمعی هسـتند بـا هم قرار گذاشـته انـد که با یکـدیگر بگو و بخنـد داشـته باشـند و از آن نرنجنـد و از مفاهیم کلمات، مراد جدّی نگیرند؛ این هم بعید است حرام باشد.(۴)

۱- همان، ص ۱۲۲.

۲- همان، ص ۱۳۰.

۳- همان، صص ۹۶ _ ۹۸.

۴- همان، ص ۱۰۵.

با توجه به آنچه گذشت می توان گفت:

۱. اصل اولی در طنز حلیّت بوده و جایز می باشد.

۲. اگر در طنزی هتک حرمت باشد و از ابزار منفی (تهمت، غیبت، دروغ، استهزا، و...) استفاده شود، قطعاً حرام است.

۳. اگر عرف طنزی را هتک حرمت نداند یا طنز، شخص خاصی را مدّ نظر نگیرد، بلکه عمومی و اجتماعی باشد، اشکالی ندارد.

البته هر سه حکم فوق ناظر به بعد فردی قضیّه است و ارتباط کامل با طنز مطرح در صدا و سیما ندارند؛ زیرا طنز در صدا و سیما به عنوان یک بخش هنری قلمداد می شود که افرادِ طنزپرور با یکدیگر در همه موارد توافق دارند و قصد آنها تنها اجرای فیلمنامه است و از طرف دیگر، مردم نیز به این برنامه ها به عنوان یک امر جدّی نگاه نمی کنند؛ گویا توافقی بین مردم و صدا و سیما در این باره صورت گرفته است که بدانند هرچه در طنزها اتفاق می افتد، حالت حقیقی ندارد. ازاین رو، نگاهی دیگر و از شکل و زاویه ای کلّی تر به طنز در شکل سازمانی و حکومتی آن سودمند خواهد بود.

د) جایگاه طنز در حکومت اسلامی

د) جایگاه طنز در حکومت اسلامی

اگر فقه را در قالب یک حکومت تصور کنیم و به فکر اجرای شئونات مختلف آن باشیم، فقه حکومتی خواهیم داشت. حکومت اسلامی همچون دیگر حکومت ها، ابعاد گوناگونی دارد و مسائل سیاسی، اقتصادی، حقوقی، قضایی، تبلیغی، فرهنگی، هنری، تربیتی، آموزشی، عبادی و خانوادگی و... را شامل می شود. برنامه حکومت اسلامی را در تمامی مسائل فوق، فقه معین می کند. حتی تعیین وظیفه افراد در جامعه دینی بر عهده فقه است. طنز در

شکـل حکومـتی، غیر از شـکل فردی آن است. توضـیح آنکه، حکم دوگونه است: فردی و حکومـتی. در حکم فردی توجه به تکلیف و در حکم حکومتی بیشتر توجه به مصلحت است. از سویی دیگر، در حکومت، طنز تبدیل به نهادی اجتماعی می شود که تأثیرگـذاری های فراوانی بر جامعه می گذارد و ویژگی هایی که در طنز فردی است کمتر در آن به چشم می خورد. ازاین رو ممکن است حکم چنین طنزی بـا تـوجه به شـرایطی که در آن قرار دارد فرق کنـد. در کشف حکم شـرعی طنز در صـدا و سیما بایـد از هر دو نوع اجتهاد بهره بگیریم. مطابق اصل مصـلحت، حکومت اسـلامی نیز ماننـد دیگر حکومت ها نیاز به برنامه طنز دارد؛ زیرا:

ـ جامعه کنونی، جامعه ای خسـته از کار و تلاش روزمره است و نیاز به تسـکین دهنده های مختلف دارد. از جمله این مسـکّن هـا برنـامه های طنز است که برای ساعتی فرد را از حالت خسـتگی جسـمی و روحی خارج ساخته و شاداب می سازد. دین می خواهد مؤمن را چنان پرورش دهد که در حالت سختی نیز غمگین نباشد، بلکه شاداب و راضی به رضای خدا باشد.

صدا و سیما امروزه، مهم ترین و گسترده ترین وسیله ارتباطی با مردم است؛ به گونه ای که هر فرد ایرانی روزانه چند ساعت از وقت خود را با آن می گذراند. این وسـیله در عین حال که باید برنامه های جدّی داشـته باشد، باید برنامه هایی نیز داشته باشد که فرد را هرچنـد به انـدازه کم از این جریان روزمرگی خارج سازد؛ بنابراین، گرچه خنـده و تفریح، هدف اصـلی طنز نیست، ولی می تواند هدف فرعی آن قرار بگیرد.

از سوی دیگر، حکومت اسلامی نیز مانند دیگر حکومت ها نیاز به تبلیغ

ص:۷۳

اندیشه ها و آرمان های خود و به باورنشاندن آنها در نهاد مردم دارد و در این راه، یکی از ابزارهای سودمند، همان طنز است.

ما موظفیم در تبلیغات دینی از تمام ابزارهای پیشرفته زمان و مکان استفاده کنیم. بنابراین، از طنز که در دنیای امروز و ادبیات امروز و در تبلیغات سمعی و بصری جایگاه خیلی مهم برای خود باز کرده است نباید غافل شویم.(۱)

ـ یکی از راه های مبارزه با دشمنان حکومت و ایادی کفر، این است که با هنر طنز، افکار و اعمال آنها را به نقد گذاشته و به محاسبه بگیریم. همانگونه که آنها در حرکت های ضد اسلامی و ایرانی خود دست به هرگونه حربه ای می زنند، ما نیز می توانیم از برنامه های طنز استفاده کنیم.

ـ عصر امروز، عصر ارتباطات است. موج عظیم ارتباطات که سومین موج(۲) پس از موج کشاورزی و صنعتی است، می رود که تمامی دنیا را با وسایل ارتباطات جمعی به همدیگر وصل کند. ماهواره ها و اینترنت، شبکه های عظیم خبری و اطلاعاتی و... همگی در پس تحقق این هدف هستند. حال در این صحنه آشفته جهانی که حکومت اسلامی هم در داخل امواج آن قرار دارد و جوان مسلمان با صدها برنامه ماهواره ای و اینترنتی روبه رو است، آیا می توانیم فقط با برنامه های جدی و خشک، مخاطبانی سراپاگوش داشته باشیم. روشن است که این امر امکان پذیر نیست.

نکته دوم این است که حال که نهاد و مجموعه ای به نام طنز در حکومت اسلامی ضروری است، این بحث در کدام بخش از بحث های فقه داخل

۱- همان، ص ۱۰۰.

۲- الوین تافلر، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر علم، چ ۱۳، ۱۳۷۸، صص ۵ ـ ۹.

می شود، تا بتوانیم احکام و شرایط طنز را استنباط کنیم؟

هر یک از مباحث فقهی در کشف بخشی از برنامه حکومت اسلامی ما را یاری می رسانند. بخش سیاسی حکومت اسلامی را مباحثی مانند جهاد، ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر و... و بخش اقتصادی آن را ابوابی چون: مکاسب محرمه، بیع و... و بخش حقوقی آن را باب های قضا و حدود و قصاص و دیات و میراث و... تشکیل می دهند. به همین ترتیب، بخش های دیگر حکومت اسلامی هر کدام از چندین باب فقهی کمک می گیرند تا برنامه حکومتی را تنظیم سازند.

در این میان، بخشی از مسائل حکومتی نیز مربوط به تبلیغات حکومت اسلامی و تعلیم و تربیت و همچنین امور فرهنگی و هنری است. این سه بخش از ارکان مهم حکومت اسلامی هستند که وظیفه آموزش و تربیت جامعه در زمینه علم و صنعت و هنر و متکامل ساختن جامعه اسلامی در زمینه های علمی و معنوی و فرهنگی را بر دوش گرفته اند.

طنز، با توجه به اینکه ابزاری مهم برای تبلیغات است و نقش والایی در آموزش و تربیت جامعه دارد و از جمله هنرهای جوان و سرزنده است، می تواند در هر یک از این سه بخش بررسی شود؛ اگر مقوله طنز را در راستای وسایل ارتباط جمعی در نظر بگیریم، این موضوع نیز می تواند جزء مسائل و ابزارهای تبلیغاتی در حکومت اسلامی بررسی و نقد شود.

ه) کاستی های طنز در راستای اسلامی شدن در صدا و سیما

اشاره

ه) کاستی های طنز در راستای اسلامی شدن در صدا و سیما

به رغم پیشرفت هایی که طنز پس از انقلاب داشته و گام هایی که در جهت اسلامی شدن آن برداشته شده است، هنوز مشکلاتی اساسی در این راه

ص:۷۵

به چشم می خورد که بدون رفع و تکمیل و تصحیح آن، طنز به معنای دینی و اسلامی را به صورت کامل نخواهیم داشت. این کاستی ها غیر از کاستی های فنی و هنری طنز است و از زاویه دین محوری، آسیب های طنز موجود را بررسی می کند. مجموع این آسیب ها را می توان در شش بخش دسته بندی کرد:

یک _ اهداف صحیح و والا برای طنز پس از انقلاب

یک _ اهداف صحیح و والا برای طنز پس از انقلاب

از جمله آسیب های جدی در زمینه طنز این است که به رغم اهداف والایی که سازمان صدا و سیما نسبت به مخاطبان خود ترسیم کرده بود، برنامه های طنز و کمدی گونه بیشتر وسیله سرگرمی و وقت گذرانی مخاطب گردید و عملاً اهداف والای طنز با اهداف هزل و کمدی که به فکر وقت گذرانی صرف اند، درهم آمیخت. بنابراین در وهله نخست، باید اهداف طنز از اهداف مقوله ای دیگر مانند هزل و لطیفه و فکاهی و کمدی باز شناخته شود و اهداف حقیقی طنز به صورت کامل تبیین گردد تا طنزپردازان و تولیدکنندگان برنامه های طنز، همواره در تهیه این گونه برنامه ها اهداف اصلی آن را لحاظ نمایند و تنها در پی جذب تماشاگر و اهداف هزل و کمدی در برنامه طنز نباشند.

دو _ موضوع های به روز و متناسب با شرایط عادی

دو _ موضوع های به روز و متناسب با شرایط عادی

از جمله مشکلات طنزهای کنونی این است که سوژه های مناسب با وضعیت جامعه و آسیب های آن کمتر به چشم می خورد. بیشتر کارها تکراری است و حول موضوع هایی که چندان اهمیتی ندارند، قرار دارد. اگر هدف فقط بزرگ نمایی عیب های جامعه باشد، این کار از عهده یک برنامه کمدی

نیز بر می آیـد و لازم نیست ریزه کاری های طنز و الگوهای تربیتی آن مورد توجه باشـد. ازاین رو، بایـد محـدوده سوژه ها در طنز روشن شـود و طنزپرداز در گزینش موضـوع طنز هماننـد اجرای آن، ریزبین و حسـاس باشـد و در این راه از دیـدگاه هـای کارشناسان هنری و جامعه شناسان و روان شناسان و کارشناسان دینی بهره ببرد.

سه ـ محتوای طنز پس از انقلاب

سه ـ محتوای طنز پس از انقلاب

روح و پیامی که طنز پس از انقلاب بر می تابد، یقیناً نسبت به گذشته تفاوت های اساسی دارد، ولی آیا محتوایی که در برنامه هـای کنـونی ارائه می شـود مورد پسـند اسـلام است؟ آنچه مسـلم است این است که طنزپردازان فعلی، کارشـناس اسـلامی در مسائل هنری نیسـتند و همواره این احتمال وجود دارد که پیامی ضد اسـلامی یا غیر اسـلامی تحت عنوان برنامه طنز به مخاطب ارائه شود. ضـروری است که محتوای طنز و اصول اساسـی آن در محدوده هایی شرعی لحاظ شود تا برنامه سازان با استفاده از آن محتوا و پیام طنز خویش را برگزینند.

چهار ـ ابزارهای صحیح و روش های متناسب

چهار ـ ابزارهای صحیح و روش های متناسب

ابزارهای مورد اسـتفاده در طنز بایـد از صافی دین و شـرع و اخلاق عبور کنـد و هر ابزاری برای طنز مورد اسـتفاده قرار نگیرد. آنچه امروزه مشاهـده می شود اسـتفاده از تمامی ابزارهای هجو و هزل است که از لحاظ شـرعی هیچ توجیهی ندارند. بنابراین، از جمله کارهایی که باید درباره طنز صورت گیرد این است که ابزارهای اصـلی برنامه های طنز روشن شود تا نویسندگان طنز و بازیگران در کارهای خود از آنها بهره گیرند و در دامن نیش های هجوآمیز و

لودگی های هزل گونه نیفتند.

پنج ــ طنزپرداز

پنج ــ طنزپرداز

از جمله معضلات طنزکنونی این است که تعریفی صحیح از طنزپرداز صورت نگرفته است. بنابراین، باید برای هنرمند طنزپرداز قالبی مشخص شود تا وظایف و شخصیت حقیقی و حقوقی خود را باز شناسد.

شش ــ برنامه ریزی و سازماندهی

شش ــ برنامه ریزی و سازماندهی

از جمله مشکلات و آسیب های جدّی در برنامه های طنز صدا و سیما، سازمانی نبودن این برنامه ها و عدم کنترل و هدایت آنها از مرکزی معتبر و قوی است. همین امر باعث بروز اشکال در برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی طنزهای صدا و سیما می شود؛ بنابراین باید در بخش مستقل به برنامه سازی طنز در صدا و سیما توجه نمود و پیشنهادهای لازم برای بهبود وضع موجود را به برنامه سازان ارایه داد؛ زیرا اسلام دین برنامه است و قرآن مبنای برنامه ریزی اسلامی است.

ص:۷۸

بخش سوم: اهداف طنز

اشاره

بخش سوم: اهداف طنز

گاه هدفی که طنزپرداز از طنز در نظر دارد، غیر از هدف اصلی طنز است و ازاین رو، هدفی که مخاطب از طنز دنبال می کند، ممکن است با هدف سازنده طنز یکی نباشد و یا همه اهداف مورد نظر مخاطب تأمین نکند. بنابر این، توجه به اهداف طنز در سه زاویه زیر حائز اهمیت است:

۱. هدف طنز پرداز (از پردازش خود)؛

۲. هدف طنز (از ساختار و محتوایش)؛

۳. هدف مخاطب (از نگاه خود).

ممکن است طنز پرداز هدف هایی را در نظر نداشته باشد یا متوجه نشود، ولی ره آورد کارش، این اهداف را به صورت آشکار یا پنهان پی بگیرد. همچنین ممکن است مخاطب در پی هدفی باشد که فقط طنزپرداز یا خود طنز یا هر دو در پی آن بوده و یا هیچ کدام نباشد. بنابر این، تعیین هدف مراتب مختلفی دارد و نمی توان برای طنزهایی که در صدا و سیما ارائه می شود، هدف یگانه ای یافت.

درباره نکته اول باید گفت که اهداف طنزپرداز از فکر و اندیشه خود او سرچشمه گرفته و طنز، حکایت کننده دریافت های باطنی او از اوضاع جامعه و انسان ها است؛ پس ممکن است طنزپرداز در تعیین هدف سلیقه ای عمل

کند یا قدرت تشخیص هدف مثبت را از هدف منفی نداشته باشد؛ مخاطب نیز ممکن است در هدف خود از شنیدن یا دیدن طنز دچار اشتباه شود. چون این مسئله که مخاطب با چه هدفی پای تلویزیون می نشیند و پلان ها و سکانس های طنز را یک به یک (آگاهانه یا از خود بیگانه) دنبال می کند و به چه میزان به هدف مورد نظر طنزپرداز نزدیک می شود، امری احتمالی است و این احتمال در جهت اشتباه نیز صحیح است.

برای اینکه این تفاوت نگرش ها در تعیین هدف، اصلاح شود و مخاطب، تصویری روشن از اهداف طنز داشته باشد و به ویژه طنزپردازان در اهداف طنز از وادی دین و عقلانیت فاصله نگیرند، باید ملاک و معیاری درباره اهداف، با استفاده از منابع دینی ارائه دهیم.

برای به دست آوردن اهداف صحیح طنز، طنزپرداز و مخاطب باید چند نکته را در نظر داشت:

ـ اسلام برای زندگی انسان و خلقت او، چه هدفی مطرح کرده است؟

ـ اسلام برای طنز که بخشی از زندگی طنزپرداز و مخاطب است، چه هدف یا اهدافی مشخص می کند و از چه اهدافی باز می دارد؟

از منظر دین، انسان آغاز و انجامی دارد و زندگی او هدف دار است و پوچ نیست. مرگ پلی به جهان بالاتر و ابدیّت است و دنیای کنونی، محلّی برای آزمایش و ابتلای انسان و تکامل اوست. این فرصت شصت یا هفتاد ساله در دنیا در مقایسه با ابدیّت هیچ نیست و انسان باید در این فرصت کوتاه برای خود توشه ای برای یک سفر به بی نهایت بیندوزد. بهترین اندوخته و توشه برای این سیر، همانا معرفت و عبادت است. قرآن هدف زندگی انسان در دنیا

را چنین ترسیم می کند.

وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات: ۵۶)

جن و انس را نیافریدم مگر برای عبادتم.

در جایی دیگر می فرماید:

اللّهُ الَّذی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ... لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَ أَنَّ اللّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا. (طلاق: ۱۲)

خداوند مجموعه آسمان و زمین و دستوری را که به وسیله فرشتگان در مجاری آسمان و زمین عبور می کند...، خلق کرده تا شما به علم و قدرت خدا عالم شوید.

یکی از اجزای مجموعه نظام آفرینش، خود انسان است که هدفی دارد و آن هدف، آگاهی او به قدرت و علم خداست.(۱) پس تمامی حرکات و سکناتِ زندگی انسان، باید با این هدف های متعالی هماهنگ باشد. از نظر اسلام، هدفی که طنزپرداز و مخاطب باید داشته باشند، باید در طول این اهداف عالی باشد و اگر در جهت خلاف آنها صورت بگیرد، از هدف دینی بودن خارج است. این مسئله، یک اصل کلی برای تعیین هدف در طنز است که باید جزئی تر شود تا حد و مرز اهداف طنز روشن تر شود. بنابراین برای دقیق تر شدن این بحث، اهداف را در سه بخش بررسی می کنیم:

۱. اهداف فرعی یا میانی؛

۲. اهداف اصلی و نهایی؛

۱- آیت اللّه جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادی اخلاق در قرآن، قم، نشر اسراء، چ اول، ۱۳۷۷، ج ۱۰، صص ۶۵ و ۶۶.

۳. اهداف منفی.

هر یک از این هدف ها نیز ممکن است به صورت بلند مدّت یا کوتاه مدت مطرح شوند. همچنین هرکدام از این اهداف ممکن است آشکارا پیش چشم طنزپرداز یا مخاطب باشند یا در زوایای فکری آنها و یا در زوایای عمل آنها پنهان باشند. همچنین هر سه نوعِ هدف می توانند در وادی مسائل تربیتی وارد شده و اهدافِ تربیتی مثبت و منفی داشته باشند؛ بنابراین، با نمودار زیر می توان انواع هدف و ارتباط آنها را با یکدیگر در طنز مشاهده کرد:

آموزشی

نگرشی

رفتاری

آموزشی

نگرشی

رفتاری

آموزشی

نگرشی

رفتاری

آموزشی

نگرشی

رفتاری

آموزشی

نگرشی

رفتاری

آموزشی

نگرشی

رفتاری

هدف طنزپرداز

هدف طنز

هدف مخاطب

اهداف مشکوک

اهداف مثبت

اهداف منفی

آشکار

پنهان

آشکار

ص:۸۲

پنهان

آشکار

پنهان

بلندمدت

کوتاه مدت

بلندمدت

کوتاه مدت

بلندمدت

کوتاه مدت

نمودار (۱ ـ ۳) انواع اهداف در طنز و ارتباط آنها با یکدیگر

ص:۸۳

۱. اهداف فرعی و میانی

اشاره

۱. اهداف فرعی و میانی

مقصود از اهـداف فرعی هـدف هایی است که چه بسا طنزپرداز یا مخاطب آن را مورد توجه قرار می دهنـد، ولی در اینکه این اهداف واقعاً هدفی صـحیح و کامل برای طنز باشد، شک دارند و در جست و جوی پاسـخی کامل و گویا و قانع کننده هسـتند تا تکلیف واقعی خود را درباره این اهـداف بدانند. از جمله این اهداف برای طنزپرداز، جذابیّت و انتقاد و برای مخاطب، خنده و تفریـح و سـر گرمی است که البته گـاه خود خنـده هـدف طنزپرداز است. حال هر دو مورد را به صورتی دقیق تر بررسـی می کنیم:

الف) خنده و تفریح

الف) خنده و تفریح

ممکن است برخی هـدف طنز را خندانـدن مخـاطب و گذرانـدن اوقات فراغت(۱) بداننـد؛ یعنی بـازیگر تنها برای خندانـدن و مخاطب تنها برای خندیدن و وقت گذرانی، طنز را ابزار رسیدن به هدفِ خود قرار دهند. آنچه روشن است این است که چنین هـدفی بـا هـدف زنـدگی مورد نظر اسـلام، به طور کامل هماهنگ نیست؛ گرچه نمی توان گفت که در تعارض حقیقی با آن قرار

ص:۸۴

۱- «اوقـات فراغت (Leisure Time) لفظی است که پس از غلبه تمـدن تکنولوژیک در زنـدگی بشـر معنا و مصـداق یافته است. «فراغت» کلمه ای نیست که پس از ظهور تمـدن ماشـینی ابداع شده باشد، اما معنایی که در این روزگار یافته کاملاً تازه است. برای غـالب انسـان هـا در تمـدن امروز «زنـدگی» تازه از هنگامی آغاز می شود که «کار روزانه» پایان می گیرد. از یک سو، «جدول زمانی واحد و همگون برای کار در همه مشاغل، اوقات فراغت را به ساعات خاصـی از شـبانه روز محدود کرده و از سوی دیگر تلقی انسان امروز از کار باعث شـده تا معنای جدیدی برای «فراغت» پیدا کند. سـید مرتضـی آوینی، آینه جادو، تهران، نشر ساقی، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ج ۳، صص ۷۶ _ ۸۱.

دارد. اصل خنده، چنان که در بخش های پیش مطرح شد، اگر با آداب و شرایطش باشد، مثبت و مفید است، ولی هدف قرار گرفتن خنده برای یک برنامه ملی و نشستن چند میلیون بیننده در پای تلویزیون یا رادیو برای خندیدن و وقت تلف کردن و به اصطلاح گذران اوقات فراغت با خنده، مدّ نظر اسلام نیست. اگر خنده اصل قرار بگیرد و طنز تنها وسیله ای برای خنداندن باشد، باید آن را هزل، فکاهی، کمدی، دلقک بازی و... نامید.

پس طنزپرداز و یا مخاطب نمی توانند از طنز، تنها انتظار خندانیدن داشته باشند، چنانکه غربی ها نیز عقیده دارند طنزپرداز هرچند ممکن است از استعدادش لذّت ببرد و امیدوار باشد که ما هم از آن لذّت ببریم، ولی معمولاً ـ قصد جدی تری را تصریح می کند.(۱)

شهید آوینی رحمه الله درباره اینکه خنده نمی تواند هدف قرار گیرد، چنین می نویسد:

آیا می توان خندیدن را به عنوان یک هدف اختیار کرد؟ گاهی شنیده می شود که خنده را به مثابه یک مکانیسم دفاعی در برابر مشکلات اعتبار می کنند و فی المثل پیشنهاد می دهند که برای تخفیف دشواری های ناشی از تضییقات اقتصادی، رسانه های گروهی باید خنداندن را به مثابه یکی از اهداف اصلی کار خویش اختیار کنند. این سخن که ریشه در یک برداشت عامیانه از روان شناسی جدید دارد، بر جهل گوینده نسبت به غایات کمالی وجود انسان استوار است. خنده مکانیسم دفاعیِ انسان هایی است که ضعف نفس، آنان را از مواجهه با چهره جدّی حیات عاجز ساخته است. اگر «فرار» را بتوان به مثابه

۱- آرتور پلارد، همان، ص ۵.

یـک مکـانیسم دفـاعی پـذیرفت، خنـده را هم می توان... . اتّخاذ خنـده به مثابه یک هـدف مجاز نیست، چنان که انسان اجازه نـدارد لـذت بردن را به مثابه غایتی برای حیات خویش اختیار کنـد. شـکی نیست که سـینما [و تلویزیون و به ویژه طنز] از توان بسیاری برای ایجاد تفنن و تلذذ برخوردار است و اگر نبود این حقیقت که «خُلِقْتُمْ لِلْبقاء لا لِلْفناءِ؛ شما را برای بقا آفریده اند نه فنا»، انسان نیز می توانست خود را تسلیم لذات کند و کسی هم داعیه ای جز این نداشت.(۱)

طنز که خود را یک سر و گردن بالاتر از هم خانواده های خنده زاد می داند، نمی تواند مانند آنها فقط برای خنده تلاش کند. در طنز، خنـده، تنها پله ای برای صـعود و پلی برای گذر به هدف اصـلی است و چنانکه گفتیم طنز لزوماً با خنده همراه نیست؛ بلکه خنـده، تعجب، ایجاد سؤال، انتقاد، تخیّل و... همگی در طنز حضور دارند و شوخی و جدّی در کنار هم جالب تر است تا فقط خنـده خشک و خالی. اگر ما برای گذران اوقات افراد جامعه، خنده را تجویز کنیم و آن را هدف اصـلی بخشـی از برنامه های صـدا و سـیما قرار دهیم، روز به روز بایـد افزون بر افزایش مقـدار و زمان برنامه های خنـده دار، بر عناصـر خنده آور آنها بیفزاییم و به تدریج نه تنها تمامی بخش های سازمان، بلکه تمامی جامعه، خنده و امور لهو را نسـخه اصـلی گذران اوقات خود به شـمار می آورند. طرح خنده به عنوان یک هدف درازمدّت، آثار تربیتی منفی مختلفی برجای می گذارد، نه خنده به عنوان یک هدف میانی و فرعی. برخی برنامه های طنز صدا و سیما همین هدف را به جد دنبال می کنند؛ گرچه در

۱- سید مرتضی آوینی، همان، ج ۳، صص ۱۶ ــ ۱۸.

مجله ها و نشریه های مربوط به نقد و معرّفی برنامه های طنز سازمان، اهداف دیگری برای این طنزها عنوان می شود. برای نمونه، هدفی که برای سریال «بدون شرح» عنوان می شد، انتقاد از عملکرد نشریه های زرد (بی محتوا) بود، ولی آنچه عملاً از سریال بر جای ماند، تکیه کلام ها، اداها و شکلک هایی بود که آقای کاووسی و همکارانش در طول برنامه ها استفاده می کردند و نتیجه این شد که هدف این طنز به خنده و سرگرمی ختم شد.

حاصل سخن آنکه کسی با ایجاد تفنن و سرگرمی برای مردم، به طور محدود و حتی المقدور با غایات کمال طلبانه، مخالفتی ندارد، ولی جذب انسان به سوی اهدافی که با حیات طیبه انسانی مخالفت دارد، ظلمی غیر قابل بخشش است(۱) که متأسفانه طنزهای کنونی به این سمت پیش می روند و اگر این مسابقه جذب تماشاگر سرعت گیرد، همه اهداف عالی و ارزش ها فدای تکنیک جذب تماشاگر خواهد شد.

ب) جذابیّت

ب) جذابیّت

تماشاگر تلویزیون در خانه خویش دل مشغولی هایی دارد که او را باز می دارد از اینکه با تمام حواسّ ظاهری و باطنی خود در پای تلویزیون حاضر باشد؛ این است که جذب او پای فیلم بسیار مشکل تر [از سینما] است. امّا به هر تقدیر، جذب تماشاگر لمّی دارد که خیلی از فیلم سازها می دانند. همه آنها که فیلم پرفروش می سازند، این لم را بلدند، امّا چه جواب خواهید داد اگر از شما بپرسند: «آیا فیلم خوب یعنی فیلم پرفروش؟» بی تردید می گویند خیر و از این جواب روشن است که فیلم و سینما عین جذابیت نیست؛ جذابیّت

۱- همان، ص ۱۵.

«شرط لازم» است، امّا «کافی» نیست.(۱)

بنیان جذابیت در طنز بر ایجاد اعجاب و تفنّن و تلذّذ است و نمی تواند جدا از این مسئله در نظر گرفته شود. جذابیت یک طنز نمی توانـد بر عواطف انسانی متّکی نباشد؛ نمی تواند بر آمال و آرزوهای بشـری و میل او برای فرار از واقعیّت اتکا نکند؛ نمی توانـد به نیازهـای کودکـانه بزرگسالان، بی اعتنایی کنـد؛ نمی توانـد در کیفیت تأثیر خویش هیجان ها و واکنش های عصبی انسـان را به شـمار نیاورد؛ نمی توانـد به عشق های مجازی نپردازد؛ نمی توانـد زیبایی های ظاهری را فراموش کنـد؛ نمی تواند روابط ساده اجتماعی را دور بریزد و... اما در تمامی این موارد هرگز نباید از این اصول فارغ شود:

ـ اصالت دادن به ضـعف های بشری مجاز نیست. ضعف ها و کاستی های مختلف بشر امروز را، همواره به عنوان یک اصل و واقعیت همه گیر و غیر قابل اصلاح مطرح کردن، طنز نیست؛ بلکه ترویج ناخودآگاه ضعف هاست. بلکه این ضعف ها باید در حاشیه باشد و اصل نقاط مثبت و توانایی ها و محاسن باشد و به آنها تشویق شود.

ـ آزادی انسان و عقل و اختیار او نباید محکوم جاذبیت های تکنیکی شود.

ـ جـذابیّت نبایـد هدف اصـلی قرار گیرد؛ گرچه می تواند وسـیله ای برای رسـیدن و رساندن به هدف متعالی باشد و به عنوان هدف میانی و فرعی مطرح شود.

ـ اعتنا به نیازهای فطری، غریزی و طبیعی انسان برای ایجاد جاذبه، نباید

۱- همان، ص ۳.

از سلوک او به سوی کمال وجودی خویش جلوگیری کند.(۱) اگر جذابیت اصالت یابد و هیچ حدی نیز وسیله را محدود نکند، همان اتفاقی می افتد که اکنون در سینمای غرب افتاده است: فیلمساز کمند خویش را به غرایز شهوی و غضبی تماشاگر و هزار ضعف دیگر در وجود او بند می کند تا سدّ دفاع روانی او را خرد کند و وجودش را تسخیر کند.(۲) آیا آنچه در «پاورچین» دیدیم و اظهار نظرهای منتقدان، به نقطه ای غیراز جذب تماشاگر و نشاندن او در پای تلویزیون و تسخیر وجودی او می انجامید؟ در «نود شب» و «نقطه چین» و تمامی طنزهای رکورد دار در امر تماشاگر چطور؟ یعنی نقطه پایانی و غرض و هدف نهایی که همه طنزهای به اصطلاح موفق صدا و سیما دنبال کرده اند و به آن نایل شده اند، فقط جذابیّت بوده است. صد البته که جذابیت جزء جدایی ناپذیر طنز است. اگر طنزی جذّاب نبود، دیگر طنز نیست، ولی جذابیت هدف اصلی طنز نیست، بلکه جزئی از ذات طنز است. طنز باید با جذابیّت ساخته شود و پیش رود، ولی نباید به آن ختم شود؛ چون رسالت طنز این است که به چیزی ورای خود و بالاتر و مهم تر از خود دست یابد و آن ایجاد یک شخصیت حقیقی برای مخاطب و آگاه کردن او و نسبت به خودش است، نه اینکه فقط او را جذب کند و با استفاده از ضعف های وجودی تماشاگر، دوباره او را به دریای خیالات و تصوّرات شخصیت خیالی و ساختگی خود برگرداند. جذابیت در طنز به شکلاتی می ماند که پزشک

ص:۸۹

۱- نک: سید مرتضی آوینی، همان، مقاله «جذابیت».

۲- آینه جادو، ج ۳، ص ۱۶.

دست کودک می دهـد تـا با آن مشـغول شود و در همان لحظه که کودک سـر گرم پاسـخ دادن به خواسـته شـکم خود شـده، آمپول را می زنـد. کودک درست در اوج احساس لـذّت، دردی ناخوشاینـد را تحمل می کنـد. طنز بایـد جـذاب باشد و چنان مخاطب را جذب کند که او فقط با سوژه مطرح شده سرگرم شود، ولی در لحظه یا لحظاتی حساس که باید درد مخاطب به او شناسانـده شود و راه درمانش بیان شود، این جذابیت واپس بکشد و فقط در خدمت بیان آن غرض اصـلی باشد. ازاین روسـت که می گویند طنز معجونی از نوش و نیش است.

ج) نقد

ج) نقد

سومین هدف طنز که می توان گفت در تمامی طنزها همانند نشاط و سـرور و جذابیّت، حضور دارد، انتقاد از شـی ء یا شخص و یـا گروه و صـنفی است که می توانـد حالت مثبت و سازنـده یا حالت منفی داشـته باشـد؛ یعنی هـدفی منفی در داخل انتقاد، پنهان شود یا شـیوه انتقاد، صحیح نباشد و آثار نامطلوب از خود بر جای گذارد. بیشتر طنزهای کنونی با نوعی انتقاد و اعتراض به وضـعیت حاضـر انجـام می گیرد. شخصـی که نظـام حـاکم، فرهنـگ عمومی، دین و اعتقـادات جـامعه، روابـط اجتمـاعی و خانوادگی و... را فرسوده می بینـد و دیگران را کمتر و حقیرتر از خود و دارای عیب و نقص می نگرد، طبیعی است که روحیه انتقـاد منفی در وجـودش رشـد می کنـد و به هر کس و هرچیز خرده می گیـرد. در واقع این انتقـاد نیست، بلکه اعـتراض است. انتقاد، هـدف خوبی است، گرچه هـدف اصـلی نیست؛ البته انتقادی که از روی غرض ورزی و کینه نباشـد و با هـدف اصـلاح انجام پذیرد و همچنین آداب و

شرایطِ انتقاد در آن رعایت شود.

طنز معجونی از نوش و نیش است و نیشِ طنز که همان انتقاد است، گرچه هدف خوبی است، ولی هرگز هدفِ اصلی طنز نیست، بلکه هدف والاتری بر انتقاد ضمیمه شده که همان ترمیم و اصلاح نابسامانی های موجود در فرد و جامعه و هشدار و آگاهی دادن به مخاطب است. در منابع روایی ما، روایات پرشماری در زمینه نقد وارد شده است امام صادق می فرماید:

بهترین دوستان من کسی است که عیب هایم را بر من هدیه کند.(۱)

این روایت اهمیت انتقاد فردی را می رساند. عنوان هدیه برای انتقاد زیباترین عنوان است، ولی نکته مهم در این روایت این است که تعبیر «إلیَّ» به کار رفته است، یعنی عیوب مرا فقط به خودم برساند و نزد دیگران بازگو نکند. عیب های شخصی افراد، نباید در محافل عمومی یا نزد دیگران مطرح شود؛ اما گاهی عیب، به شخصیت اجتماعی یا منزلت سیاسی فرد مربوط می شود نه به خود فرد؛ به این صورت که او در مسئولیتی که جامعه بر دوش او نهاده کوتاهی کرده و ضربه ای را بر جامعه وارد کرده است. در این صورت، او نه تنها بر خویش ظلم نکرده، بلکه بر جامعه نیز ستم کرده است. انتقاد فاحش و آشکار از چنین فردی، نه تنها منفی نیست، بلکه بسیار مطلوب است. همانند قیام امام حسین علیه السلام بر بنی امیه که عمل آشکار و انتقادی روشن بود یا انتقادهایی که امام خمینی رحمه الله از امریکا و سردمداران استعمار و کفر جهانی با عنوان «شیطان بزرگ» و... داشتند. یا انتقادهایی که هم اکنون از

۱- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۷، ص ۱۴۶، ح ۱۴۳۸۴.

سوی مقام معظم رهبری بر دشـمنان خارجی و برخی مزدوران داخلی صورت می گیرد. در هر صورت انتقاد سازنده در جامعه اسلامی عملی مثبت است و می تواند هدف میانی و فرعی طنز قرار گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، انتقاد در طنزهای صدا و سیما باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. بایـد سازنـده باشـد، نه سـست کننـده و مخرب. انتقـادی که از روی هوا و هوس و طمع و کینه انجام گیرد، به جای آنکه به فکر اصـلاح و آگاهی دادن به مخاطب باشد، در فکر جنگ افروزی و انتقام و ایجاد دشـمنی و تفرقه است. با این انگیزه سـراغ طنز رفتن، آثاری نامطلوب در جامعه بر جای خواهد گذاشت.

_ انتقاد باید آگاهانه و عالمانه و برنامه ریزی شده باشد. چنانکه برای خود طنز و اجرای آن زمان بسـیاری صرف می شود و با دقت، ریزترین حرکـات و سـخنان خنـده دار و هیجـان آور در آن بررسـی می شـود، بایـد برای انتقـاد و روش صـحیح آن هم پشـتوانه علمی و تخصصی وجود داشته باشد؛ یعنی انتقاد باید عاقلانه و عالمانه باشد و طنزپرداز، فردی آگاه به حدود و شرایط انتقاد باشد. این نوع انتقاد نیازمند روان شناسـی و جامعه شناسـی صـحیح از جامعه و معرفت شناسـی و دین شناسـی صـحیح از اسلام ناب است تا انتقادی راستین و اسلام پسند ارائه شود.

_ نمایش نکته های مثبت در کنار انتقاد از بدی ها.

در کار هنری [به ویژه طنز]، صـرفاً به تخریب ضد ارزش ها و زدودن مسائل و عوامل منفی از ذهن ها بسنده نشود و تنها حالت انتقادی نداشته باشد. اگر بتی

شکسته می شود، خدا جایگزین گردد. اگر خصلتی کوبیده می شود، فضیلتی معرفی گردد. تنها به «نه» اکتفا نشود، بلکه «آری»هایی هم جهت الگوگیری در کار باشد.(۱)

در طنزها اگر شخصیتی یا عملی یا فکری مردود اعلام می شود، در مقابل ایده های مطلوب و زیبا جایگزین آن شود.

۲. اهداف مثبت و اصلی طنز

اشاره

۲. اهداف مثبت و اصلی طنز

زیر فصل ها

آموزش و پرورش

آموزش و پرورش

اشاره

آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت، فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال مربی و متربی که مسبوق به اصلی و متوجه به هدفی و مستلزم طرح نقشه ای باشد.(۲)

از اهداف طنز و تمامی مقولات هنری، آموزش جامعه و تربیت افراد در جهت تکامل انسانی است. تعلیم و تربیت دو مقوله ای هستند که اساس پیشرفت هر جامعه را تشکیل می دهند و سعادت و بدبختی اجتماعات بشری در گرو تعلیم و تربیت آنهاست. در اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را معلم و مربی معرفی می کند:

وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ. (جمعه: ۲)

مردم را تزکیه نموده و کتاب (قرآن) و حکمت را به آنان می آموزند.

البته همچنان که از ظاهر آیه استفاده می شود، تزکیه و تربیت، هدفی مهم ترند و پیش از تعلیم قرار دارند. تعلیم و تربیت هر دو از مسائل عملی و اجرایی هستند و این گونه مسائل نیاز به ابزارها و روش های مطلوب و مربی

۱- جواد محدثی، همان، ص ۲۱۹.

۲- فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱، ص ۳۶۲.

و معلم نمونه دارنـد تا بتوانند با شایسـتگی به تکامل جامعه کمک کنند. بهترین ابزار برای تعلیم و تربیت، هنر است و نافذترین هنر در عصـر حاضر، هنرهای صوتی و تصویری اند. پرقدرت ترین هنرهای صوتی و تصویری نیز برنامه های طنز است. بنابراین طنز می توانـد بـه عنـوان یکی از مهم ترین ابزارهـا در خـدمت تعلیم و تربیت قرار بگیرد، ولی آمـوزش و پرورش در طنز بـاید تحت شرایطی صورت بگیرد که به صورت جداگانه بررسی می کنیم:

یک ـ تربیت (پرورش)

یک ـ تربیت (پرورش)

هـدف بایـد تربیت بر اسـاس دین و عقل باشـد. اعتقاد ما بر این است که دین اسـلام کامل ترین برنامه را برای هـدایت بشـر به ارمغـان آورده است و قرآن کریم کتـاب تربیت انسـان هـا و پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله مربی نمونه تاریـخ است. بنابراین دسـتورهای تربیتی دین اسـلام مطمئن ترین راه برای سـعادت بشـر است. ازاین رو، در راه تربیت و تعالی جامعه بایـد از عقل و نقل (قرآن و سنت) که دو بازوی دین هستند، یاری بجوییم و دو اصل را در طنزها مورد توجه قرار دهیم:

اول این که روش تربیتی، روشی هماهنگ با آموزه های اسلام باشد؛

دوم این که مواد و مصالح تربیت، معارف و آموزه های دینی باشد و یا دست کم ضد دینی نباشد.

متاسفانه در طنزهای کنونی در صدا و سیما این دو اصل کمتر رعایت می شود و علت اصلی آن نیز آگاهی نداشتن طنزپردازان از اصول و مبانی تربیت اسلامی است.

در بیشتر برنامه های طنز، برای اینکه صحنه جذابیت بیشتری به خود

بگیرد و خنده دارتر به نظر بیاید، معمولاً ـ از شیوه تحقیر دیگران در جمع و خنده دیگران بر او، عشق های مجازی، دو به هم زنی ها، کلمات و اصطلاحات بی ادبانه و... استفاده می شود. این مطلب اگرچه ممکن است به سبب غیرواقعی بودن، مشکلی برای بازیگر یا برخی تماشاگران ایجاد نکند، ولی خود به خود فرهنگ تحقیر، ابتذال، بی ادبی و کم شخصیت انگاشتن طرف مقابل را در جامعه ترویج می کند.

دو ـ آموزش

اشاره

دو ـ آموزش

از جمله اهداف طنز، تعلیم و آگاهی دادن به جامعه است. این مقوله چنانکه در آثار طنز خواهد آمد، اثر طبیعی و قهری طنز است و خواسته یا ناخواسته، اثر آموزشی بر مخاطبان خود خواهد گذاشت. پس ما ناچاریم که از پیش به فکر آموزش مثبت و هدف گیری صحیح در این زمینه باشیم. اصولی که می توان در اهداف آموزشی طنز صدا و سیما بر آن پافشاری کرد عبارت است از:

اول ـ آموزش همگانی

اول ـ آموزش همگانی

ازاین رو، چون طنز صدا و سیما مخاطب خاص ندارد و همه آن را می بینند، همه چیز نباید در طنز آموزش داده شود. هرکدام از بانوان، آقایان، کودکان و نوجوانان، نیازها و مسائل خاص خود را دارند که در ساخت برنامه ها باید این نیازها را در نظر گرفت.

دوم ـ امر به معروف و نهی از منکر

دوم ـ امر به معروف و نهی از منکر

از دیدگاه اسلام، امر به معروف بزرگ ترین فرایض است و هیچ عملی به پایه آن نمی رسد. از منظر قرآن، امتِ اسلامی با عنوان امر به معروف و نهی از

منکر شناخته می شوند:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترینِ امت که بر مردم (برای اصلاح بشر) قیام کردند هستید؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

امر به معروف و نهی از منکر از ارکان بسیار مهم در حکومت اسلامی است که اموری مانند تبلیغات، رسانه ها، آموزش و پرورش، حوزه و دانشگاه، نیروهای انتظامی، قوه قضائیه، فرهنگ و ارشاد، ورزش و تربیت بدنی، هنر، ادبیات و بسیاری مسائل دیگر زیر مجموعه این رکن عظیم هستند. امر به معروف به یقین هدف بزرگی برای طنز است و هر طنزی که در این مسیر قرار گیرد و چنین هدف والایی را مدِ نظر قرار دهد، نیمی از راه اسلامی شدن را طی کرده است.

اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما نهادینه شود و فرهنگِ غالبِ آن گردد، اغلب مشکلاتِ کشور حل شده است. خانواده ها به سمت خیر و صلاح پیش می روند؛ بدی ها از میدان به در می شوند و بدها کنار رفته، خوبی و خوبان جای آنان را می گیرند. چنانکه اگر امر به معروف در جامعه ترک شده و به ضدِ ارزش تبدیل شود، قضایای بالا عکس خواهد شد. روشی که بهلول در امر به معروف و نهی از منکر و یا انتقاد پیش می گرفت، در واقع متّکی بر طنز بود. هدفِ طنز، انتقادی تربیتی است که در واقع نوعی نهی از منکر است و مفهوم امر به معروف را نیز در خود دارد و به اصلاح فرد و جامعه می انجامد. بنابر آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت امر به معروف و

نهی از منکر با دو شرط می تواند هدف طنز قرار بگیرد:

۱. با ابزارهای دیگر نتوانیم به شخص تذکر دهیم. برای نمونه، اگر مسئول یا سازمانی حرکتی خلاف قانون یا مسائل شرعی در پیش گرفته است و از راه های قانونی و مرسوم نمی توانیم شخص را متنبه کنیم، در این صورت طنز می تواند وسیله ای برای امر به معروف فرد یا سازمان مورد نظر باشد. در این زمینه، آیت اللّه مکارم شیرازی چنین می گوید:

در صورتی که طنز، در پاره ای مسائل کلی اجتماعی باشد و اگر نقدی می شود و نیشی هم در آن هست، متوجه شخص خاصی نباشد، اشکالی ندارد و اگر متوجه شخص خاصی باشد، گاهی مصداق امر به معروف و نهی از منکر است و راهی برای این کار جز توسل به این شیوه (طنز) نیست، این هم اشکالی ندارد.(۱)

۲. امر به معروف در صورتی هدف طنز قرار می گیرد که واقعاً امر به معروف باشد؛ نه امر به منکر و نهی از معروف. این مسئله زمانی تحقق می یابد که یا طنزپردازان خود به ویژگی ها و شرایط و مراحل امر به معروف اطلاع کامل داشته باشند و نوشتار و اجرای طنز را براساس آن تنظیم کنند و یا همواره در تهیه و تدوین طنزها، اسلام شناسی آشنا با هنر و زبان آن حضور داشته باشد.

۳. اهداف منفی (هجو و هزل)

اشاره

۳. اهداف منفی (هجو و هزل)

زیر فصل ها

الف) تمسخر و تحقیر

ب) اشاعه فحشا و منکر

الف) تمسخر و تحقیر

الف) تمسخر و تحقیر

ص:۹۷

۱- پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق، گفتگو با آیت اللّه مکارم شیرازی، ص ۹۶.

از جمله اهدافی که در برخی برنامه ها، به ویژه در برنامه هایی که مربوط به اصناف یا لهجه ها و یا طوایف و ملیت ها صورت می گیرد، تمسخر و تحقیر فرد یا افرادی است که موضوع طنز قرار گرفته اند. هدف مورد نظر، هدفی پست و غیر انسانی است که عقل انسان چنین هدفی را برای طنز که در وادی هنر گام نهاده نمی پذیرد و تمامی عقلای عالم و جوامع، این نوع از برنامه ها را نامطلوب و غیرمنطقی و خارج از محدوده طنز می شمارند. به ویژه که این گونه برنامه ها پی آمدهای بسیار مخربی برای نویسنده، بازیگر و مخاطبان دارند. نکته دیگر اینکه برنامه ای که هدفش استهزا است، توجهی به ارزش ها ندارد و از هر ابزاری برای رسیدن به هدف خود بهره می گیرد. ازاین رو، دروغ، غیبت، تهمت، ریشخند و... که از سوی قرآن و اهل بیت علیهم السلام منع شده اند، جایگاه برجسته ای در این نوع از برنامه ها دارند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسی أَنْ یَکُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ... . (حجرات: ۱۱)

ای مؤمنان، گروهی از شما گروهی دیگر را مسخره نکند، چه بسا آن گروه مسخره شده بهتر از مسخره کننده باشد.

یعنی حتی در صورت احتمال نسبت به برتری و خوبی طرف مقابل، او را مسخره نکنید.

ب) اشاعه فحشا و منکر

ب) اشاعه فحشا و منکر

ممکن است هدف برنامه ای، گسترش کارهای خلاف اخلاق و ادب باشد؛ چنان که در برخی برنامه های رادیو و تلویزیون غرب دیده می شود. به یقین،

اشاعه فحشا به هر وسیله ای و در هر شکلی حرام است و عذاب اخروی دارد. همچنان که قرآن کریم می فرماید:

إن الَّذین یُحبُّون أَن تَشیعَ الفاحشهَ فِی الَّذین آمنوا لَهم عَذابٌ اَلیمٌ فِی الدُّنیا و الاخِره. (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند فحشا (بدی) در بین مؤمنان رواج یابد برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت است.

نکته مهم در آیه این است که این آیه کسانی را که دوست دارنـد فحشا گسترش یابد، مخاطب قرار داده است. ازاین رو، حتی تمایـل به اشـاعه فحشـا که همـان کـار شـیطان است، عملی بسـیار زشت است و مجـازاتی دردناک دارد. اگر هـدف کسـی در نوشتن، صحنه پردازی، اجرا، ضبط و پخش برنامه طنز اشاعه فحشا باشد، درست در نقطه مقابل امر به معروف قرار گرفته است و به عنوان دشمن حکومت اسلامی شناخته می شود. بنابراین، برنامه طنز باید از چنین اهدافی دور باشد و تربیت سالم جامعه را در رأس اهداف خود قرار دهد. طنزی که چنین هدفی داشته باشد دیگر طنز نیست، بلکه هزل و فحشا است.

ص:۹۹

بخش چهارم: آثار طنز

اشاره

بخش چهارم: آثار طنز

مقوله های هنری، اثرگذارترین ابزار در افکار و اعمال انسانی است. این تأثیرگذاری در طنز با شتاب، نفوذ و عمق بیش تری همراه است. تأثیر سریع و عمیق طنز بر شخصیت انسانی، مسئله ای است که به وضوح در جامعه دیده می شود. طنز با توجه به ویژگی هایی که دارد، می تواند طبقِ هدف موضوع، محتوا و نوع اجرا و روش و ابزار آن، آثار مثبت یا منفی تولید کند. ازاین رو، افزون بر هدف که در ابتدای کار ارزیابی می شود، باید اثرِ طنز نیز که نتیجه آن بر روی طنزپرداز و مخاطب است، مدِ نظر قرار گیرد. با توجه به اینکه در تشخیص قانون و حکم هر چیزی باید آثار و نتایج آن را هم در نظر بگیریم، در این بحث، آثار مختلف و ریشه ها و علل را بررسی می کنیم تا مقدمه ای برکشف حکم شرعیِ طنزهای مختلف در حکومت اسلامی باشد. به طور کلی، سه نوع اثر برای طنز قابل تصور است:

۱. اثر طبیعی (در تمام طنزها)؛

۲. اثر منفی و نامطلوب (در طنز افراطی)؛

۳. اثر مثبت و مطلوب (در طنز مطلوب).

۱. اثر طبیعی

اشاره

۱. اثر طبیعی

اثری است که همواره با طنز است و از آن جدا نمی شود؛ بنابراین، در حد

ذات خود، خوبی و بـدی نـدارد و این ما هستیم که با اهـداف مخصوص و شـرایط ویژه ای که ترتیب می دهیم، رنگ مثبت یا منفی به آن می بخشـیم، ولی اثر مثبت و منفی طنز، آثـار ذاتی طنز نیسـتند، بلکه این طنزپرداز است که بـا افکار و اعمال خود، این اثر را به وجـود می آورد. حـال هر سه نـوع این آثـار را که طنز بر مخاطبـان و بر خود طنزپردازان می گـذارد، بررسـی می کنیم. آثار طبیعی طنز در تمامی طنزها وجود دارد. این آثار بر دو گونه اند: فردی و اجتماعی.

الف) آثار فردی

اشاره

الف) آثار فردی

مهم ترین آثار طبیعی طنز بر روی افراد دو چیز است:

یک ـ نشاط

یک ـ نشاط

انسان موجودی تنوع طلب است و کارهای تکراری و روزمره مخصوصاً در زندگی شـهری، انسان را دچار دلتنگی و افسردگی می نمایـد و در نـتیجه بـاعث بروز تنبلی در جـامعه می گردد. بروز این روحیه در جـامعه، خطر بزرگی برای یـک حکـومت به شمار می آیـد. جامعه کسل و تنبل هرگز روحیه کار و تلاش و نبوغ را نمی یابـد. ازاین رو، بهره گیری از ابزاری برای ایجاد و تقویت روحیه و نشاط در جامعه، امری ضروری است. طنز می تواند در کنار کار، ورزش، تفریح و مسابقات علمی و فرهنگی، نشـاط را برای جـامعه به ارمغـان آورد. از روایات نیز می توان دریافت که یکی از آثار طنز نشاط و سـرور است. البته این اثر با طنز همراه است و می تواند جنبه مثبت و منفی داشته باشد.

دو ـ آموزش

دو ـ آموزش

دومین اثر طبیعی طنز بر روی اشخاص، آگاهی بخشی آنهاست که به

ص:۱۰۱

صورتِ قهری انجام می پذیرد. طنز، اگر مثبت باشد و الگوهای مناسبی ارائه دهد، آموزش مثبت دارد و اگر عکس قضیه باشد، آموزش منفی در پی دارد. انسان در همان حالی که به صحنه ای از طنز می خندد، با اطلاعاتِ پیشین خود نیز ارتباطی برقرار می کند و خواسته یا ناخواسته نکته ای از آن می آموزد. این یادگیری به مرور زمان در نحوه گفتار، عمل، تفکر و عقیده مخاطب ظاهر می گردد. برای نمونه، در برخی طنزها، بازیگرانِ مرد با چهره ای مشخص ظاهر می شوند و پس از اجرای یک مجموعه مثلاً ـ پنجاه قسمتی، محبوبیت ویژه ای در نزد بینندگان می یابد؛ به گونه ای که اگر چهره خود را تغییر دهد، از جذابیتش کاسته می شود.

این، همان تأثیر غیر مستقیم در آموزش افراد و تغییر الگوها و علاقه مندی آنهاست که در بسیاری از برنامه ها وجود دارد، ولی چون نامحسوس است، به نظر نمی آید. مهم ترین عنصر در تأثیرپذیری از طنز، عنصر علاقه به طنزپرداز و برنامه طنز است. انسان از لحاظ روانی حالتی دارد که وقتی علاقه به چیزی پیدا می کند، ناخودآگاه کاستی ها و ضعف های آن را نمی بیند و یا اگر ببیند، کم رنگ می بیند و احساس الگوبرداری از آن در او افزایش می یابد. در طنز نیز به ویژه در آداب و رفتار ظاهری که عبارت است از طرز گفتار و پوشش و... این قضیه کاملاً دیده می شود؛ ازاین رو در روایات، تأکید شده است که مواظب دوست و هم نشین خود باشید؛ زیرا نفس انسان بدون اینکه با خبر باشد، از هم نشینش چیزی را می دزدد؛ یعنی از ویژگی های او و افکار و اعمالش چیزهایی بر می گیرد. در طنز هم، دزدی نفس که همان الگوبرداری و اشتیاق ناخودآگاه است، به آرامی در ضمیر انسان نفوذ می کند و شخصیت او

ص:۱۰۲

را تغییر می دهد. بنابراین، آموزش، به طور ناخودآگاه با طنز همراه است. مهم این است که هدف ما از همان آغاز، آموزشِ الگوهای صحیح باشد و روش و اجرای مطلوبی را در پیش بگیریم تا آموزش، همان باشد که اسلام می خواهد. وگرنه اگر قصد آموزش نداشته باشیم و یا الگوهای غلط و روش نامطلوبی را پیش بگیریم، طنز به جای آموزش های مثبت فقط نکات مسخره و منفی را آموزش خواهد داد و این ما را از اهداف بزرگ طنز که در گذشته بیان کردیم دور خواهد ساخت.

ب) آثار اجتماعی

اشاره

ب) آثار اجتماعی

در کنار آثار فردی، طنز آثار مختلف اجتماعی نیز دارد. مهم ترین آثار اجتماعی طنز عبارتند از:

یک ـ پرشدن اوقات فراغت و کم شدن بزهکاری

یک ـ پرشدن اوقات فراغت و کم شدن بزهکاری

هر برنامه ای که در جلوگیری از بزهکاری و پرکردن اوقات فراغت مؤثر باشد، مطلوب است. ورزش، مطالعه، تفریح و گردش، فعالیت هنری و... می توانند برنامه ای برای اوقات فراغت به شمار آیند. طنز نیز می تواند برنامه ای تفریحی باشد و اوقات فراغت را پر کند؛ البته طنز به شرطی می تواند برنامه مناسبی برای اوقات فراغت باشد که خود مروج بزهکاری نباشد. معمولاً در زمان پخش برنامه های طنز، مردم سرگرم تماشای آنها می شوند و بیشترین مخاطب در صدا و سیما به برنامه های طنز اختصاص می یابد. همین امر موجب می شود در زمان پخش، جرم و جنایت و بزهکاری های اخلاقی و... کمتر مشاهده شود. اگر این اثر را در کنار آثار قبلی قرار دهیم، خواهیم دید که آثار طبیعی طنز به قدری مهم اند که لزوم

ص:۱۰۳

برنامه ریزی جدی و توجه همه جانبه و بودجه بیشتر را روشن می کند.

دو _ ایجاد زبان تفاهم اجتماعی و ملی

دو _ ایجاد زبان تفاهم اجتماعی و ملی

اثر طبیعی دیگر طنز در عرصه جامعه، به نوعی در بحث زبان شناختی می گنجد و به ارتباط زبان و طنز باز می گردد. با توجه به اینکه مادّه اصلی تشکیل دهنده طنز واژه ها و جمله ها است، هم جمله ها و زبان بر طنز تأثیر می گذارد و هم طنز با بیان شیوای واژگان و بیان نمکین عبارت ها و اصطلاح ها بر زبان تأثیر می گذارد. همچنان که برنامه طنز گاهی تولید اصطلاحی جدید یا برداشتی جدید از یک اصطلاح می کند که باعث تغییر ساختار زبان شده و در فرآیند زبانِ گفتاری که در جامعه رواج دارد و جزئی از فرهنگ عمومی است، ایجاد موج می کند. همین تولید اصطلاح یا برداشت جدید از آن می تواند چنان در جامعه تأثیرگذار باشد که به رغم اختلاف زبانی در آن، اصطلاحی مشترک برای تفاهم اجتماعی همه اقشار فراهم آورد. این زبان تفاهم می تواند با توجه به موضوع و هدف طنز، زبان سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، تربیتی، ارتباطی و... باشد. آنچه مهم است این است که همه آن را می فهمند و برای طنز و شوخی به کار می برند تا پیام خود را آسان تر به دیگری برسانند. نمونه این زبان مشترک را در ساختارهای نیمه اجتماعی قبیله ای و قومی و شهرهای کوچک و روستاها نیز می توان دید که بسیاری از آن بر گرفته از هنرها و ضرب المثل های منطقه آنهاست. برای نمونه، اصطلاح هایی مانند می زنم تو مخت ها، «جون»، «نخودچی خوران»، «ای جونم»، و... در طنزهای اخیر سیما، همگی مواردی هستند که بر تفاهم اجتماعی تأثیر می گذارند. البته به سبب عدم هدایت و کنترل درست این روند

ص:۱۰۴

در طنزهای کنونی این عامل باعث ایجاد یک زبان بی تناسب ارتباطی در مسائل جدّی و غیر جدّی زندگی می شود که هیچ سودی به حال مخاطبان ندارد و تنها نتیجه طبیعی این واژه ها این است که در طول مدت پخش هر طنزی در صدا و سیما اصطلاح های خاص آن در زبان ها رایج می شود و جای احوالپرسی ها و شوخی های دیگر را می گیرد.

۲. آثار نامطلوب برنامه هایی که به نام طنز ارائه می شود

اشاره

۲. آثار نامطلوب برنامه هایی که به نام طنز ارائه می شود

برنامه های طنزی که بیشتر به فکاهی شبیه اند، پی آمدهای فکاهی نامطلوبی از خود برجای می گذارند و اهمیت تخریبی آن در شخصیت فرد و اجتماع، ما را به دوری از این گونه طنزها فرا می خواند و لزوم مرزبندی صحیح و دقیق میان طنز مطلوب و نامطلوب را روشن تر می سازد. این آثار به دو دسته آثار فردی و اجتماعی تقسیم می شوند.

الف) آثار نامطلوب فردی طنز

اشاره

الف) آثار نامطلوب فردی طنز

آثار فردی، مواردی است که شخصیت انسان را هدف می گیرد و در واقع به کرامت انسان و تمام زوایای وجود او صدمه می زند. این آثار عبارت اند از:

یک _ کاهش نیروی عقلانی۱

یک _ کاهش نیروی عقلانی(۱)

روشن است برنامه ای که هدفی جز لودگی و مسخرگی ندارد، به آرامی انسان را از وادی عقل و اندیشه خارج می سازد و مجال تفکر سالم و منطقی را از او می گیرد؛ زیرا طنز نامطلوب این ایده را در ذهن او پرورش می دهد

ص:۱۰۵

۱- بیشتر این عناوین برگرفته از مقاله آقای محمد باقر حیدری است؛ «مقدمه ای بر طنز از دیدگاه عقل و نقل»، سنجش و پژوهش، شماره های ۱۳ و ۱۴، صص ۱۳۹ و ۱۴۰.

که همه چیز مسخره است و به هر چیزی می توان پوزخند زد و بیشتر افکار و اندیشه ها حالتی مسخره دارد. این گونه افراد زندگی را از زاویه ساده لوحانه تماشا می کنند و در نتیجه قوای عقلی برای تجزیه و تحلیل منطقی را از دست می دهند. طبیعی است آنکه اندیشه خود را در راه باطل و امور بیهوده صرف می کند، از نیروی تعقلش در امور حق کاسته می شود. چنانچه حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

ما مزح إمرأهٔ مزحهً إلا مج من عقله مجهً؛(۱)

هیچ فردی مزاحی هرچند کوچک نمی کند؛ مگر آنکه مقداری از عقل و اندیشه او کاسته می شود.(۲)

نقطه مقابل تعقل و تفکر، حماقت و ساده لوحی است. بنابراین، برنامه ای که عقل و اندیشه را از بین می برد، در واقع حماقت را به جای آن می نشاند. چنانکه امیرمؤمنان می فرماید:

«مَنْ کَثُرَ مِزاحُه اِسْتَمْحَقَ؛(۳) هرکس در مزاح و شوخی زیاده روی کند، خواستار حماقت و کم عقلی شده است».

این اثر فکری و روانی را به روشنی می توانیم در هزل و لودگی ها که خنده بسیار و قهقهه را در پی دارد ببینیم.

دو ـ کم رنگ شدن ایمان به حقایق

دو ـ کم رنگ شدن ایمان به حقایق

از جمله آثاری روانی طنز، از بین رفتن باورهای عقیدتی شخص در امور

۱- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۲.
۲- فصلنامه سنجش و پژوهش، شماره های ۱۳ و ۱۴، مقدمه ای بر طنز از دیدگاه عقل و نقل، ص ۱۳۹.
۳- تصنیف غررالحکم، ص ۲۲۲، ح ۴۴۷۴.

حقیقی و ثابت زندگی است. طنزپرداز و همچنین مخاطبِ طنز نـامطلوب، کم کم از وادی حقایق خارج شـده، همه چیز را با عینک شوخی و تمسخر می بیند. این اثر طنز نامطلوب می تواند آثار زیان باری بر روان انسان داشته باشد و تأثیرهای اجتماعی فراوانی از خود بر جـای گـذارد. از جمله این آثـار که از نـابودی ایمان به حقایق به دست می آیـد، ابطالِ جـدیت و به شوخی گرفتن همه امـور است. شخصـی که همه چیزش مسـخرگی و شـوخی است، امـور جـدی اش نیز تبـدیل به شـوخی می شـود و حالت هزل بر تمامی زندگی اش سایه می افکند. حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«من کَثُر هزلُه بطَلَ جدُّهُ؛(۱) هرکه هزلش (شوخی اش) زیاد شود، رفتار و گفتار جدی اش باطل می شود».

سه ــ زایل کننده وقار و هیبت

سه ــ زایل کننده وقار و هیبت

از جمله آثار منفی طنز نامطلوب، شکسـتن وقار و هیبت طنزپردازان و پایین آمدن شخصـیت طنزپرداز در چشم مخاطبان است. فردی که همچون دلقک، فقط برای خنداندن دیگران دست به اعمال خنده دار می زند، ارزش انسانی خود را فراموش کرده و خود را در اندازه یک ابزار بی ارزش برای تفریح دیگران پایین می آورد. چنین فردی اگر در جامعه محبوبیتی هم داشته باشد، به سـبب کارهـای مسـخره ای است که انجـام می دهـد، نه به دلیـل شخصـیت واقعی و انسانی اش. در این باره امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

۱- همان، ح ۴۴۸۰.

«مَنْ کَثُرَ مِزاحُهَ قَلَّتْ هِیبَتُه؛(۱) هرکه مزاحش فزون شود، هیبتش کم می شود».

و نیز می فرماید:

«مَنْ کَثُرَ مزاحُه قلَّ وِقارُه؛(۲) هرکه مزاحش فزون شود، وقارش کم می شود».

چهار ــ زایل کننده نورانیت و صفای باطن

چهار ــ زایل کننده نورانیت و صفای باطن

طنز نامطلوب بیشترین تأثیر را در روان انسان و جلوه های روحی او دارد. باطن انسان همانند صفحه ای سفید و نورانی است که نورش از صفای آن است. از سوی دیگر، باطن انسان با حواس جمعی در ارتباط است و تأثیر دوجانبه دارد؛ یعنی هر چیزی که دیده یا شنیده می شود و یا لمس و حس می شود، در باطن تأثیر می گذارد و از آن سوی، باطن انسان در صورت پاکی و نورانیت، حواس را تحت کنترل خود دارد و از کارهای زشت باز می دارد و در صورت ناپاکی و کدورت، آنها را وادار به گناه می کند. ازاین رو، اگر حواس انسان با طنز نامطلوب در ارتباط باشد و چشم و گوش او طنز بی هدف و همراه با غیبت و تمسخر و دروغ و فحشا و منکر را ببیند و بشنود، کم کم باطن فرد صفای خویش را از دست می دهد و از تماشای چنین برنامه هایی شاد می شود. بدین ترتیب، بدها در نظرش خوب و خوب ها زشت می شود. چنانکه در این باره آمده است:

«لا تَمزَحْ فَیذهبَ نورُک؛(۳) مزاح و شوخی مکن که نورت را از میان می برد».

ص:۱۰۸

۱- همان، ح ۴۴۷۸.

۲- همان، ح ۴۴۷۷.

۳- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۲، ح ۱۸۵۷۳.

ب) آثار نامطلوب اجتماعی طنز

اشاره

ب) آثار نامطلوب اجتماعی طنز

طنز نـامطلوب آثـار منفی بسیار از خود بر جـای می گـذارد. خطرناك ترین این آثار در صـحنه اجتماع ظاهر می شود. نگاهی گذرا به این گونه آثار، ما را از تهیه و اجرای چنین طنزهایی برحذر می دارد. مهم ترین این آثار عبارتند از:

یک ـ زمینه ساز کینه و دشمنی

یك ـ زمینه ساز کینه و دشمنی

اگر طنز هـدف غیرانسـانی و غیر اسـلامی داشـته باشـد و یـا از روش هـای منفی در آن اسـتفاده شود، یـا اینکه ابزارهـایی مانند تمسـخر، غیبت، دروغ، عیب جویی و... در آن به کار گرفته شود، نتیجه آن ایجاد اختلاف و فتنه در جامعه خواهد بود. شوخی بسـیار به دشـمنی می انجامـد و طنز نـامطلوب نیز در گروه هـا و افراد جـامعه، زمینه سـاز کینه و دشـمنی می شـود. نمونه چنین طنزهـایی، لطیفه هـای تمسـخرآمیزی است که نسـبت به لهجه هـای زبـانی و یا قومیت ها و شـهرها مطرح می شود. مطالب این طنزهـا، همواره بـاعث ایجـاد نفرت و انزجار از سوی طرف مقابل می شود. ازاین رو، طنز می توانـد بزرگ ترین عامل ویرانگر وحـدت و یکپـارچگی در یـک جـامعه باشـد. در چنیـن طنزهـایی، ضـربه بـه هر دو طرف وارد می شـود؛ بـه گـونه ای که هم طنزپرداز احساس خودخواهی و تکبر، و هـم مخاطب احساس حقارت و پستی می کنـد. چنین طنزی به هیـچ وجه با مبانی دینی سازگار نیست؛ زیرا اثرِ عنوان شده به عنوان مخرب ترین اثر بر پیکره حکومت اسـلامی، امنیت جامعه، وحدت کلمه، پیروی از رهبری (ولایت مـداری)، فرهنگ سازی، اقتصاد و... را تهدید می کند. ازاین رو، در دین اسـلام هر چیزی که مخالف وحدت مسلمانان باشد

و اصل برادری مؤمنان(۱) و همچنین پرهیز از تفرقه(۲) را بر هم بزند، امری ناشایست و انجام آن حرام است. حتّی امروزه مسئله وحدت امری فرامرزی بوده و با ادیان دیگر نیز ارتباط می یابد. تقابل و مخالفت ادیان نباید در قالب طنز مطرح می شود تا مبادا شکاف بین آنان عمیق تر گردد؛ بلکه از راه گفت وگوی ادیان که مقدمه ضروری گفت وگوی تمدن هاست، می توان به صورتی معقول و مسالمت آمیز، اشتراک و اختلاف ادیان و حق و باطل آنها را مشخص ساخت.

دو ـ ریختن آبروی دیگران

دو ـ ریختن آبروی دیگران

طنز منفی اگر با اموری مانند تهمت، غیبت، تمسخر و... همراه باشد، طنزپرداز و مخاطب طنز را به سمت بی شخصیت دانستن افراد می کشاند و در نتیجه طرف مقابل خود را نیز بی هویت و ناچیز می شمارد. بنابراین، دیگر آبرو و شخصیت دیگران برای چنین فردی معنایی نخواهد داشت و طنز را ابزاری برای ریختن آبرو و بد جلوه دادنِ شخصیت آنها قرار می دهد. در قرآن کریم آیات فراوانی درباره نهی از تمسخر و ریختن آبروی دیگران آمده است. کفار و مشرکان صدر اسلام که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخالف بودند، با عبارت ها و رفتارهای خاصی سعی در تخریب شخصیت حضرت و تمسخر او داشتند. واژه هایی چون مجنون، ساحر، کذّاب و... نمونه هایی از این دست است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت می دادند. مطابق برخی روایات، حرمت

۱- «همانا مؤمنین برادر یکدیگرند». حجرات: ۱۰.

۲- «به ریسمان الهی چنگ زده و متفرق نشوید». آل عمران: ۱۰۳.

مؤمن از حرمت کعبه بیشتر اسـت(۱) و ریختن آبروی مؤمن، گنـاه بسـیار بزرگی است و جـامعه را به سوی تباهی و فساد سوق می دهد.

سه _ رواج فساد و فحشا در جامعه

سه _ رواج فساد و فحشا در جامعه

طنز نـامطلوب به جای الگودهی مثبت و هـدایت جامعه در مسـیر کمال و انسانیت، ارزش های منفی یا ضـد ارزش ها را مطرح می کند. در جامعه اسلامی، رکن اصلی و قوام دین، امر به معروف و نهی از منکر است. اگر عنصر امر به معروف جای خود را به فساد و فحشا بدهـد، جامعه اسـلامی در آسـتانه فروپاشـی قرار می گیرد. ازاین رو، قرآن کریم نه تنها ترویج فساد و فحشا را گناهی بزرگ می داند، بلکه حتّی دوستداران ترویج را نیز وعده عذاب دردناک می دهد:

إنّ الّذین یُحبّونَ أن تَشیعَ الفاحِشهُ فی الَّذین آمنوا لَهُم عذابٌ ألیم فی الدُّنیا وَ الأخره... ؛ (نور: ۱۹)

همانا کسانی که دوست دارند فاحشه در بین مؤمنان شیوع پیدا کند، برایشان عذابی دردناک در دنیا و آخرت خواهد بود.

طنز اگر عامل ترویـج فحشا و فساد باشـد، و از لحاظ گویش و پوشـش حالتی ضد دینی داشـته باشد، از جمله مصادیق این آیه خواهد بود.

۳. آثار مثبت در طنزهای مطلوب

اشاره

۳. آثار مثبت در طنزهای مطلوب

همچنـان که طنزهـای منفی آثـار زیـان بـار بر روی اجتمـاع بر جای می گـذارد. طنز مثبت، یعنی طنزی که با آموزه های دینی هماهنگ و هم سو می باشد،

۱- «المؤمن اعظم حرمه من الکعبه»، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۳۹۵.

دارای آثاری بسیار شگرف و نیک خواهد بود و فرد و جامعه را به سوی کمال و سعادت و وحدت هدایت خواهد کرد. طنز نیز می تواند دارای آثار فردی و اجتماعی باشد.

الف) آثار فردی

اشاره

الف) آثار فردی

در این جا برای نمونه برخی از آثار مهم در این گونه طنزها را بر می شماریم.

یک _ توجه دادن به عیب ها

یک _ توجه دادن به عیب ها

طنز نوعی انتقادنوش و نیش دار است و در عین حال که وضعیت خاص اجتماعی، روش خاص زندگی، معاشرت، تربیت، مدیریت و... را نقد می کند، تک تک افراد را به درون خود متوجه می کند تا عیب هایی را که در طنز، بزرگ نمایش داده می شود در خود بررسی کنند و مروری بر رفتار، افکار و عملکرد خود داشته باشند. اگر طنز مثبت به چنین توفیقی دست یابد، خدمت بسیار بزرگی به جامعه اسلامی کرده است. در دین اسلام بر تفکر درباره خود و عیب های خود، بسیار تأکید شده است. خداوند در سوره روم می فرماید:

«أوَلم یَتَفَکَّروا فِی أنفُسِهِم؛ آیا در نفس های خود تفکر نمی کنید». (روم: ۸)

همچنین در جای دیگر می فرماید:

«وَ فِی أنفُسِکم أفَلا تُبصرون؛ و در خودتان چرا نمی نگرید». (ذاریات :۲۱)

حدیث معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اشاره به همین مطلب است که فرمود:

«مَنْ عَرِفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّه؛(۱) هرکس خود را بشناسد به راستی پروردگار خود را

۱- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۴۲، ح ۱۱۹۲۳.

شناخته است».

بنابراین، معرفت نفس و کاستی های آن از سودمندترین علوم است و هر وسیله مطلوبی در راه رسیدن به این شناخت قابل قبول و نیک است؛ حتی اگر این وسیله، طنز باشد.

دو _ تربیت صحیح و سریع

دو _ تربیت صحیح و سریع

دومین اثر مثبت و مهم در طنزهای مطلوب، تربیت صحیح و اصولی افراد براساس آگاهی و خودباوری در کم ترین زمان ممکن است. تربیت صحیح مهم ترین و دشوارترین کار برای انسان است. تربیت به گونه خاص مخصوص خداوند است؛ همان گونه که در قرآن کریم، صفت «ربّ» درباره خداوند بسیار به کار رفته است و همو پیامبران را برای تربیت انسان ها فرستاده است. با این بیان، تربیت امری خطیر و ارزشمند است که هرکسی شایسته آن نیست. پس اگر طنز مطلوب بتواند آثار تربیتی صحیح را در وقتی مناسب و با بیانی جذّاب و شیرین به مخاطب خود منتقل کند، کار بزرگی انجام داده و سرمایه گذاری درباره چنین طنزهایی ضروری است.

ب) آثار اجتماعی

اشاره

ب) آثار اجتماعی

طنز افزون بر آثار مثبت فردی بسیار، دارای برخی آثار اجتماعی نیز هست که مهم ترین آنها به این قرار است:

یک _ ایجاد وحدت و همدلی اجتماعی

یک _ ایجاد وحدت و همدلی اجتماعی

مهم ترین اثر اجتماعی که هر طنز مطلوبی می تواند داشته باشد، افزایش وحدت و کنارگذاشتن اختلافات بی مورد و حساس نشدن به هر موضوع

ص:۱۱۳

کوچک و بزرگ است. وحدت در نظام اسلامی دارای جایگاهی بزرگ است و رسیدن به وحدت ملی و جهانی و دینی، از جمله اهداف اسلام عزیز است. اگر طنز بتواند عاملی در راه ایجاد یا تقویت وحدت و هم بستگی اجتماعی باشد، بسی افتخار نصیب خود کرده است و این به دست نمی آید مگر اینکه شعارها، حرکات، لحن ها، صحنه سازی ها، موسیقی ها و... همگی در راستای زدودن کدورت ها و زنگارهای اختلاف و همدل و همراه نشان دادن جامعه باشد. چنین طنزی وقتی ساخته و پرداخته می شود طنزپردازان، دارای اندیشه هایی متعالی و بدون ملی گرایی و فرقه گرایی باشند و خودشان خواهان طنز وحدت بخش باشند.

دو _ اصلاح رابطه مردم و دولت

دو _ اصلاح رابطه مردم و دولت

طنز اگر مطلوب باشد و در انتقادها، امر به معروف و نهی از منکرها و تربیت های فردی و اجتماعی نقش خود را به خوبی ایفا کند، خواهد توانست رابطه بین مردم و مسئولان را اصلاح کند و به شکل معقول و مقبولی در آورد. رابطه صحیح و سالم بین مردم و مسئولان امری بسیار مهم است و از جمله رکن های پایداری حکومت به شمار می آید و این رابطه دو جانبه است؛ یعنی هم مسئولان باید ارتباط مناسب با مردم داشته باشند و مشکلات آنان را حل کنند و هم مردم باید آگاهی، بیداری و حق مداری خود را به مسئولان ثابت کنند و از آنها درخواست کار و تلاش صادقانه کنند. طنز، زاویه نگاه به مسائل اجتماعی را اصلاح کرده و می تواند چگونگی انتقاد مردم از دولت را تصحیح و دولت را از میزان انتقاد و علاقه مردم نسبت به خود آگاه سازد.

ص:۱۱۴

بخش پنجم: موضوع طنز

اشاره

بخش پنجم: موضوع طنز

سوژه یا موضوع طنز، چیزی است که محور سخنان و حرکات در طنز است و اگر نقد و ظریف پردازی و لبخندی هست، پیرامون آن موضوع است. معمولاً در طنزهای صدا و سیما و به ویژه تلویزیون، یک موضوع اصلی یا اساسی و چندین سوژه فرعی وجود دارد. برای نمونه، در طنز «زیر آسمان شهر» موضوع اساسی که در تمامی قسمت ها بیننده را با خود همراه می کند، نقد ارتباطاتِ مدرنِ موجود در خانواده و همسایه داری است. به عبارت دیگر، موضوع اصلی، دفاع از سنت مداری و مبارزه با مدرنیسم فرهنگی است و در هر قسمت از سریال به مناسبت به موضوع جزئی تری مانند: پارتی های شبانه، کامپیوتر، موسیقی پاپ، سگ بازی، جراحی بینی و... پرداخته می شود. یا در طنز «بدون شرح» موضوع کلی و اساسی، انتقاد از عملکرد نشریه ها و مجله هایی است که محتوای خاصّی ندارند و اندیشه های مردم را با مسائل بی ارزش یا کم ارزش مشغول می کنند و برای جذب مخاطب هر کاری می کنند، ولی در هر قسمت از سریال، یک موضوع جزئی تر مانند ازدواج کاووسی با ناهید یا همایون با نسرین و... مورد توجه قرار می گیرد. البته اینکه این طنزها چه مقدار در پردازش موضوع و در تأثیرگذاری بر مردم مؤثر بوده اند، امری است که در بخش های دیگر بررسی می شود و آنچه در این

ص:۱۱۵

فصل در نظر است موضوع شناسی و ارائه ملاک هایی برای تشخیص موضوع های صحیح، به جا و ضروری برای استفاده در طنزهای سازمان است.

نکاتی که باید در زمینه انتخاب سوژه و موضوع طنز در نظر داشته باشیم این است که:

ـ کاستی ها و آسیب های مختلفی در جامعه وجود دارد.

ـ با طنز می توانیم بخشی از این کاستی ها و مشکلات را بیان کنیم.

ـ برخی از کاستی ها، زیر بنایی و اساسی اند و برخی دیگر ظاهری و همچون کفِ روی آب هستند.

ـ در اولویت بندی موضوع های طنز باید موضوع هایی را مطرح کرد، که بیشتر به آسیب ها و کاستی های جامعه می پردازند. موضوع طنز باید از دو زاویه بررسی شود:

الف) جنبه «فقهی ـ حقوقی» که مربوط به باید و نبایدهای موضوع طنز است و مشخص می کند که چه موضوعاتی نباید سوژه طنز باشد و چه موضوعاتی باید باشند.

ب) جنبه برنامه ریزی که مربوط به اولویت بندی بین موضوعات و کیفیّت و میزان پردازش آنها در طنزهای صدا و سیما است. این بحث در پایان کتاب بررسی می شود.

در زمینه باید و نبایدهای موضوع طنز باید دانست که از لحاظ آسیب شناسی دینی، موضوعات طنز به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. موضوع مطلوب: مانند مشکلاتِ اساسی جامعه کنونی، از قبیل فقر، فساد اداری، تبعیض، رشوه، ربا، سوء تربیت و...؛

۲. موضوع نامطلوب: مانند مسائل جنسی و زناشویی، مقدّسات دینی و الهی و... ؛

۳. موضوع مشکوک: مانند طنز با مسئولان بلند پایه، سازمان ها و نهادهای حکومتی و... .

موضوع های مطلوب، سوژه هایی هستند که حتماً باید در طنزها به آنها توجه شود؛ موضوع های نامطلوب مواردی هستند که نباید طنز آنها را سوژه خود قرار دهد؛ چون یا کاملاً مقدس هستند و به طنز گرفتن آنها به تقدّسشان ضربه می زند و یا کاملاً مبتذل هستند و طنز با آنها به جای نقد و انتقاد، به ترویجشان می انجامد.

موضوع های مشکوک مواردی هستند که به طور دقیق نمی دانیم، آیا می توان آن ها را در طنزها به عنوان سوژه طنز مطرح کرد یا نه؟ ازاین رو، باید بررسی دقیق تر روی آن ها صورت گیرد. ناگفته نماند که هر یک از این سه نوع موضوع هم می تواند به صورت آشکار در طنز حضور داشته باشد و هم می تواند به صورت پنهان و مخفی در لابه لای گفت و گوها خود را نشان دهد. همچنین هریک از این سه نوع موضوع می تواند مسئله ای تاریخی و مربوط به گذشته باشد یا اصلاً زمان بردار نباشد و نیز می تواند یک مسئله روز و مشکل کنونی را مطرح کند. بنابراین، با توجه به این تقسیم بندی ها می توانیم نمودار زیر را درباره موضوع طنز ترسیم کنیم:

مسئله روز

تاریخی

آشکار

پنهان

مطلوب

نامطلوب

ص:۱۱۷

مشکوک

موضوع طنز

نمودار (۱ _ ۵) انواع و اقسام موضوع طنز

۱. موضوع های مطلوب طنزها

۱. موضوع های مطلوب طنزها

سوژه های مطلوب و مناسب برای طنزهای کنونی صدا و سیما در واقع معضلات اساسی جامعه امروزی هستند. جامعه کنونی در سطح جهانی یا ملی دارای آسیب ها و ضعف های فراوانی است که هر یک می تواند به مثابه سوژه طنز در صدا و سیما مطرح شود. البته هر ضعف اجتماعی، شایستگی سوژه شدن برای طنز را ندارد و شرایطی لازم است تا یک سوژه قابلیّت موضوع شدن برای طنز را بیابد. ویژگی های یک موضوع مطلوب برای طنز عبارتند از:

یک _ مشکل به بخش قابل توهی از جامعه مربوط باشد؛

دو _ طنز نمودن با این آسیب باعث لوث شدن آن در جامعه نشود؛

سه _ موضوع مشکل اساسی جامعه باشد؛ نه موضوعی که اهمیت چندانی ندارد؛

چهار _ موضوع متناسب با زمان (سال _ ماه _ روز) باشد و آسیب کنونی

ص:۱۱۸

جامعه را نقد و برطرف کند؛ نه آسیبِ تاریخ و گذشته را.(۱)

۲. موضوع های نامطلوب برای طنزها

اشاره

۲. موضوع های نامطلوب برای طنزها

مقصود از منفی یا نامطلوب در اینجا با توجّه به سوژه قرار گرفتن برای طنز است، وگرنه ممکن است موضوعی خود مثبت باشد، ولی نسبت به طنز و سوژه قرار گرفتن برای آن نامطلوب باشد. حال مواردی از این گونه موضوعات را مطرح می کنیم:

الف) طنز با مقدّسات

الف) طنز با مقدّسات

دین امری وحیانی و مقدس است. بنابراین، طنز با قرآن و سنت که در واقع ترجمان دین اند، به تمسخر گرفتن دین و تنزل آن از مقام الوهیت به مرحله انسانی است و از سوی دیگر، نوعی اعتراض به دین به شمار می آید. این نوع از طنز به هیچ وجه جایز نیست و مخالفت صریح با دین است، ولی اگر موضوع طنز، نوع معرفت ما از دین باشد، دو حالت پیش می آید: اگر شناخت و معرفت دینی روشمند و تابع اصول و قواعد معرفتی در دین باشد، طنز در این مورد نیز جایز نیست. تفسیرهای معتبر قرآن که روش شناسی تفسیر را رعایت کرده اند، کتاب های فقهی و رساله های عملی که منطق اجتهاد را به خوبی اعمال کرده اند و آرای کلامی و اعتقادی که بر اصول عقلی و بدیهیات یقینی تکیه کرده اند، همگی فهم و معرفت دینی اند و به تمسخر گرفتن آنها، تمسخر دین و مقدسات است، ولی اگر شناخت و معرفت دینی

۱- در بخش پایانی، موضوع های پیشنهادی ارائه شده است.

روش منـد و بر اساس اصول و قوانین معرفت نباشـد و در واقع قرائت های سـلیقه ای از دین باشد، روشن است که چنین فهمی، نـه در راسـتای دین و کشـف آن، بلکه در ضـدیت بـا دین قرار خواهـد گرفت و دارای تقـدّس نخواهـد بـود. بـا توضـیحی که گـذشت، طنز با امور دینی به منزله به تمسـخر گرفتن دین و مقـدسات است و از جمله مصادیق نقض آیه شـریفه «وَ لا تَتَّخِذُوا آیاتِ اللّهِ هُزُوًا»؛ «آیات و نشانه ها الهی را به تمسخر نگیرید». (بقره: ۲۳۱) خواهد بود. نکته ای که یادآوری آن خالی از لطف نیست و بایـد در نظر داشت اینکه طنز دینی و طنز بـا دین دو مقوله متفاوت انـد. مطالبی که در این بحث مطرح کردیم، مربوط به طنز با دین است که از هر لحاظ ممنوع است و هیـچ برنامه طنزی نباید سوژه خود را دین و مسائل دینی قرار دهد؛ یعنی دین به هیچ شـکلی، نباید موضوع طنز (به معنای انتقاد همراه با تمسخر) قرار گیرد، ولی طنز دینی مقوله ای جداگانه است. و معنای آن همسو شـدن طنز با گزاره های دینی و عـدم تخطی آن از حدود الهی است. در طنز با دین این است که در دست طنز اسـیر اسـت و طنز هرگـونه کـه می خواهـد همچـون هر مقـوله دیگری بـا آن برخـورد می کنـد، ولی در طنز دینی ایـن طنز است که محکوم و پیرو خواسته های شرع است. مقصود اسلام این است که در تمام زمینه های مربوط به زندگی فردی و جمعی بشری، احکـام و روابـط سـعادت بخش خود را بیان کنـد و طنز نیز داخل در این محـدوده است. بنابراین بایـد دقت کرد در نمایش ها هیچ گونه توهینی به مقدسات، چه چهره های مقدس و مورد احترام مذهبی و ملی، چه باورهای

عمیق مردم و بینش انقلابی آنان نشود.(۱)

ب) موضوع، خودخنده

ب) موضوع، خودخنده

چنانکه گفتیم هدف طنز، انتقال پیام حقیقی در قالبی فکاهی است. ازاین رو، شوخ طبعی در طنز نباید موضوع اصلی باشد و پیام را تحت تأثیر قرار دهد و پیام طنز نیز مسخره و شوخی به نظر آید. در طنزهای کنونی صدا و سیما این امر مورد توجه قرار نمی گیرد و بیشتر برنامه های طنز، حریم شوخی را شکسته و پای در هزلیاتِ افراطی می گذارند. برای نمونه، طنزهای شبکه سوم در سال های اخیر مانند: «نود شب»، «زیر آسمان شهر»، «نوروز ۷۸»، «پاورچین»، «نقطه چین» و... و برنامه «صبح جمعه با شما» در رادیو که مخاطبان بیشتری نسبت به دیگر برنامه ها داشته اند، اگرچه حامل پیام و ایده برای مخاطب خود هستند، ولی در عمل، محور اصلی برنامه، تنها شوخی است و پیام ها جدی گرفته نمی شود. شخصیت هایی که در این گونه برنامه ها نقش اول یا دوم را دارند، نه به سبب شخصیت واقعی، بلکه به دلیل این که در برنامه، حرف های خنده دار می زنند و دلقک بازی و حرکات مضحک انجام می دهند، در جامعه محبوبیت دارند. این گونه طنزها مردم را از نگاه واقعی و جدی به زندگی، خارج می سازد و هرگز نمی توانند الگوهای صحیح زندگی را به مردم بیاموزند. در برنامه طنز «زیر آسمان شهر»، شخصیت ها به صورتی طراحی شده بودند که می توانستند برای بیشتر اقشار جامعه الگودهی کنند،

۱- جواد محدثی، همان، ص ۲۱۹.

ولی شوخی های بیش از اندازه در شخصیت بهروز و خشایار و مضحک بودن تمامی حرکات آنها باعث می شد که همه، فقط نکات خنده دار را ببینند.

مسئله دیگر در این گونه طنزها این است که مسائل جدی زندگی را نباید به شوخی گرفت؛ یعنی موضوع طنز و خنده نباید مسئله ای جدی باشد؛ زیرا شوخی با امور جدی زندگی حریم آنها را شکسته و مسائل جدی را غیر مهم جلوه می دهد. در زندگی عادی و روزمره ما، بیشتر موضوعات کاملاً طبیعی و جدی هستند و فقط برخی موضوع ها هستند که حالت تفریحی و شوخی دارند. گرچه شوخی با امور جدی زندگی روزمره اشکال شرعی خاص ندارد، ولی پی آمدهای این کار به ما هشدار می دهد که در این باره نیز با احتیاط پیش رویم. خلاصه اینکه جامعه ای که می خواهد به سوی پیشرفت و تمدن تکامل اسلامی حرکت کند، با به شوخی گرفتن امور جدی زندگانی نمی تواند به هدف خود دست یابد. بنابراین، مزاح نباید در حدی باشد که اصل پیام خدشه دار شود و فرهنگ لهوی را ترویج دهد.

ج) طنزهای مبتذل

اشاره

ج) طنزهای مبتذل

طنز نباید خلاف عفت و حیا باشد. اختلاط نادرست زن و مرد و تبادل حرف های رکیک و زننده و خلاف عفت و وجود صحنه هایی که شهوت انسان را تهییج می کند، طنز را از هدف انسانی و اسلامی آن خارج ساخته و آثار زیان بار و منفی در پی دارد؛ زیرا چنین طنزی به رواج گناهان و کاستن از قباحت آنها کمک می کند و مصادیق این آیه قرار می گیرد که می فرماید:

إِنَّ الَّذینَ یُحِبُّونَ أَنْ تَشیعَ الْفاحِشَةُ فِی الَّذینَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ. (نور: ۱۹)

همانا کسانی که دوست دارند فاحشه در بین مؤمنین شایع شود، برای ایشان

عذابی دردناک وجود دارد.

از ظاهر آیه بر می آیـد که اشاعه فحشا، گناه کبیره است که وعیـد عذاب بر آن داده شده است. طنز مبتذل، آشـکار یا پنهانی، نیز می تواند از جمله راه های اشاعه فحشا باشد. طنزهای مبتذل به دو صورت می توانند سوژه سازی شوند.

یک ــ طنزهای جنسی

یک ــ طنزهای جنسی

طنزهایی که مربوط به مسائل جنسی و روابط زناشویی و مسائلی از این دست است، افزون بر اینکه خود از گناهان کبیره است، اشاعه فحشا نیز هست؛ یعنی دو گناه کبیره یا بیشتر برای طنزپرداز به شـمار می آید. ولی نسبت به مخاطبِ چنین طنزی افزون بر اینکه نگاه کردن یا شـنیدنش حرام است، گامی است برای افتادن در ورطه خطرناک گناهانِ بزرگ تر و مصداقی از پیروی از گام های شیطان است. قرآن کریم می فرماید:

وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ. (بقره: ۱۶۸)

از قدم های شیطان پیروی نکنید که شیطان دشمنی آشکار است.

البته چنین طنزهایی در صدا و سـیما پس از انقلاب به هیچ وجه جایگاهی نداشته و خطری است که همواره باید در برنامه های طنز دربـاره آن به هوش بود. طنز جنسـی، یعنی به کـارگرفتن خلق و خوی حیوانی انسان برای لهو و شادی و ایجاد شـهوت در مخاطبـان طنز که بـدترین تـأثیر را بر اقشار جامعه خواهـد گـذاشت. همچنان که در سـینمای غرب و برخی برنامه های رادیو و تلویزیون آن مشاهـده می شود. توجه به آثـار این گونه طنزهـا مـا را بر آن می دارد که نه تنهـا برنامه های خود را از این گونه موضوع های دور سازیم، بلکه به رویارویی با آن و ترویج فرهنگ عفت و ارتباطات سالم بپردازیم.

دو ــ ابتذال پنهان

دو ــ ابتذال پنهان

ص:۱۲۳

گاهی طنز مورد بحث، طنز جنسی نیست، ولی ارتباط زن و مرد از لحاظ گفتار و کردار به گونه ای است که ذهن شونده و بیننده را ناخودآگاه به مسائل جنسی می کشاند. برای نمونه، نوع نشستن زن و مرد، ایستادن در کنار و یا روبه روی همدیگر، خیره شدن با نگاه عمیق و یا لبخند، خوابیدن در نزدیکی همدیگر و صحنه هایی از این دست می تواند تأثیر منفی بسیاری در مخاطب ایجاد کند. البته در این مورد طراحی صحنه و دکور طنز و به کارگیری واژه ها و جمله ها نیز تأثیر بسیار دارند؛ به گونه ای که تن صدای زن و حالت آن هنگام صحبت با مرد و یا استفاده از کلماتی که با مسائل جنسی در ارتباطند می تواند ذهن مخاطب را منحرف سازد. تشخیص این طنز خلاف عفت از نوع قبلی واضح است، ولی نوع اخیر طنز به سبب ویژگی هایی که دارد به راحتی می تواند در برنامه های تلویزیون رسوخ کند؛ چنانکه کم و بیش در برنامه های طنز تلویزیون، در سال های اخیر، به چشم می خورد؛ به ویژه برنامه های طنز در شبکه سوم سیما که هر ساله تغییراتی در آن دیده می شود. در طنز «نقطه چین» زن «بامشاد» با حرکات بسیار زننده و سبکی های بی مورد، گاهی چنان در نزدیکی شوهرش یا افراد نامحرم دیگر قرار می گیرد که هر بیننده ای را ممکن است تحریک کند.

۳. موضوع های مشکوک

اشاره

۳. موضوع های مشکوک

زیر فصل ها

الف) سوژه شدن گناهان

ب) سوژه شدن لهجه های زبانی

ج) طنز با شخصیت های حکومتی در صدا و سیما

د) سوژه قرار دادن دستگاه های حکومتی

الف) سوژه شدن گناهان

الف) سوژه شدن گناهان

حد و مرزها در هر مکتب و مذهب، اهمیت فوق العاده دارند. این حدود در تمامی مذاهب در دو جنبه مثبت و منفی تعریف می گردد. جنبه مثبت

ص:۱۲۴

همان بایدها و جنبه منفی، نبایدهای هر مکتب است.

مکتب اسلام نیز در کنار ایده ها و اندیشه های ناب و جهان بینی کاملی که دارد، دارای باید و نبایدهای بسیار در بخش های عملی زندگی فردی و اجتماعی و حکومتی است.

نبایدهای دین اسلام در محرمات بیان می شوند که همان گناهانند. گناه در دین اسلام قبیح و زشت و تکبر در برابر خداوند است؛ به ویژه گناهان کبیره و گناهانی که در جامعه شایع می شوند و پی آمدهای اجتماعی بر جای می گذارد. قبح گناهان همانند حُسن کارهای نیک از حد و مرزهای اسلام است و نباید این دو حریم در جامعه اسلامی شکسته شود. برای نمونه، دروغ گویی، غیبت، تهمت، استهزا، قتل، یأس از رحمت خداوند، عاق والدین، دعوا و اختلاف در جامعه و منزل و بسیاری موارد دیگر که در اخلاق اسلامی، ناپسند می باشند، نباید در نظر مردم سهل بنماید. حال آنکه می بینیم در عمل این گونه نیست. بسیاری از مردم به این گونه مسائل ضد اخلاقی مبتلایند و ریشه برخی از آنها به برنامه های رادیو و تلویزیون باز می گردد که مسئله را بسیار ساده تلقی کرده اند؛ در حالی که در واقع قبح شکنی می کنند و ناخواسته یا ندانسته به رواج زشتی ها دامن می زنند. ازاین رو، اگر خواستیم گناهی را سوژه طنز قرار دهیم، باید جوانب امر و آثار آن را به طور کامل در نظر بگیریم.

ب) سوژه شدن لهجه های زبانی

ب) سوژه شدن لهجه های زبانی

خداوند انسان ها را به هم بستگی امر کرده است:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمیعًا وَ لا تَفَرَّقُوا... . (آل عمران: ۱۰۳)

ص:۱۲۵

به ریسمان خداوند چنگ بزنید و از همدیگر جدا و پراکنده نشوید.

مسئله وحدت در جامعه اسلامی، اهمیت فوق العاده ای دارد؛ به گونه ای که پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این موضوع با گفتار و عمل خویش تأکید کرده اند. در طول تاریخ اسلام علمای بسیاری در راه تقویت مذاهب و رسیدن به وحدت تلاش کرده اند. اکنون در جمهوری اسلامی ایران که حکومتی اسلامی شکل گرفته و قانون و مسئولان کشور، اسلام را الگوی خود قرار داده اند، حفظ وحدت از مهم ترین وظایف حکومت است. ازاین رو، عوامل تفرقه زا در هر شکل و لباسی باید برچیده شود. طنز هم به نوبه خود باید در ایجاد اندیشه و فرهنگ فرا قومی و فرا زبانی و اتحاد ملی کشور، به وظیفه خود عمل کند. بنابراین، اگر در طنزی مشاهده شود که افکار ناسیونالیستی رسوخ کرده یا اینکه از فرد یا گروه خاصی حمایت می کند و بقیه را خوار می شمارد و به باد تمسخر می گیرد، باید به سرعت با آن مقابله کرد؛ چه این طنز در قالب ضرب المثل و شعر باشد و چه در قالب هزل و هجو و یا برنامه کمدی که از صدا و سیما پخش می شود. متأسفانه، وقتی به برخی برنامه های صدا و سیما نظری منتقدانه می افکنیم با چنین آثاری روبه رو می شویم؛ به ویژه در زمینه گونه های زبانی که سوژه به ظاهر خوبی برای خنداندن مردم است. همانند آنچه در سریال «نقطه چین» درباره زن «بامشاد» می بینیم. او واژه «چی» را با لهجه ترکی ادا می کند و این همواره در طنز مایه خنده و تمسخر دیگران است. تقلید از لهجه های مختلف ترکی، اصفهانی، شمالی، کردی و... با حالتی تمسخرآمیز و احیانا تحقیرآمیز، نه تنها ایجاد وحدت نمی کند، بلکه به ترویج نهضت های افراطی ناسیونالیستی کمک می کند.

ص:۱۲۶

ج) طنز با شخصیت های حکومتی در صدا و سیما

ج) طنز با شخصیت های حکومتی در صدا و سیما

در حکومت اسلامی تمامی جامعه و افراد آن محترمند و کسی حق انتقاد صریح از دیگری را که باعث آبروریزی شود ندارد؛ مگر در شرایطی که شخصی، خود آبروی خود را بریزد یا آشکارا مرتکب فسق شود و یا در مقامی باشد که به جامعه اسلامی خیانت و به مردم ستم کرده است. در این صورت، انتقاد از او نه تنها جایز، بلکه واجب نیز هست، ولی باید دقت کرد هر انتقادی را همه جا و به یک شکل نمی شود مطرح کرد. انتقاد از مسئولان حکومت اسلامی در قالب طنز، به ویژه در صدا و سیما که رسانه ای عمومی است، گرچه منعی ندارد. ولی بسیار حساس است و ممکن است رابطه مردم و مسئولان را سرد کند و مردم را به نظام بدبین سازد. عملکرد شخصیت های حکومتی همواره به پای خود حکومت نوشته می شود و چون حکومت اسلامی با خود نام دین را همراه دارد، عملکرد اشخاص حکومتی به پای حکومت و دین نوشته می شود. ازاین رو، طنز با چنین شخصیت هایی اگر با دقت انجام نگیرد، به سمت طنز با دین کشیده می شود. البته انتقاد از شخصیت های حکومتی به صورتی غیر از طنز نه تنها اشکالی ندارد، بلکه در منابع دینی به آن توصیه شده است. امیر مؤمنان علیه السلام در نامه ای که به مالک اشتر نخعی هنگام نصب وی به امارت مصر می نویسد، چنین می فرماید:

نزدیک ترین افراد را نسبت به خود، آنهایی قرار ده که در امر انتقاد و نهی از منکر (نصیحت کردن تو برای خدا و رسول او و امامت) کوچک ترین اغماضی نداشته باشند و صادقانه و مخلصانه نقص هایت را به تو گوشزد

ص:۱۲۷

کنند.(۱)

از این مطالب برمی آید که تعریف و تمجید بی جا از مسئولان کشور جا را برای فعالیت افراد منتقد و درستکار تنگ می کند. بنابراین، طنز می تواند با ظرافت تمام و بدون توجه به مسائل و جنجال های سیاسی، مسئولانی را که راه اشتباه را می روند، با طنز آگاه کند و عملکردشان را نقد کند.

د) سوژه قرار دادن دستگاه های حکومتی

د) سوژه قرار دادن دستگاه های حکومتی

همچنان که طنزپرداز درباره شخصیت های حکومتی باید با احتیاط رفتار کند، دستگاه های حکومتی را نیز نباید تضعیف کند و به باد تمسخر گیرد. اگر ضعفی در نهادی وجود دارد، به صورت صریح و شفاف یا با طنز و با حفظ حرمت می توان بیان کرد. به ویژه اگر از جمله نهادهایی باشد که اقتدار آن در جامعه لازمه سلامت و آرامش روانی افراد است؛ مانند قوه قضائیه، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، ارتش و سپاه، صدا و سیما و... که انتقاد نامطلوب و تمسخرآمیز از آنها باعث سستی حکومت و تزلزل آن می شود، ولی باید دانست که نه تنها انتقاد در طنز خلاصه نمی شود، بلکه انتقاد در طنز لزوما با تحقیر و اهانت همراه نیست؛ گرچه طنزهای کنونی هنوز با این وضعیّت فاصله دارند.

نمونه ای از این گونه طنزها یا هجوهای طنزگونه را می توانیم در آثار برخی روزنامه نگاران معاصر ببینیم. در کتاب ستون پنجم در بخش های «اگر صدا و سیما نبود، ماهواره هم نبود»، «واژه شناسی سیاسی ــ تلویزیونی» و

۱- نهج البلاغه، نامه امام به مالك اشتر نخعی.

«چگونه برنامه تلویزیونی بسازیم» صـدا و سـیما ابزاری ناکارآمد و پوچ و بیهوده و اسـیر دست جریان های سیاسـی معرفی شده است،(۱) که خواننده را به این سازمان بزرگ بدبین می کند و همه برنامه های صدا و سیما را بیهوده جلوه می دهد.

نگاهی به موضوع های طنزهای کنونی

نگاهی به موضوع های طنزهای کنونی

آیا آنچه در طنزهای پنـج شـش سال اخیر می بینیم، در بخش سوژه و موضوع ها، نیاز به بازبینی نـدارد؟ آیا هنگام آن نرسـیده است که برنـامه سـازان طنز و طنزپردازان به کارهای گذشـته خود نظری بیفکننـد و ثمره چنـدین سال تلاش خود و هزینه های سرسام آور تولیـد برنامه های طنز را ببیننـد؟ به راستی چه چیز باعث می شود طنزهای کنونی این همه به موضوعات بی خود و تکراری و فرعی اهمیت دهنـد؟ آیـا جز افزایش تماشاگر و جـذب و تسـخیر او توجیه دیگری برای گزینش موضوعات داریم؟ اصـلاً مرکزی هست که به نویسـندگان طنز دسـتور دهـد که در کدام موضوعات بنویسـند؟ به طبع، وقتی پاسخ این پرسـش ها مبهم بود، طنزهـاییماننـد «کوچه اقاقیا» تولیـد می شود که معلوم نیست چه چیز را برای تماشاگر نقـد می کنـد و از چه چیزی بحث می کنـد. یا «پاورچین» که به جز خنـده، نمی توان موضوعی برای آن یافت. یا مانند «نقطه چین» که تماشاگر سـر در گم است که بالاخره این سریال، غیر از

۱- سید ابراهیم نبوی، ستون پنجم، تهران، نشر روزنه، چ پنجم، ۱۳۷۸، صص ۶۴ ، ۱۲۶، ۲۳۴.

خنـده چه حرفی برای گفتن داشت و چه چیزی را نقـد می کرد؟ به راستی اگر طنزهای صـدا و سـیما به این شـکل پیش روند، شاهکارهایی درباره خنـده تولیـد خواهـد شـد که تمام دنیا مشتری آن است، ولی هیـچ کدام از اینها طنز نبوده و نخواهند بود. بهتر است در سازمان، بخشـی به عنوان خنـده تأسـیس شود و همه این برنامه ها از آنجا هـدایت و تولیـد شوند و خیال مردم نیز آسوده باشد که اینها برنامه خنده است، نه برنامه طنز.

ص:۱۳۰

بخش ششم: محتوا

اشاره

بخش ششم: محتوا

مقصود از محتوا، پیام، معنا و مفهومی است که از مجموع منولوگ ها و دیالوگ ها و حرکات موجود در طنز به ذهن و روان مخاطب منتقل می شود. پیام گاهی به بعد بینشی انسان مربوط می شود و بر افکار او تأثیر می گذارد و گاهی با بعد گرایشی انسان ارتباط می یابد و بر انگیزه و عمل او تأثیر می گذارد. پیام به منزله روح و جانِ طنز است؛ چنان که مجموعه حرکات و سکنات و ابزار و روش ها و قالب ها و... به منزله جسم و تن آن است. باید در طنزها بین روح و جسم هماهنگی، تناسب و هم آرایی باشد. نمی توان در یک طنز، محتوای کاملاً دینی قالب و روش وارداتی و نامأنوس با مسائل دینی ارائه داد. چون این بی تناسبی، تأثیر منفی خواهد داشت. همچنین نمی توان بخشی از محتوا را از دین و مسائل موافق با روح شریعت برگرفت و بخشی دیگر را از روحِ خود بیگانه و خودباخته فرهنگ غربی؛ چون محصولی به دست می آید که در درون خود تناقض خواهد داشت. مسئله هماهنگی قالب و پیام، نه تنها در طنز، بلکه در تمامی برنامه های صدا و سیما قابل توجه است، ولی در طنز به این دلیل که از ظرافت و حساسیت بیشتری برخوردار است و مخاطبان بیشتری را جذب می کند، اهمیت ویژه ای می یابد.

ص:۱۳۱

البته بایـد گفت در ارزش گـذاری میـان جسم و روح یـک شـی ء همـواره این روح است که اصـل قرار می گیرد و جسم تنها مرکب روح است. در طنز نیز آنچه مهم تر است، پیام و محتوایی است که به مخاطب منتقل می شود و اگر در طنزهای صـدا و سیمـا یکی از این دو را فـدای دیگری کنیم، این قالب و جسم طنز است که بایـد فـدای پیام و روح آن شود؛ زیرا در هر دینی، اعتبـار سوژه و قالب و هنرمنـد نیز به اعتبار محتوا بسـتگی دارد. ازاین رو، بحث از محتوای طنز، هم برای نویسـندگان طنز و هم برای تولید کنندگان و کارگردانان و هم برای تماشاگران و شنوندگان اهمیّت بسیار دارد.

محتوای طنز شامل مطالبی درباره سوژه مورد نظر است. این مطالب که به مخاطب منتقل می شود، زاییـده افکار و تخیلات طنز پردازان است. با بررسی محتوای و شناخت عوامل تشکیل دهنده آن در می یابیم، که در هر طنز بخشی از محتوا را حس جامعه شنـاختی و روان شـناختی طنزپرداز می سـازد و بخشـی دیگر را افکـار و باورهـایی که طنز پردازان به آن معتقـد و پای بندنـد. بخش سـوم محتـوا را نیز اخلاق و آداب و رسوم و بایـد و نبایـدهایی که آنهـا برای خود ترسـیم کرده انـد، تشـکیل می دهـد. چهـارمین بخش محتوا نیز به دیـدگاه هـای طنزپرداز دربـاره هنر و کـار هنری، به ویژه خود طنز، باز می گردد. بنابراین، پیام یا پیام های طنز در صدا و سـیما صـرفا در یک انتقاد ساده خلاصه نمی شود، بلکه هر حرکت و سـکون و قول و فعلی برگرفته از ذهنیّت و مبانی و اصول خاصّی است که طنزپرداز دارد.

پیام طنز در یک تقسیم بندی دوگونه است:

۱. پیام مخفی یا مستتر: این گونه پیام ها در ضمن پیام های آشکار ارائه

می شوند.

۲. پیـام آشـکاریا ظاهر: این گونه پیام، شـفّاف و روشن است و مخاطب به آسانی آن را دریافت می کنـد. هر دو گونه پیام می تواننـد به دو صورت مثبت یا منفی مطرح شوند. از نگاهی دیگر، پیام طنز از سه حالت خارج نیست. این پیام یا به صورت یک مسـئله ایـدئولوژیک ارائه می شود، ماننـد نقـد اعتقـاد به فـال بینی؛ و یـا یک پیام اخلاقی و مربوط به آداب و رسوم و فرهنگ است مانند زشت بودن چشم و هم چشـمی؛ و یا پیامی فقهی _ حقوقی است، مانند نقد تبلیغاتِ کاندیداتوری و یا نقد روزنامه های زرد که در سـریال بدون شـرح مشاهده شد. هدف ما در این بخش این است که چارچوب هایی برای محتوای طنز در سه بخش اعتقـادی، اخلاـقی و فقهی مشـخص کنیم تـا از ارائه محتوای سـلیقه ای از دین و معنویـات پرهیز شود و برنـامه سـازان با توجّه به این حد و مرزها، محتوای طنز و پیام هایی را که باید ارائه شود، تنظیم و ارزیابی کنند.

پیام طنز

پیام مخفی

پیام آشکار

پیام اجتماعی

پیام اخلاقی و...

ص:۱۳۳

پیام فقهی و...

نمودار (۱ ـ ۶) پیام طنز و انواع آن با توجه به معارف اسلامی

۱. پیام اعتقادی

اشاره

۱. پیام اعتقادی

[رادیو و] تلویزیون به عنوان وسیله ای برای شکل دادن به افکار عمومی، با زیر پوشش قرار دادن معضلات اجتماعی و مسائل مربوط به سیاست داخلی و خارجی و همچنین با عرضه برنامه های تفریحی و نمایشی اش نقش خود را می نمایاند. بدون توجه به نوع برنامه ای که از تلویزیون پخش می شود... این وسیله ارتباطی در هر حال ملزم به ارائه یک پیام ایدئولوژیک است.(۱)

تأثیر اعتقادی پیام ها بیش از هر نکته دیگری دارای اهمیت است. هر سخن و هر حرکت و نمایشی اثر اعتقادی دارد؛ زیرا همواره افکار پشتوانه اعمال بوده و اعمال نتیجه افکار است. رابطه اعتقاد و عمل، رابطه ای دوجانبه است و ضعف و قدرت یکی بر دیگری تأثیر می گذارد.

باید زندگی و مسایل حیات بشری را از گذرگاه «عقیده» تصویر کرد. این، رسالت هنر مکتبی است. چهار راه جدایی هنر اسلامی از هنرهای دیگر همین جاست. هنر اروپایی و آثار هنری غرب زدگان، خالی از محتوای «عقیده»

ص:۱۳۴

۱- ن. س. بیریوکف، تلویزیون و دکترین های آن، ترجمه: محمد حفاظی، ص ۱۱۳.

است.(۱)

رسانه های جمعی و به ویژه رادیو و تلویزیون با ارتباط عمیقی که با مخاطب پیدا می کنند، آثار فکری و عملی بسیار بر او می گذارند. اگر طنزپرداز، آثار فکری و عقیدتی اثر خویش را نداند و طنز بدون توجه به مسئله باورها و یا با توجه به باورهای منفی و ضد دینی و ضد انسانی به اجرا درآید، باید منتظر پی آمدهای اسفبار این مسئله باشیم. بنابراین، باید اصول مورد ملاحظه در اعتقادات را در طنز بیان کنیم تا طنز پردازان بیشتر با وظایف خطیر خود آشنا شده و با چشمانی بازتر کار خود را پی بگیرند.

الف) آگاهی از آثار روانی و اعتقادی اثر

الف) آگاهی از آثار روانی و اعتقادی اثر

آثار هنری از آنجا که با روان و بعد زیبایی شناختی فرد در ارتباطند، ناخودآگاه با بعد متافزیکی و اعتقادی نیز مربوط شوند. هر اثر هنری افزون بر ایجاد احساسی در مخاطب خود، نوعی فکر اعتقادی را آگاهانه یا ناآگاهانه بر مخاطب تحمیل می کند. طنزپرداز متعهد باید این گونه آثار را بشناسد و با روانکاوی و روان شناسی دقیق اعتقادات درست و خطا را نیز به خوبی باز شناسد و در طنز خویش جانب اعتقادات صحیح را بگیرد و محتوای دینی پرورش دهد. نویسنده ای که خطوط فکری اسلام را به خوبی نمی داند و حد و مرزها را نمی شناسد، به یقین نمی تواند در طنز خود خواسته اسلام را به نمایش بگذارد. عقاید و آگاهی های طنز نویس درباره فلسفه دین (دین شناسی) که ماهیت دین و چیستی آن را بررسی می کند و بحث هایی مانند

۱- جواد محدّثی، همان، ص ۱۲۶.

سکولاریسم، پلورالیسم و... که از جمله مباحث آن است ــ در طنزها و همه مسائل هنری تعیین کننده است. فردی که سکولار است و گستره دین را محدود به حوزه فردی می داند و برای دین در صحنه سیاست نقشی قائل نیست، یا اینکه قائل هست، ولی اطلاعات کافی از دین سیاسی و سیاست ندارد، به آسانی می تواند دین سکولار را تبلیغ کند.

متأسفانه برخی از برنامه ها در صدا و سیما اگر چه به ظاهر دینی به نظر می رسد، یا اینکه دست کم ضد دینی به نظر نمی آید، ولی کاملاً ویرانگر بوده و پی آمدهای بسیار منفی در برداشتِ از دین و نگاه به آن به دست مخاطب می دهد. برای نمونه، در بیشتر برنامه هایی که جلوه هایی از دین در آنها دیده می شود، تنها به نماز و روزه و دعا، آن هم در شکل فردی اش بسنده می شود؛ گو اینکه دین چیزی جز عبادت مصطلح نیست و هرکس نماز بخواند و روزه بگیرد، مسلمان کامل است. حال آنکه دین، حقیقتی است که گستره زندگی بشر را به طور کامل دربرمی گیرد. این گونه برنامه ها نادانسته یا ناخواسته تأثیر منفی بر مخاطب می گذارند و او را به سمت عقیده به دین مضیق و محدود در حوزه فرد فرا می خوانند. اگر تحقیق میدانی ساده در این زمینه در میان عامه مردم صورت گیرد، این امر به روشنی دیده خواهد شد. برنامه های صدا و سیما به ویژه برنامه های طنز که علاقمندان بسیاری دارند در پیدایش این گونه افکار نقش مؤثری داشته اند. از جمله مسائل اعتقادی دیگر، جبر و اختیار و عدل الهی و اعتقاد به توحید و رزاقیت و صفات دیگر الهی است که در هنر نمود بیشتری یافته است. این مسائل نیز به صورت ناخودآگاه، شکل منفی به خود گرفته و در قالبی غیر اسلامی مطرح می شود. اعتقاد به نبوت

، غیب، ملائکه، عالم برزخ، جن، امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف ، معاد، بهشت و جهنم، وحی و الهام و بسیاری باورهای دیگر، در معرض این خطرند. تولید کنندگان فلیم های سینمایی در داخل کشور و طنزپردازان، به علت نداشتن آشنایی صحیح و کافی با موارد فوق، سلیقه ای عمل کرده و به جای دفاع از عقاید سالم و مفید اسلام، عقاید شخصی خویش یا گروه یا فردی خاص را به نمایش می گذارند و ترویج می دهند. البته این ترویج در طنز آشکار نیست، بلکه پنهان است. هنگامی که در یک سریال صد قسمتی، هیچ نامی از خدا و پیغمبر و مقدسات برده نمی شود و هیچ احساسی به مخاطب درباره دیندار بودنِ بازیگران دست نمی دهد، می توان گفت این طنز اگر تیشه بر ریشه اعتقادات اسلامی هم نزند، با آنها هم نیست.

از جمله عقاید مهم تشیع که پس از انقلاب کار هنری چندانی روی آن انجام نگرفته یا اینکه بسیار کم انجام گرفته است، عقیده به مرجعیت و به ویژه ولایت فقیه است. این هم بیشتر به سبب کم اطلاعی طنزپردازان متعهد بوده است. البته مقصود این نیست که در این موضوع طنز بسازند، بلکه فردی که در این جامعه زندگی می کند و باید تابع ولی فقیه خود باشد، در یک سریال طنز، باید اثری از این اعتقاد، هرچند به صورت پنهان و در لابه لای رفتار و گفتار او، موجود باشد.

متأسفانه آنچه رواج یافته این است که در تهیه یک گزارش، یا ساختن یک فیلم یا نوشتن یک داستان، گزارشگر یا فیلمساز یا داستان نویس فکر می کند که اگر اثر را با «بسم اللّه» شروع کند و یا فیلم را با تصویری از امام، یا نشان دادن صحنه ای از نماز و مسجد و کعبه آغاز کند، یا در لابه لای

داستان، به طور مکرر آیه و حدیث بیاورد، اثر مکتبی و اسلامی شده است؛ در صورتی که چنین نیست، بلکه باید روح مکتب در تمامی زوایای قالب هنری دمیده شده باشد.(۱)

نکته دیگر اینکه با توجه به مطالب پیش گفته و نفوذ ناآگاهانه عقاید غیر اسلامی در طنزها، لزوم توجه به پیام اعتقادی بیشتر روشن می شود. ازاین رو، در طنزها نباید مسئله ای برخلاف عقاید ناب تشیع عرضه شود. مگر اینکه هدف از طرح عقیده مخالف، نقد و رد آن عقیده باشد و طنز با محتوا و قالبی که دارد بتواند این رسالت خطیر را انجام دهد، ولی اگر افکار خلاف حق مطرح شود و پاسخ صحیح در رد و طرد آن مطرح نشود، خیانتی به اسلام و خدمتی به دشمنان اسلام تلقی می گردد. ازاین رو، عقاید اسلامی در زمینه خداوند، جهان، انسان، پیامبران، امامان معصوم علیهم السلام، قرآن کریم و کتاب های آسمانی دیگر، حکومت اسلامی، ولایت فقیه و... کاملاً مقدس و محترمند و هیچ برنامه ای اعم از طنز، حق ندارد مطلبی برخلاف این عقاید عنوان و مطرح کند؛ زیرا در تمامی دنیا چنین برنامه هایی کم و بیش ساخته می شود و تنها کشوری که حکومت رسمی شیعه دارد و از عقاید شیعه دفاع می کند، جمهوری اسلامی ایران است و تمامی سازمان ها و مراکز فرهنگی و تبلیغی که صدا و سیما از جمله آنهاست، وظیفه دارند باورهای ناب اسلام و تشیع را تبلیغ کنند و از هرگونه مخالفت با آنها بپرهیزند.

۱- جواد محدثی، همان، ص ۱۳۷.

در هر مکتبی بایـد حقیقت عقیـده، به طـور دائم، حضـور محسوس داشـته باشـد و هنر، موجودیت خود را در مکتب، از طریق حقایق حیات و هستی، آن هم از دیدگاه عقیده بگیرد و اثبات کند و ترسیم نماید.

نکته سوم این است که طنز نبایـد در مردم نسـبت به معارف اسـلامی بد بینی ایجاد کند. عملکرد ما در زندگی ترویج عقاید ما است. اگر در تبلیغ دین و نمـایش چهره آن، افراط و تفریط در کار باشـد و حـد تعادل رعایت نشود، چهره دین قبیـح و زشـت می نمایـد. همان کاری که سـردمداران مسـیحی با خود و در واقع با دین خود کردند. در عصـر رنسانس که با نوزایی فکری و علمی و دینی و سیاسـی همراه شـده بود، ارباب کلیسا با خشونت و زور به تحمیل عقاید خویش بر مردم می پرداختند و پس از گذشت چند قرن، موضع انفعالی در پیش گرفتند و دین را از صـحنه سیاسی خارج ساختند و منحصر در حوزه فردی و اخلاقی کردنـد (تفریط). در هر دو موضع به ضـرر مسـیحیت تمام شد و چهره ای ناهموار از این دین ارائه کرد. بنابراین، طنز که نوعی عملکرد را نقد می کند و نوعی دیگر از عملکرد را به نمایش می گذارد، در واقع در پشت این افعال، الفاظ، عقاید و بینش ها نهفته است و مخاطب با بررسـی آنها نسبت به آن شخص و افکار او داوری می کند. پس نباید او را در موضعی قرار دهیم که داوریِ خطا کند و نسبت به دین و آموزه های دینی بد بین شود.

ب) ترویج نکردن مکتب ها و ایسم های ضد دینی

ب) ترویج نکردن مکتب ها و ایسم های ضد دینی

جهان کنونی شاهد حکومت های اسـتبدادی در تمامی اشـکال خود، فساد و فقر و تباهی در هر شـکل ممکن و افکار و مکتب های منفی و مثبت می باشد. از مکتب های فکری و فلسفی مانند پوزیتیویسم (حس گرایی) ماتریالیسم

(مادی گرایی) و ایـده الیسم مـدرن و انـدیشه های مدرنیسم و پست مدرن گرفته تا ادیان مختلف شـرقی و غربی و مکتب های سیاسـی و اقتصادی و حقوقی و هنری متفاوت، انـدیشه و ذهن مردمان جهان را به خود مشـغول کرده انـد. ترویج این مکتب ها در هر شـکل و لباسـی بـا آموزه هـای نـاب اسـلام منافـات دارد. طنز نبایـد مکتب هـای منفی را مثبت جلوه دهـد؛ بلکه با نگاه انتقـادی، ضـعف ها و عـدم کارآیی آنها را در صـحنه های فردی و اجتماعی مورد توجه قرار دهـد. برای مثال، سـکولاریسم و پلورالیسم دینی و لیبرالیسم و... را که خطرهـایی جـدی برای کشور و دین به حسـاب می آینـد به نقـد کشـد و ضـعف آنهـا را آشـکار سازد. در طنز «پاورچین» به واژگانیماننـد ایده الیسم، هگل، کانت و هرمنوتیک بسـیار اشاره می شد؛ به ویژه از زبان «طغرل» که مناسبتی با اخلاق و رفتار وی نداشت. بیشتر بینندگان که هیچ گونه اطلاعی از این مکتب ها ندارند گمان می کنند اینها مطالب خوبی هسـتند و در پی تقلیـد برمی آیند. حال آنکه عالمان مسـلمان، مکتب های ایده آلیسم فلسـفی و هرمنوتیک فلسفی و حتی برخی دیدگاه های زیبایی شناختی غرب را نقد کرده اند.

ج) طرح مسائل متعالی هستی در طنزها

ج) طرح مسائل متعالی هستی در طنزها

موضوع مهم دیگر درباره طنزهای کنونی این است که خبری از خدا و معنویات در برنامه ها یافت نمی شود. البته منظور ما این نیست که از این پس در برنـامه هـای طنز، به جای خنـده و شوخی، اذان بگوینـد و نماز بخواننـد و...، بلکه منظور این است که دیـن، هم بعـد عزاداری و گریه دارد و هم بعـد خنـده و شـادی که هر دو بعـد برای انسـان لازم و ضـروری است. خداونـد نیز صفات

ص:۱۴۰

جمـال و جلال دارد و از جمله جاهـایی که می توان صـفات جمـال خداونـد را به صورتی ملموس تر تـبیین کرد و نشـان داد، برنـامه هـای طنز است. گره زدن شادی ها با امیـد به خداونـد و راضـی شـدن از او و دوست داشـتن او و شـرکت دادن دین در شادی ها، همانند غم ها، موضوعی است که طنزپردازان باید توجه بیشتری به آن داشته باشند.

خدایی که بیشتر افراد با آن سر و کار دارند، خدای سختی ها و بلاها و ناخوشی هاست که هر وقت گرفتار شدند و دستشان از همه جا کوتاه شد، تازه به یاد او می افتند؛ در حالی که در اوج شادی نیز باید به یاد خدا بود و او را حمد و سپاس گفت؛ زیرا که نعمت خنـده و شادی و آرامش را نیز او به انسان می دهـد وشـکر این نعمت آن است که در اوج شادی و سـرور، انسان به یاد داشـته باشد که چه خدای مهربانی دارد. این مطلب می تواند به صورت صریح یا در ضمن گفتارها و رفتارهای طنزپردازان پنهان شود و به مخاطب بیاموزد که شادی نیز از جلوه ها و زیبایی های هستی است که برگرفته از ذات مقدس اوست.

از آنجا که نویسـندگان طنز و طنزپردازان ما هم از لحاظ علمی و تخصّصـی و هم از لحاظ ایمانی و گرایشی، باورهای اسلامی را به خوبی درک نکرده اند، مشکلات اساسی در این باره در طنزها به وجود می آید که به موارد کلان آن اشاره شد. حال به برخی موارد جزیی تر می پردازیم:

۱. اسـتفاده از الفـاظ نامنـاسب دربـاره دین و ارزش هـای دینی: برای مثال، واژه «اوسـتا کریم» که در برخی برنامه های صـدا و سیما به کار می رود، گرچه در نگاه اولیه نوعی یادآوری خداوند به شمار می آید، ولی با کمی دقت

می بینیم این واژه به تخریب جایگاه خداوند در ذهن و قلب مخاطب می انجامد؛ گو اینکه خداوند نیز همچون «اوستا فلان» است که همه او را می شناسند و اهمیت ویژه ای ندارد (نعوذ باللّه).

۲. شوخی با مقدّسات دینی: مانند آنچه که در سریال «خوش رکاب» به رغم جنبه های مثبت آن دیده می شد. شوخی کردن با زیارت ها و توسّل و یا نذر و صدقه دادن و قیاس خوش رکاب با ذوالجناح امام حسین علیه السلام و همچنین بیان لطیفه درباره صلوات از زبان یکی از رانندگان از جمله مواردی بود که در این سریال به چشم می خورد و با آنچه در ملاک های محتوا و موضوع طنز گفتیم، ناسازگار است.

۳. بی توجهی به ارزش های اسلامی در طنزها: در طنزهای کنونی اگر روسری خانم ها را برداریم، هیچ نماد و نمودی از مسلمان بودنِ افرادِ طنز پرداز (بازیگران) به چشم نمی خورد. آیا واقعا ما نمی خواهیم به ارزش ها توجه کنیم یا نمی توانیم؟ درست است که آمیختن ارزش های اسلامی با طنز و هر برنامه تصویری دیگر کار مشکلی است، ولی این به معنای نتوانستن نیست. ما می توانیم با برنامه ریزهای صحیح و دقیق و دراز مدت به مرور ارزش های دینی و الهی را با طنزها بیامیزیم.

۲. پیام اخلاقی و آدابی

اشاره

۲. پیام اخلاقی و آدابی

زیر فصل ها

الف) آداب اسلامی

ب) اخلاق اسلامی

ج) نمونه هایی از آداب و رسوم و اخلاقیات مطرح در طنزهای کنونی

الف) آداب اسلامی

اشاره

الف) آداب اسلامی

آداب اسلامی مجموعه کارهای شایسته در زندگی است که زینت عمل است. مناسب ترین نوع راه رفتن، غذا خوردن، خوابیدن، صحبت کردن، تربیت فرزند، همسرداری، روابط اجتماعی، خندیدن، پوشش و تمامی

کارهایی که فرد در شبانه روز انجام می دهد، همگی در آداب اسلامی عرضه می شود. ازاین رو، با یک نگاه، طنز و شوخی نیز آدابی دارد و از سوی دیگر آداب اسلامی هم ممکن است مورد طنز قرار بگیرد. پس باید شرایط این نوع طنزها نیز مشخص شود تا تصویری جامع تر از طنز اسلامی به دست آوریم:

یک _ مسخره نکردن آداب اسلامی

یک _ مسخره نکردن آداب اسلامی

در طنز معمولاً به شخص یا عملی یا چیزی می خندند و این باعث بی اهمیت و سست شدن شخص یا آن عمل می شود.

بنابراین، اگر شخص یا عمل، از اهمیتی خاص یا تقدسی برخوردار باشد، با خنده ای که به آن می کنیم، در واقع تقدس آن را از بین برده و حالت تمسخر به آن می دهیم و چنین کاری نباید درباره آداب اسلامی صورت بگیرد. آدابی که اسلام به رعایت آنها توصیه کرده است، نباید به شکلی در طنز مطرح شود که مایه وهن و سبکی دین و خندیدن مخاطب به آن باشد، بلکه به عکس، طنز باید وسیله ای برای تبلیغ و زیبا نمایاندن آداب اسلامی باشد و به جذابیت آن بیفزاید. متأسفانه، طنزهای کنونی صدا و سیما در این موضوع بسیار بی تفاوت بوده اند. نوع زندگی مطرح شده در طنز معاصر، آدابی را تبلیغ می کند که سلام کردن، نشست و برخاست و آرایش سر و صورت مدل هایی است که با روح اسلامی تولید نمی شود و این به نوعی تمسخر آداب اسلامی است. دیگر آداب اسلامی نیز به همین صورت است. خوردن و آشامیدنی که اسلام توصیه می کند و پوشش و رفتار ظاهری و ارتباطات خانوادگی و اجتماعی و آداب فردی که در کتاب های تربیتی و آداب اسلامی به آنها اشاره شده است، نباید وسیله ای برای خنده مردم بر

سنت های اسلامی باشد. طنزپرداز وظیفه دارد آداب اسلام را به خوبی بشناسد و در سرتاسر طنز خود، به ترویج و زیبا جلوه دادن آنها بپردازد و ماهیت ناشایست آداب غیراسلامی را به مخاطبان نشان دهد.

دو _ تعارض نداشتن با آداب اسلامی

دو _ تعارض نداشتن با آداب اسلامی

اگر طنز در تعارض با آداب اسلامی باشد جایز نیست. توضیح اینکه گاهی در طنز از آداب غیراسلامی استفاده می شود، ولی تعارضی با آداب اسلامی ندارد و آن را نفی نمی کند و باطل نمی شمارد؛ مانند آداب رفتارهای عادی زندگی که در همه جای دنیا شبیه به هم یا با کمی تفاوت وجود دارد. این گونه از آداب هیچ اشکالی ندارد و منافاتی با دین نمی یابد، ولی گاهی در طنز آداب و رفتاری وجود دارد که برخلاف آداب اسلامی است؛ مانند بی احترامی به بزرگ ترها، حکمرانی زن در منزل (فمنیسم)، پوشش و آرایش ضد اسلامی، گفت وگوی منافی عفت و... ارائه این عنوان ها افزون بر اینکه ترویج باطل است، از مصادیق امر به منکر و نهی از معروف و ایجاد بدبینی به اسلام نیز هست و به یقین حرام است. کسی که این گونه طنزها را دانسته تهیه می کند، در جبهه نفاق است و هرکس ندانسته بدان دامن بزند، نزد خداوند به سبب قصور یا تقصیر که در ناآگاهی از آداب اسلامی دارد مؤاخذه خواهد شد.

ب) اخلاق اسلامی

اشاره

ب) اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی مجموعه صفات درونی، مانند شجاعت، صبر، حسن ظن، عفت، صداقت، تواضع، غیرت، جوان مردی، عدل، احسان، همدردی، توکل، رضا، شکر، خیرخواهی، کار و تلاش مفید و سالم و... است که همگی زینت

ص:۱۴۴

نفس انسانند. در برابر این اخلاق، ترس، سوء ظن، بخل، حسد، تکبر، ظلم، کینه، خشونت و... قرار دارد که در منابع دینی از آنها نهی شده است. طنز باید اصولی را نسبت به اخلاق اسلامی رعایت کند:

یک _ طنزهای غفلت آور، نامطلوب است

یک _ طنزهای غفلت آور، نامطلوب است

جامعه اسلامی باید جامعه ای شاداب، پویا و عقل گرا باشد و انس و الفت عمیق با معنویات برقرار کند. ازاین رو، هر عاملی که محوریت عقل و ایمان و اندیشه را خدشه دار می سازد و انسان را به وادی غفلت می کشاند، از نظر اسلام، نامطلوب و دارای اشکال است. طنز نیز اگر به گونه ای باشد که جامعه اسلامی را از خود آگاهی سیاسی و اجتماعی و فردی برهاند و به وادی تخیلات و لودگی های پر از غفلت وارد سازد، یقینا منفی و نامطلوب خواهد بود. به همین سبب است که در منابع روایی ما از خنده بیش از اندازه و قهقهه که غفلت آورند، منع شده است.

دو _ طنز نباید صفات زشت اخلاقی را تقویت کند

دو _ طنز نباید صفات زشت اخلاقی را تقویت کند

اگر طنز موجب شود اخلاق فاسد در مخاطب به وجود آید یا تقویت گردد و جایگزین اوصاف خوب شود، به یقین به سمت غیر اسلامی بودن حرکت کرده است. این کار به این صورت خواهد بود که در طنز یکی از رذایل اخلاقی مانند دروغ گفتن، زیاد لوث شود و قبح آن زایل گردد. در این صورت، نه تنها کودکان ما در خانه از دروغ گفتن بدشان نمی آید، بلکه آن را نوعی سرگرمی و تفریح برای اوقات بی کاری خواهد دانست. هنر در قبال ارزش های اخلاقی نیز باید تعهد داشته باشد تا ارزشمند باشد.

آنها که اخلاق را سد راه هنر می دانند یا درکشان از هنر نادرست است، یا از

اخلاق و یا از هر دو. اخلاق جاده هنر است و تکنیک مرکب هنرمند. برخی با ماشین آخرین سیستم در جاده های سنگلاخ و مال رو می رانند و برخی سوار بر الاغ، در اتوبان می تازند.(۱)

ج) نمونه هایی از آداب و رسوم و اخلاقیات مطرح در طنزهای کنونی

اشاره

ج) نمونه هایی از آداب و رسوم و اخلاقیات مطرح در طنزهای کنونی

به رغم اینکه جامعه ما، جامعه دینی و دارای آداب و رسوم ویژه اسلامی است، ولی گویی نویسندگان طنز و بازیگران و... از بسیاری از این آداب و رسوم آگاه نیستند.

یک _ نامگذاری

یک _ نامگذاری

از جمله مسائل مهمی که در سریال های طنز، به ویژه در سال های اخیر به چشم می خورد، استفاده از نام های نامناسب و غیر مربوط با فرهنگ اسلامی است؛ نام هایی چون کاووسی؛ خشایار، فریدون، آرش، ملوک السلطنه، بهروز، مهران و... در نقش های برجسته سریال های طنز، نه تنها باعث دلزدگی مخاطب نسبت به این نام ها نمی شود، بلکه بر شمار علاقه مندان به این نام ها با توجه به شخصیت جذابی که بازیگران آن دارند افزوده می شود و همین خطر بزرگی برای فرهنگ نام گذاری اسلامی است. گرچه به دلیل ماهیت طنز، نمی توان از نام های اشخاص مقدس استفاده کرد اما می توان با گزینش راهی معتدل که نه افراط باشد و نه تفریط.

در نقش های برجسته سریال های طنز، نه تنها باعث دلزدگی مخاطب نسبت به این نام ها نمی شود، بلکه بر شمار علاقه مندان به این نام ها با توجه

۱- جواد محدثی، همان، ص ۱۲۶.

به شخصیّت جذابی که بازیگران آن دارند افزوده می شود و همین خطر بزرگی برای فرهنگ نامگذاری اسلامی است. گرچه به دلیل ماهیت طنز، نمی توان از نام های اشخاص مقدس استفاده کرد، ولی می توان با گزینش راهی معتدل که نه افراط باشد و نه تفریط این معضل را حل کرد.

دو ـ نمایش صحنه های مشمئز کننده

دو ـ نمایش صحنه های مشمئز کننده

در رسانه ملّی نباید هر حرکت و عملی نشان داده شود. به ویژه صحنه هایی که مشمئز کننده اند و حالت روانی مخاطب را به هم می زنند؛ مانند آب دهان انداختن و پاک کردن آب بینی و.... در سریال «کوچه اقاقیا» و در جلسه خواستگاری که عروس و داماد باهم صحبت می کنند، بازیگر نقش داماد، دست در گوش خود می کند و سپس آن را بیرون می آورد و جلوی بینی خود می آورد و می گوید: «اَه اَه جه بوی بدی می دهد.» این چه پیامی برای شنونده جز مشمئز کردن روان و او تأثیر گذاری منفی در کودکان خواهد داشت؟!

سه ـ استفاده از عبارت ها و اصطلاحات غربی

سه ـ استفاده از عبارت ها و اصطلاحات غربی

بهره گیری از واژگان انگلیسی در احوال پرسی ها و نوع احوال پرسی غربی که زن و مرد به راحتی مقابل یکدیگر می ایستند و همچون یک زن و شوهر با هم احوالپرسی می کنند، متأسفانه در اغلب طنزها به چشم می خورد. در سریال «نقطه چین» زن بامشاد، بی مورد، واژه های انگلیسی را بسیار به کار می برد.

چهار ـ بی قیدانگاری روابط زن و مرد در تمامی طنزها

چهار ـ بی قیدانگاری روابط زن و مرد در تمامی طنزها

در تمامی طنزها صحنه به صورتی طراحی می شود که زن و مرد نامحرم

مجبورنـد در یک اتاق باشـند. همسایه ها با یکـدیگر و دوسـتان زن و مرد، همگی در یک محل تجمع می کنند و بگو و بخند دارنـد. این مـدل از صـحنه پردازی، برگرفته از الگوهـای غربی است و هیـچ اثری از فرهنـگ اسـلامی در آن دیـده نمی شود. مطـابق فرهنـگ اسـلامی، خـانم هـا و آقایان در جمع های جـداگانه می تواننـد با یکـدیگر نشـست و برخاست داشـته باشـند و هرکـدام در جمع خود شوخی هـایی سـالم داشـته باشـند، نه اینکه همه در یـک جا بنشـینند و زن و مرد نامحرم باهم به راحتی بگوینـد و بخندنـد. این مسـئله در ترویج این فرهنگ در جامعه بسـیار مؤثر بوده است و برخی خانواده ها ازاین روش ها پیروی می کنند.

پنج ـ اسراف گرایی در طنزها

پنج ـ اسراف گرایی در طنزها

حیف و میل غذاها، پوشـیدن انواع لباس ها و اسـتفاده از اتومبیل های گوناگون و بی توجهی به فرهنگ مصرفِ بدون اسراف، موضوعی است که در طنزها به چشم می خورد. ترویج فرهنگ اسـراف و چشم و هم چشـمی، که اسراف را افزایش می دهد، سبب شـده است مخاطبان به لباس های گوناگون، وسایل زندگی گوناگون، غذاهای گوناگون و... بیندیشـند و همین فرهنگ جامعه را با مشکلات جدی روبه رو کرده است.

بیشتر برنامه های سـیما، در این باره سـهیم انـد. همه طنزها می تواننـد هماننـد «بـدون شـرح» از لحاظ دوری از اسـراف و بدون هزینه های گزاف، کاری مناسب ارائه دهند.

شش ـ استفاده از الفاظ بی ادبانه

شش ـ استفاده از الفاظ بی ادبانه

متأسفانه در برخی طنزها در برنامه های صدا و سیما از عبارت هایی

ص:۱۴۸

استفاده می شد که به هیچ وجه در شأن رسانه ملّی با گستره مخاطبان فراگیر آن نیست. امروزه در بیشتر برنامه های صدا و سیما به کار بردن لفظ «خر» یا «الاغ» برای خود یا دیگران امری عادی است. در سریال «روشن تر از خاموشی» بازیگر نقش «شاه عباس» به هر مناسبتی یکی از الفاظ «کوپیوغلو» به معنای سگ زاده یا «اشک اوغلو» به معنای الاغ زاده را به کار می برد که این افزون بر اهانت به زبان ترکی که آن را زبان فحش معرفی می کند، باعث آثار سوء تربیتی برای فرزندان ترک زبان ها نیز می شود.

هفت ـ تمسخر و لقب گذاری

هفت ـ تمسخر و لقب گذاری

در سریال های طنز، معمولاً به جای صدا زدن با نام، از لقب های زشت و زننده استفاده می کنند و این را یکی از ابزارهای اصلی برای خنداندن مردم می دانند. این امر باعث تشویق یا تحقیر سوژه در سریال و باعث تشویق مخاطب به بهره گیری از این نوع لقب گذاری ها می شود؛ مثلاً لقب هایی که به افراد لاغر، چاق، بلندقد، کوتاه قد، کچل و... داده می شود، به دور از ادب و نزاکت اسلامی است. این نوع لقب دادن ها، در طنزهایی چون: باغچه مینو، پاورچین، نقطه چین و... بسیار به چشم می خورد. در طنز «نقطه چین»، پشندی برای بامشاد که شکم بزرگی داشت، لقب «کدو تنبل» و... را به کار می برد.

هشت ـ ترویج سگ بازی

هشت ـ ترویج سگ بازی

در برخی از سریال های طنز، همراه داشتن سگ و سگ بازی که در جامعه ما در حال رواج است، مورد نقد قرار می گیرد، ولی صحنه ها به صورتی طراحی می شوند که جذابیّت سگ بازی و همراه داشتن آن را زیبا و دوست

داشتنی نشان می دهد و اشکالات و ضررهای آن را کم رنگ می کند. مانند آنچه در سریال «زیر آسمان شهر» دیدیم.

نه _ بی احترامی نسبت به بزرگ ترها

نه _ بی احترامی نسبت به بزرگ ترها

در برخی سریال های طنز به بزرگ ترها بی احترامی می شود. در سریال «بدون شرح» رامین، از کارکنان مجلّه و حمید، دلال و روزنامه فروش، مادرهای خود را با اسم کوچک یا فامیل صدا می زنند که کاملاً بی ادبانه و مغایر با شئونات اسلامی است.

ده _ نبود هیچ گونه اثری از آداب و رسوم اسلامی

ده _ نبود هیچ گونه اثری از آداب و رسوم اسلامی

در یک برنامه چندین ساعتی، اثری از آداب فردی و اجتماعی اسلام مانند احوال پرسی، نشست و برخاست، خوردن و خوابیدن، غذا خوردن و کار کردن و... دیده نمی شود و یا اگر هست بسیار کم رنگ است. اگر غیر مسلمانی به این طنزها نگاه کند، غیر از یک روسری که بر سر خانم هاست، تفاوتی بین خود و مسلمانان احساس نمی کند. گویا ما باید همه چیز خود را از دیگران بیاموزیم و بگیریم، در حالی که در اسلام برای تمام شئون زندگی دستورالعمل تعیین شده است. ما کتاب هایی درباره آداب اسلامی داریم که به ریزترین مسائل زندگی، مانند پوشیدن کفش و لباس و کوتاه کردن مو و نظافت و... نظر دارد و برای هر کار فردی یا اجتماعی، وظیفه و برنامه ای مشخص کرده است. باید از این همه جامعیت و زیبایی اسلام بهره برد.

۳. پیام فقهی و حقوقی

اشاره

۳. پیام فقهی و حقوقی

زیر فصل ها

الف) پرهیز از الگوهای منفی و وارداتی

ب) پرهیز از ترویج فرهنگ مصرف گرایی

ج) پرهیز از معارضه با سیاست داخلی و خارجی

د) پرهیز از ایجاد فاصله طبقاتی

ه) عدم ترویج فمنیسم

و) نمونه هایی از کاستی های فقهی و حقوقی در طنزها

الف) پرهیز از الگوهای منفی و وارداتی

الف) پرهیز از الگوهای منفی و وارداتی

ص:۱۵۰

از جمله بحث های مهم در جامعه شناسی، روان شناسی و تربیت، بحث الگوهاست. الگوهای هر جامعه سهم بسیار مؤثری در تعیین مسیر فکری و اجتماعی آن دارند. در منابع دینی ما در این باره مطالب بسیاری وجود دارد و به الگوهای رفتاری و فکری بسیار توجه شده است. قرآن کریم می فرماید:

لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب: ۲۱)

به یقین در پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است.

و در جای دیگر می فرماید:

قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللّهُ. (آل عمران: ۳۱)

بگو اگر خداوند را دوست می دارید پس از من (پیامبر خدا) پیروی کنید (تا) خداوند شما را دوست بدارد.

قرآن و روایات، پیامبر اکرم و اهل بیت پاکش علیهم السلام را الگوی کامل معرفی کرده اند. طنز مطلوب، طنزی است که الگوی کامل ارائه دهد و در مخاطب علاقه به الگوهای مثبت را افزایش دهد. طنزی که در آن فوتبالیست خارجی، هنرمند موسیقی دان، قهرمان افسانه ای و... شخصیت ممتاز و کاملی معرفی شود، طنز مطلوب نیست و جامعه را به سوی شخصیت زدگی کاذب هدایت می کند. چنان که در عمل این گونه شده است و اکنون الگوپذیری برخی جوانان، بیشتر از شخصیت های کاذب برخی افراد است. امروز اگر از یک دانش آموز، نام تمام تیم های فوتبال برتر دنیا و بازیکنان آنها را بپرسید، به خوبی پاسخ می دهد، ولی در شمارش نام امامان علیهم السلام ناتوان است. آیا این تهاجم فرهنگی و الگوپذیری منفی نیست.

هنر و طنز دوران طاغوت، سلطه فرهنگی و تسلیم در برابر تهاجم

فرهنگی بیگانگـان بود. سـلطه سیاسـی و نظـامی غرب و به ویژه امریکا بر حکومت پهلوی، سـلطه فرهنگی را نیز در پی داشت. مزدوران امریکا در ایران بسـیار کوشـیدند تا فرهنگ ضـد بشـری و ضـد دینی امریکایی وارد تمام خانه های ایرانیان شود و در این راه، برنامه های هنری ابزار بسـیار خوبی برای شـیوع این تهاجم و سـرعت بخشـیدن به آن بود. در این میان، هنرمنـدان باید یکی از دو راه را برمی گزیدند: تسـلیم یا انزوا. هنرمندی که می توانست با چشم تیزبین و موشـکاف خود حقایق را ببیند و آن را در کارگـاه معجزه آسای ذهن خلاّق خود، به شـکل بـدیعی درآورد و در منظر انسان ها بگـذارد، وقتی در واقعیّت زنـدگی جامعه خود می نگریست، آن را سـرشار از پوچی و فساد و سـتم و تجاوز و زحمت و نادانی و عصبیت های جاهلانه و خواسـته هـای پست و آرزوهـای خواب و خیـال گونه می یافت. پول و شـهوت جنسـی و عیش حیوانی را مرغوب ترین کالای آن نظام ارزشی می دید... شاعر و هنرمند مجبور بود یا تسلیم شود یا گوشه نشینی اختیار کند. بسیاری بودند که هر چند به دست سلطه گران بوسه نزدنـد، ولی عملاً غبار راه آنان را سـرمه چشم کردند(۱) و دانسـته یا ندانسـته فرهنگ منحط غرب را در میان مردم گسترش دادنـد که هنوز هم به خـاطر بقایـای این تهـاجم عظیم است که در داخـل کشور، بسـیاری از برنامه های فرهنگی نمی تواند اثر کافی داشته باشد. از جمله همین بقایای ناپاک، الگوپذیری افراطی و منفی از سوپرمن ها، فوق ستاره های سینما،

۱- هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴، صص ۲۶ _ ۳۴.

فوتبالیست ها و ورزشکاران مشهور و... است که متأسفانه برنامه های مختلف صدا و سیما به این مسئله دامن می زند. امروز سینمای ایران که به آرامی به «فیلم فارسی» زمان طاغوت نزدیک می شود، چه الگوهایی را توصیه می کند و جوانی که به آن نگاه می کند، می خواهد از چه کسی تقلید کند و مانند چه کسی شود.

متأسفانه طنزهای صدا و سیما هم در بحث الگودهی و تبلیغ الگوها دست کمی از سینمای جدید ایران ندارند و معلوم نیست بالأخره «پاورچین» و «باغچه مینو» و «نود شب» و «کوچه اقاقیا» و «نقطه چین» و... کدام الگوی مثبت را ترویج می کنند.

ب) پرهیز از ترویج فرهنگ مصرف گرایی

ب) پرهیز از ترویج فرهنگ مصرف گرایی

کشورهای صنعتی غرب در دوران طاغوت با نفوذ و سلطه فرهنگی در پی سلطه اقتصادی بودند. بنابراین، مدها و الگوهای خود را در قالب لوازم خانگی و لباس و ماشین و... در برنامه های رادیویی و تلویزیونی نمایش می دادند تا در کنار تغییر فرهنگ جامعه، به مصرف گرا شدن ایرانیان و بازار شدن ایران برای کالاهای خارجی و فروش همه فرآورده های خود نیز دست بیابند. در برنامه های تلویزیون نیز این وضعیت وجود داشت. لباسی که هنرمند می پوشید، غذایی که مصرف می شد، دکور و صحنه، خانه، ماشین و کلیه لوازمی که استفاده می کردند، به نوعی ترویج مصرف گرایی و تبلیغ اجناس خارجی بود. به یقین نتیجه چنین تبلیغاتی، روی آوردن مردم به این اجناس و علاقه شدید به آنها بود. این علاقه و گرایش که از آن زمان آغاز شده تا به امروز نیز ادامه دارد و اکنون نیز متأسفانه بسیاری از مردم جنس

ایران را نامرغوب و بی کیفیّت می دانند و همین امر، در تولید کنندگان و مصرف کنندگان داخلی تأثیر گذاشته است.

نتیجه طبیعی چنین حرکتی در عصر طاغوت، سلطه اقتصادی غرب بر پیکره در هم ریخته صنعت و تجارت کشور بود. بدین ترتیب، نبض اقتصادی کشور در دست امریکا و هم دستانش قرار گرفته بود و هنر وسیله ای بود در جهت خدمت به فرهنگ و اقتصاد غرب و ویران کردن اقتصاد کشور، ولی اکنون که اقتصاد کشور، خود را باز می یابد و تولید داخلی در اندازه ای است که پاسخ نیاز مصرف کننده داخلی را می دهد، نباید در طنزها و هر برنامه دیگر اجناس خارجی ترویج و تبلیغ شود. چرا باید در برنامه طنز «نقطه چین» فقط ماشین های خارجی سوار شوند و از خودروی ملی و... استفاده نکنند. وقتی جامعه این گونه پیش می رود که با دیدن یک طنزپرداز در پشت فرمان اتومبیل خارجی، مردم به خرید آن تشویق می شوند، اینجا دو مشکل رخ نموده است: یکی اینکه مردم مشکل مصرف گرایی و الگوپذیری کاذب یافته اند و دیگر اینکه به استفاده از جنس خارجی تشویق شده است. طنزها باید تلاش کنند هر دو جنبه را در تعادل نگه دارند.

ج) پرهیز از معارضه با سیاست داخلی و خارجی

ج) پرهیز از معارضه با سیاست داخلی و خارجی

در حکومت اسلامی که نماد اجرایی و عملی دین است، سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است. سیاست داخلی و خارجی حکومت اسلامی، فرهنگ، هنر، جنگ، اقتصاد، تعلیم و تربیت، تبلیغات و... همگی برگرفته از قرآن کریم و سنّت معصومین علیهم السلام و عقلِ برهانی است. ازاین رو، این سیاست نیز همانند دیانت، دارای تقدّس خواهد شد و هر چیزی که در تعارض با آن باشد در تعارض با دین است. طنز با توجه به قدرت فوق العاده ای که در

ص:۱۵۴

انتقاد و بزرگ نمایی عیب ها دارد، نباید به تضعیف سیاست حکومت اسلامی بپردازد و آن را ناکارآمد جلوه دهد؛ مگر اینکه اتخاذ سیاستی در یک مسئله خاص، سیاست اشتباهی باشد که در این صورت می توان آن را مورد نقد قرار داد. سیاست داخلی کشور درباره وحدت جامعه، پیروی از ولایت، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و... همگی باید در طنزها در نظر گرفته شود و مبارزه با استکبار جهانی و تهاجم فرهنگی و باج ندادن به امریکا و هم دستانش و نبرد با صهیونیسم و... از جمله سیاست های خارجی است که طنزها نیز به نوبه خود وظیفه دارند آن را به شکلی دیگر به گوش مردم برسانند. با اینکه یکی از وظایف طنز، نقد معضلات اجتماعی است که با سیاست و حکومت به طور کامل در ارتباطند، ولی متأسفانه طنزهای اخیر صدا و سیما توجهی به این گونه موضوع ها نداشته اند؛ مگر برخی از آنها مانند «بدون شرح» که موضوعی قابل توجه و جدید ارائه داد؛ گرچه در چگونگی ارائه مشکل داشت، ولی به هر حال سخن تازه ای داشت.

د) پرهیز از ایجاد فاصله طبقاتی

د) پرهیز از ایجاد فاصله طبقاتی

از جمله مسائلی که دین اسلام بسیار بر آن تأکید کرده و از سیاست های داخلی حکومت اسلامی است، عدالت اجتماعی و از میان بردن تبعیض و اختلاف طبقاتی است. خداوند در سوره حدید می فرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْميزانَ لِيَقُومَ النّاسُ بِالْقِسْطِ ... . (حدید: ۲۵)

همانا ما پیامبران خود را با نشانه ها و معجزات (به سوی خلق) فرستادیم و

برایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت به پا خیزند.

در این آیه، فلسفه ارسال رسل و انزال کتب، اقامه قسط و عدالت عنوان شده است. و از سیاق آیه برمی آید که حکومت وظیفه دارد قسط و عدل را به مردم آموزش دهد و آنان را عادل تربیت کند. از جمله شعارهایی که نظام جمهوری اسلامی بدان تأکید دارد، شعار عدالت اجتماعی است. زر و زورمداری مسئولان در جامعه اسلامی و نداشتن بینش صحیح به مسایل اقتصادی اسلام و رفاه طلبی شماری از خواص جامعه باعث شده است که عدالت اجتماعی حالتی شعارگونه بیابد و تنها نقل مجالس و محافل باشد و شکاف طبقاتی روز به روز افزون تر شود. طنز در وضعیّت کنونی، افزون بر اینکه، نباید به وضعیّت موجود دامن زده و موجب تشدید اختلاف طبقاتی در جامعه شود، باید در شکل گیری عدالت اجتماعی به صورتی کامل و جامع، در کشور اسلامی، همکاری و کمک کند. بسیاری از برنامه های طنز، به رغم شعارهایی که دراین باره دارند و صحنه هایی که از فقر و تنگدستی و ثروت مداری و رفاه نشان می دهند، خودشان رفاه زده اند و با وضع عمومی جامعه تفاوت های بسیار دارند. بیشتر مردم در سراسر کشور از لحاظ اقتصادی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و فضای داخل منزل آنها به هیچ وجه آن گونه نیست که در طنزها نشان داده می شود. غذاهایی که خورده می شود، لباس هایی که پوشیده می شود، دکورهایی که در منزل استفاده می شود، مبلمان کامل منزل و میز و صندلی آشپزخانه و... همگی غیر از آن چیزی است که در بیشتر منزل ها وجود دارد. این گونه طنزها که می کوشند، عادی ترین افراد

جامعه را دارای این گونه وسایل و لوازم منزل معرفی کنند، خود به خود به ترویج اختلاف طبقاتی پرداخته و مسابقه رفاه طلبی بدون درآمد را در مردم افزایش می دهند و باعث می شوند افرادی که هیچ گونه بضاعت مالی ندارند نیز به فکر استخر و جکوزی و آشپزخانه اوپن و... باشند و تمام همّت خود را هرچند با قرض و زیر بار وام های خارج از عهده و احیانا ربا و حرام خوری رفتن و... صرف تهیه چنین منزل ها و ماشین ها و لوازم منزل کنند. روشن است که چنین برنامه ای نمایشگر مشکل همه جامعه نیست، بلکه مشکلی را بر مشکلات می افزاید و آن حرص و طمع و چشم و هم چشمی بیش از اندازه است که مرضی روحی است و به این سادگی قابل درمان نیست. بیشتر طنزهایی که در سال های اخیر از شبکه های سیما به نمایش درآمد، همین وضعیت را دارد.

ه) عدم ترویج فمنیسم

ه) عدم ترویج فمنیسم

فمنیسم به معنای زن سالاری یا برابری زن و مرد از جمله مکتب های فکری و سیاسی در جهان معاصر است که خطری بزرگ برای بشریت است. اگر این مکتب جایگاه فکری و اجتماعی خود را که توسط سرمایه داران بزرگ حمایت می شود، حفظ و ترویج کند، هویّت جمعی و فرهنگی زنان پایمال شده و ارزش حقیقی خود را از دست خواهند داد. حرکت خروشان و سیل آسای زنان به فعالیت های اجتماعی و بریده شدن آنان از خانواده و فرزندان و سپرده شدن فرزندان به مهد کودک ها و مردانه نشان دادن زنان در تمامی فعالیت های سیاسی و اجتماعی و هنری و فکری و... همگی رویدادهایی خطرناک اند که آینده ای مبهم را به جامعه انسانی هشدار می دهد.

ص:۱۵۷

فمنیسم فریادی است از سوی استعمارگران جدید که از حلقوم زنانی هویت باخته با آب و تاب بیان می شود.

اگر زنـان مـاهیّت راستین خود را بشناسـند و جایگـاه حقیقی خود را در عالم خلقت و نقش اساسـی خود را در تکامل انسان و جهان بداننـد، هرگز به خود اجازه نمی دهنـد با موجود دیگری مقایسه شونـد؛ حتی اگر آن موجود مرد باشد. زن و مرد هم از لحاظ خلقت و هم از لحاظ خلق و خوی و سرشت درونی، اختلاف هایی با یکدیگر دارند و هرکدام برای کاری و به منظوری آفریـده شـده اند. چه اینکه در نظام خلقت هیچ دو موجودی عین هم نیسـتند و حتی در بین مردان نیز اختلاف ها و طبقه بندی هایی وجود دارد؛ چنان که در بین خود زنان نیز چنین است. اگر هر یک از زن و مرد به وظیفه انسانی و اسلامی خویش واقف باشـند و به آن عمل کنند، به تکامل حقیقی و انسانی خود دست یافته اند و شایسـته تقدیر و سـپاس اند. وظیفه و نقش اساسـی زن تربیت است؛ یعنی همـان امری که مردهـا از آن عاجزنـد. بر اسـاس فرمـایش امـام رحمه الله ، مرد از دامن زن به معراج می رود. اگر زن نقش خود را بداند و آن را به خوبی ایفا کند، مردانی تربیت خواهد کرد که دنیا و آخرت خود و دیگران را آباد خواهنـد ساخت. طنزهای موجود در صدا و سـیما با این مسـئله به هیچ وجه تناسبی ندارند و نه تنها به وظایف و مسـئولیت های زنان توجه نمی شود، بلکه نوعی فمنیسم نقابدار، در برنامه های طنز در حال شـکل گیری و گسترش است و برنامه های طنز به جای تغییر جوّ موجود و تصحیح آن، به حکایت پردازی از وقایع کنونی پرداخته اند.

نقش مرد در خانه، رهبری و نقش زن، مدیر اجرایی است. در

سیاست های کلان خانواده، نقش اصلی با مرد است و در مسائل مربوط به درون خانه و اداره منزل، زن نقش اصلی را ایفا می کند، ولی در طنزها چنان وانمود می شود که مرد آلت دست زن است و هر چند در برابر مردان دیگر قلدری می کند، ولی در مقابل زن خود، نوکری بیش نیست. خودسرانه تصمیم گرفتن زنان و اجازه نگرفتن از شوهر در کارهای مختلف مانند اشتغال و بیرون رفتن از منزل و تصمیم گیری های شخصی در مسائل اساسی منزل، همگی نمودهایی از فمنیسم نقابدار هستند که با فرهنگ و آموزه های اسلامی سازگار نیستند و متأسفانه همگی در طنزهای کنونی با قدرت تبلیغ می شود. در واقع، حرف اصلی این طنزها این است که زن گرچه در منزل با یک مرد زندگی می کند، ولی در تمامی مسائل خرد و کلان و تصمیم گیری ها مستقل است و حق آزادی انتخاب و تصمیم گیری دارد.

و) نمونه هایی از کاستی های فقهی و حقوقی در طنزها

اشاره

و) نمونه هایی از کاستی های فقهی و حقوقی در طنزها

زیر فصل ها

یک ـ ترویج ازدواج در سنین بالا

دو ـ مبارزه با سنت ازدواج موقت و چند همسری

سه ـ بی توجهی به مسئله محرم و نامحرم در محیط طنزها

چهار ـ عادی جلوه دادن اعمال خلاف شرع و قانون

پنج ـ تبدیل نقدهای قانونی و اجتماعی به لودگی

یک ـ ترویج ازدواج در سنین بالا

یک ـ ترویج ازدواج در سنین بالا

طنز مطلوب وظیفه دارد ازدواج را امری آسان و اداره زندگی پس از ازدواج را در کنار مشکلاتی که دارد، راحت و کم دردسر و به عنوان درمان مشکلات فکری و روحی و روانی نشان دهد و سن ازدواج را کمتر از آنچه امروزه رواج دارد، بیان کند. متأسفانه در صدا و سیما شاهد برخی طنزها هستیم که به جای ترویج ازدواج آسان و به موقع، خلاف آن را به صورتی نامحسوس ترویج می دهند. برای نمونه، در طنز «پاورچین» یا «نود شب»، مهران مدیری در نقش خود در چهل سالگی ازدواج می کند و یا در سریال «نقطه چین» تقریبا تا (۳۰ قسمت) پس از پخش این سریال، هنوز تمامی افراد

بازیگر، اعمّ از زن و مرد مجرّد بودند. پشندی و همکارش، پدر پشندی، صاحب خانه، پسر صاحب خانه و دو دختر به عنوان مستأجر، همگی در این سریال در نقش افراد مجرّد بازی می کردند و بالاخره کارآگاه پشندی پس از چهل و اندی سال تازه قصد ازدواج دارد.

دو ـ مبارزه با سنت ازدواج موقت و چند همسری

دو ـ مبارزه با سنت ازدواج موقت و چند همسری

با اینکه ازدواج موقت از اصول مسلم اسلام و تشیّع و چاره ساز بسیاری از معضلات کنونی جامعه است، نه تنها هیچ ترویج و تبلیغی نسبت به این موضوع در طنزها به چشم نمی خورد، بلکه چه بسا به صورت آشکار یا پنهان با این مسئله مبارزه می شود. متأسفانه در برخی برنامه های طنز چند همسری و ازدواج موقت موضوع طنز برنامه ها می شود و مورد استهزاء و تمسخر قرار می گیرد، در حالی که با قدرتِ تبلیغاتی طنز می توان این سنت اسلامی را که بر اساس حکمت الهی تشریع شده است، در جامعه تبلیغ کرد و به بسیاری از کج بینی ها و سوء برداشت درباره زن و دین پایان داد.

سه ـ بی توجهی به مسئله محرم و نامحرم در محیط طنزها

سه ـ بی توجهی به مسئله محرم و نامحرم در محیط طنزها

از جمله مشکلات طنزهای کنونی این است که مخاطب می بیند افرادی که حتی در نقش و نمایش هیچ نسبت نسبی یا سببی باهم ندارند، به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و بگو و بخند دارند و حریمی میان محرم با نامحرم نیست؛ در حالی که در طنزها باید این حریم حفظ شود و مخاطب به خوبی دریابد که بعضی رفتارها به سبب نامحرم بودن یا محرم بودن بازیگران نمایش داده می شود. در سریال «بدون شرح» به این مسئله توجه شده بود و در محیط کار مجله «شهر قشنگ»، ازدواج به عنوان وسیله ای برای تعالی

انسان مطرح گشته بود. گرچه این مسئله با ضعف هایی همراه بود. ولی الگویی است که دیگر طنزها نیز می توانند به آن توجه کنند. ازدواج کاووسی با ناهید، همایون با نسرین و نصرت با حمیده که همگی کارمندان مجله بودند تا اندازه ای مانع ایجاد روابط نامناسب بین کارمندان مجرد و پیدایش جذابیت های نامشروع در مجموعه می شد.

چهار _ عادی جلوه دادن اعمال خلاف شرع و قانون

چهار _ عادی جلوه دادن اعمال خلاف شرع و قانون

گاه در طنزها ملاحظه می شود برخی اعمال ناپسند و نامشروع که بر خلاف قرآن و سنت و عقل است، به صورت عادی به نمایش درمی آید و منعی هم از آن صورت نمی گیرد. اعمالی مانند رشوه دادن، رباخواری، احتکار، تعرّض به حقوق دیگران و آزار و اذیّت آنها، تبعیض و... همگی اعمال ناپسندی است که در طنزها به مناسبت های مختلف نمایش داده می شود، ولی طنز به صورتی طراحی نمی شود که زشتی و غیر شرعی بودن این مسائل برای مخاطب به طور کامل نمایان شود. برای نمونه، در سریال «بدون شرح» آقای کاووسی که به اصطلاح فردی معتبر و باتجربه است، از بازاریان ربا می گیرد یا با خرید مصالح ساختمانی، آنها را در انبار دوستانش احتکار می کند تا گران شود. در قسمتی دیگر چک های نصرت گم می شود. فرید با تهمت به کاووسی او را به عنوان سارقِ چک ها معرفی می کند. هرچند در پایان سارق اصلی چک ها پیدا می شود، ولی دیگران فرید را به دلیل تهمت زدن به کاووسی سرزنش نمی کنند.

پنج _ تبدیل نقدهای قانونی و اجتماعی به لودگی

پنج _ تبدیل نقدهای قانونی و اجتماعی به لودگی

در بسیاری از طنزهای کنونی چه بسا نقدی اساسی مطرح می شود، ولی

چون اصول نقد رعایت نمی شود و طنز با کمدی و لودگی اشتباه گرفته می شود، نتیجه معکوس می دهد یا نتیجه دلخواه را نمی دهد. در سریال های «پاورچین» و «نقطه چین» که بحث کاندیداتوری و تبلیغات نمایندگی در چندین قسمت مطرح شد، با اینکه موضوع بسیار متناسب با زمان انتخابات بود و می توانست تأثیر بسیاری در آگاهی بخشی به مردم و هشدار به کاندیداها داشته باشد، ولی لودگی این برنامه ها به قدری بود که هیچ کس خود را مخاطب این نقد نمی دید. (نه کاندیدا و نه رأی دهندگان) ازاین رو، تأثیر عملی در پی نداشت.

ص:۱۶۲

بخش هفتم: ابزار طنز

اشاره

بخش هفتم: ابزار طنز

چیزی که بی هـدف است، زیبا نیست. چیزی که هـدف دارد، ولی راه نـدارد، زیبا نیست. چیزی که هم راه دارد و هم هـدف، ولی ابزاری نـدارد که بتوانـد آن را طی کند تا به هدف برسد زیبا نیست.(۱) طنز بـدون ابزار لازم، طنز نیست. ابزار و روش ها در طنز فقط نقش کمک رسانی و کیفیت بخشـی دارند؛ نه اینکه ماهیت طنز را تشکیل دهند. استفاده از ابزارهای غیر مجاز در طنز پیش از انقلاب امری طبیعی بود. موسیقی، گریم، طراحی صحنه، ابزار هزل و هجو (دروغ، تهمت، غیبت، تمسخر، حرف های رکیک و...)، طراحی لباس و... ابزارهایی بودنـد که در تضاد با احکام اسـلامی قرار داشـتند. همچنین بهره گیری از روش های مختلفِ جـذب تماشاگر در آثاری که به «فیلم فارسـی» مشـهور شـده بود، کاملاً با آموزه های دینی در تضاد بود. انقلاب اسـلامی این دو موضوع را تا حدودی دسـتخوش تحول کرده است؛ گرچه هنوز راه زیادی تا رسیدن به هدف باقی است. نکته دیگر دربـاره ابزار و تکنیـک هـای طنز ایـن اسـت که بیشـتر این تکنیـک هـا و ابزار در بخش هنر به اصـطلاح مـدرن سـینما و تلویزیون است که مولود تمدّن و فرهنگ غرب است. ازاین رو، ناخودآگاه

۱- عبداله جوادی آملی، هنر و زیبایی از منظر دین، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

برخی از لوازم آن را همراه دارد و ما به سادگی نمی توانیم مدّعی هنری اسلامی در رادیو و تلویزیون باشیم. حرکت به سمت اسلامی شدن، راهی است که باید با جدیت پی گیری شود؛ چنانکه آیت اللّه جوادی آملی می گوید:

در مرحله انتقال از هنر حسی به هنر دینی، مقداری فاصله هست. باید این تلفات را تحمّل کرد. ولی بنا براین باشد که این هجرت و انتقال را داشته باشیم.(۱)

درباره روش و ابزار، اولین حرکت از هنر حسی به هنر دینی این است که برای هر دو اصالت قایل نشویم، بلکه هنر دینی را اصیل بدانیم. از منظر اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی کند، حتی اگر هدف مثبت باشد، نمی توانیم از هر روش و ابزاری برای رسیدن به آن استفاده کنیم؛ بنابراین، ابزار اصالت و اولویّت ندارد.

اصالت روش و ابزار، از ویژگی های ذاتی و ماهوی تمدّن غرب است و همین ویژگی است که به آن امکان اشاعه و سیطره ای چنین شگفت آور بخشیده است. جهان غیرغرب نخست فریفته ابزار و روش ها شده است و از طریق آن، غایات را نیز پذیرفته است.(۲)

متأسفانه توجه خاص به «ابزار و روش» و اصالت دادن به آن در غرب، امری است که کم وبیش دامنگیر برنامه سازان داخلی نیز می شود و در جنگ بین هدف و محتوا و ابزار و روش، معمولاً ابزار و تکنیک برنده است و هر

۱- همان، ص ۲۳.

۲- سید مرتضی آوینی، حکمت سینما، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، چ اول، ۱۳۷۵، صص ۶ و ۷.

چه را که می پسندد به مخاطب خویش می رساند. این باعث می شود که اهداف هنر دینی اسیر دست ابزار و تکنیک شود.

بنابراین، پـذیرش تمام و کمال الگو و تکنیک های غربی در طنز و دیگر هنرهای مدرن و مدل سازی از آنان و تقلید محض از روش های آنها، تقلیـد از اهـداف آنان را نیز در پی خواهـد داشت؛ چنان که در بخش هـدف دیدیم، طنزهای کنونی به خاطر اصالت دادن به ابزارها، آن هم ابزارهای منفی، معمولاً به اهـداف خود نمی رسـند و اغلب طنزها با هدف سرگرمی و خنده به اجرا در می آیند. از منظر اسـلام، در طنز یا هر فعالیت دیگر، روش و ابزار باید در عین کار آمد بودن، هیچ گونه ضرر و زیانی نداشـته باشد و خود این دو، جزو ابزارها و روش های منفی زندگی نباشند. یکی از اصول کلی درباره تکنیک های طنز و ابزار این است که ابزارها و روش های مورد اسـتفاده در طنز باید مورد تأیید عقل و نقل قرار گیرد. حال در این اصلِ کلی دقیق تر و جزئی تر می شویم تـا حـد و مرز ابزارها و تکنیک های طنز برای طنزپردازان بیشتر روشن شود. مقصود از روش، مجموعه فراز و نشـیب هـا و فرمول های نشانـدن مخاطب در پشت تلویزیون و به نقـد کشـیدن معضـلات اجتماعی، فرهنگی و... است؛ مانند تکنیک استفاده از داستان های عاشقانه، دو به هم زنی، خیال پردازی ها، تعقیب و گریزها و... . و مقصود از ابزارها نیز، وسایل و جزئیات لازم برای طی این مسـیر پر فراز و نشـیب و رسانـدنِ داسـتانِ طنز به پایان آن است. ممکن است این ابزار از بیرون به طنز تزریـق شـود، ماننـد موسـیقی و ممکـن است از درون آن بجوشـد ماننـد دروغ، تمسـخر، حرف هـای بی پرده، رقص و... . روش، کلی تر از ابزار است. بنابراین، هم روش ها و هم

ابزار بایـد از صافی اخلاق و فقه بگذرند تا دست کم جهت گیری ابزار و روش های طنز را، یک جهت گیری اسـلامی بدانیم. با توجه به نمودار زیر، ساختار و روش ها و ابزارها مشخص می شود. طبق همین طرح، این بخش را پی می گیریم:

روش طنز

روش مثبت

روش منفی

ابزار منفی

ابزار بیرونی

ابزار درونی

حرکتی ــ رفتاری

گفتاری

دیالوگ

منولوگ

صدای حیوانات

توهین به خود

تحقیر

تمسخر

دروغ

غیبت

تهمت

حرف رکیک

رقص

شکلک

موسیقی

شروع و پایان

تبلیغات خارجی

نمودار (۱ ـ ۷) انواع و اقسام روش ها و ابزار طنز

ص:۱۶۶

در توضیح این نمودار باید بگوییم که علت ذکر نکردن روش ها و ابزار مثبت طنز این است که واقعا در این زمینه کاری اساسی صورت نگرفته است و الگویی کامل در دست نداریم که بگوییم مانند این روش یا تکنیک مثبت از روش ها استفاده کنند و مانند این سریال از ابزارهای مثبت بهره بگیرند ولی با توجه به قاعده «تعرف الاشیاء باضدادها؛ اشیا با توجه به ضد و نقیض خودشان شناخته می شوند»، می توانیم با بررسی ابزارهای منفی طنز و نتیجه گیری قطعی درباره آنها و پرهیز از آنها، نقاط مقابل این ابزار یا جهت مثبت آنها را در نظر بگیریم و طنزی که ابزار مثبت و روش های مثبت هم دارد، ارائه دهیم. بنابراین، در این بخش به بررسی ابزارهای منفی در طنزهای کنونی می پردازیم:

۱. دروغ

۱. دروغ

در دین مقدس اسلام، به راستگویی و صداقت توصیه و تشویق فراوان شده و از دروغ گویی بسیار مذمّت شده است. در قرآن کریم، عبارت «کذب» در قالب های گوناگون مطرح گردیده و وعید عذاب الهی بر این گناه داده شده است. تقریبا تمامی علمای اخلاق، دروغ را از گناهان کبیره شمرده اند و احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام در نکوهش دروغگو به ما رسیده است. حتی ادیان دیگر نیز دروغ را محکوم و مذمت کرده اند. عقل سالم و فطرت پاک انسانی نیز با اندکی تأمل می تواند چهره زشت و آثار زیانبار دروغ را در فرد و جامعه به روشنی ببیند. منشأ دروغ به ترس و ریا و نفاق باز می گردد

و این خود دلیلی روشن بر پستی این گناه کبیره است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

هنگامی که مؤمن بـدون عـذر دروغ بگویـد، هفتاد هزار ملك او را لعنت می گوینـد و از قلب وی بوی بدی خارج می شود تا اینکه به عرش می رسد.(۱)

توجّه به این حـدیث، انسان را به تفکر بیشتر درباره دروغ و آثار تخریبی آن در وجود انسان فرا می خوانـد. در روایت دیگری از وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر رحمه الله آمده است:

وای بر کسی که صحبت می کند و دروغ می گوید تا مردم را بخنداند. وای بر او. وای بر او. وای بر او!(۲)

این حدیث که ارتباط نزدیکی با مسئله طنز دارد، حدیثی هشدار دهنده است و توصیه می کند که در طنز و شوخی ها نباید از دروغ استفاده شود. به رغم تأکیـد دین اسـلام و ادیان دیگر در پرهیز از دروغ گفتن، این موضوع در طنزها بسیار به چشم می خورد. در سریال طنز «زیر آسـمان شهر»، شخصیت بهروز پیرپکاجکی، با لقب «بهروز خالی بند» گرچه دروغ را در بسیاری از زوایـای آن به صورت عینی به نمایش گذاشـته بود، ولی شخصـیت محبوب بهروز در نظر مخاطبان و عـدم موضوع گیری های صحیـح در طنز در قبـال دروغ گـویی هـای او و فقـط نشـان دادن نتایـج دروغ گـویی، نتـوانست آن گـونه کـه بایـد فرهنگ راستگویی را ترویج کند.

۱- شیخ مرتضی انصاری، کتاب المکاسب، قم، المکتبه الفقهیه، چ اول، ۱۴۱۵ ه ، ج ۲، ص ۱۲.
۲- همان، ص ۱۳.

۲. تهمت

۲. تهمت

تهمت نیز همانند دروغ از گناهان کبیره است و سبب اختلاف و دشمنی در دنیا و عذاب در آخرت می شود. در منابع دینی تهمت زننده چهره ای زشت و پلید دارد و گاه بدتر از دروغ معرفی شده است. خداوند در سوره بقره خود را دوست کسانی می داند که ایمان آورده اند و خود را یاور ایشان دانسته و یاری رساندن مؤمنان را بر خودش واجب فرموده است.(۱) نیز در روایتی آمده است: «به خدا قسم، حق مؤمن، بزرگ تر از حق کعبه است».(۲) از اینجا دانسته می شود که ریختن آبروی مؤمن چه گناه بزرگی است. حتی اگر مؤمن خود آن شخص باشد. با توجّه به آنچه ذکر شد تهمت زدن به مؤمن (به این معنا که کار زشتی را که او انجام نداده به او نسبت دهیم)، گناهی بس بزرگ و عملی نابخشودنی است. بنابراین، تهمت به مردم یا مسئولان یا اصناف و طبقات نباید دست مایه طنز قرار گیرد و بخواهیم با استفاده از تهمت زدن، مردم را بخندانیم و ریختن آبروی مؤمنان را وسیله شادی افراد جامعه قرار دهیم. به یقین چنین کاری حرام است و اجرا و پخش آن از سیما جایز نیست. تهمت زدن حتی بر غیر مؤمنان نیز کار پسندیده ای نیست و در واقع دروغی است که به کسی نسبت می دهیم؛ بنابراین، مانند غیبت نیست که در برخی موارد خاص اشکال نداشته باشد.

۱- بقره، ۲۵۷.

۲- محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۳۹۵.

۳. غیبت

۳. غیبت

غیبت به معنای بازگویی عیب های مؤمنان است در جایی که خودشان حضور ندارند. ریشه غیبت به کبر و حسد و ترس باز می گردد و از جمله زشت ترین گناهان است که آثار مخربی بر روی فرد و جامعه بر جای می گذارد. قرآن کریم درباره غیبت چنین می فرماید:

یَغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضًا أَ یُحِبُّ أَحَدُکُمْ أَنْ یَأْکُلَ لَحْمَ أَخیهِ مَیْتًا. (حجرات: ۱۲)

از یکدیگر غیبت نکنید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت مرده برادرش را بخورد؟

غیبت باعث به هم خوردن نظم و صفای اجتماع می شود و افراد را نسبت به یکدیگر بدبین می سازد.(۱) بنابراین، در برنامه های طنز که متأسفانه این مرض شیوع دارد، باید حتّی به شوخی هم از آن استفاده نشود تا قبح و زشتی آن از بین نرود.

نکته دیگر درباره غیبت اینکه در فقه، مواردی به عنوان استثنا در غیبت و حرمتِ آن مطرح شده اند؛ این موارد شامل طنزهای تلویزیونی نمی شود و باعث حلال بودن این نوع از غیبت ها در طنز و غیر طنز نمی شود؛ چون ملاک حرمت در طنز صدا و سیما، بدآموزی و زدودن قبح غیبت و تشویق به آن است، نه اصل حرمت آن.

۱- نک: سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین، چ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۴.

۴. تمسخر و تحقیر

۴. تمسخر و تحقیر

خداوند در قرآن می فرماید:

یـا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسى أَنْ یَكُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ وَ لا نِساءٌ مِنْ نِساءٍ عَسى أَنْ یَكُنَّ خَیْرًا مِنْهُنَّ وَ لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنابَزُوا بِالْأَلْقابِ... . (حجرات: ۱۱)

ای آنان که ایمان آورده اید، گروهی از شما گروه دیگر را مسخره نکند، شاید گروه مسخره شده بهتر از مسخره کننده ها باشد و زنان نیز زنان دیگر را تمسخر نکنند، شاید مسخره شده ها بهتر باشند و هرگز عیب های خود را برملا نکنید و لقب بد بر یکدیگر ندهید.

هم چنین می فرماید:

وَیْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ. (همزه: ۱)

وای بر هر عیب جوی هرزه زبان.

و نیز در وصف منافقان آمده است:

وَ إِذا لَقُوا الَّذینَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا إِلى شَیاطینِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَكُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ. (بقره: ۱۴)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات می کنند می گویند ایمان آورده ایم و هر زمان که با شیاطین (دوستان) خود خلوت می کنند می گویند ما با شما هستیم؛ همانا ما آنها را استهزا می کنیم.

تحقیر شخصیت افراد و تمسخر آنها از دیدگاه عقل و روایات از جمله امور ناپسند و آموزش چگونگی تحقیر و تمسخر نیز با طنز و هر برنامه دیگر، امری ناپسندتر و بدتر. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

در قیامت اهل سخریّه و استهزا را می آورند و برای یکی از ایشان دری از بهشت می گشایند و به او می گویند بشتاب و داخل شو، او با غم و اندوه می آید که داخل شود، در را می بندند و از طرف دیگر دری می گشایند و

به او می گویند زود داخل شو، چون نزد آن در می رسد، در را می بندند. همچنین به این بلیّه گرفتار است و از هیچ دری نمی تواند داخل شود؛ به گونه ای که مأیوس می شود، چنانچه باز به او می گویند بیا او نمی آید.(۱)

با توضیحاتی که گذشت، روشن می شود که تمسخر و تحقیر در طنز نباید باشد و طنزپردازان باید روش سالم تری را برای خنداندن و ارائه مفاهیم و مقاصد خود برگزینند، ولی متأسفانه در برنامه های طنز صدا و سیما و دیگر رسانه ها و حتی در زبان عرفی و عامیانه، لطیفه ها بیش از آنکه طنز باشند، نوعی هزل و هجوند و با خُرد کردن شخصیت مقابل زمینه خنده افراد را فراهم می کنند. البته اگر طنز به صورتی باشد که امر زشتی را تحقیر یا تمسخر کند و یا خود تحقیر و تمسخر را مورد انتقاد قرار دهد و با بزرگ نمایی آن بخواهد مخاطب را متوجه زشتی آنها کند، امری پسندیده است، ولی آن گونه که در سریال های طنز تلویزیونی در سال های اخیر می بینیم، این موضوع های حرام، خود به عنوان چاشنی خنده در طنزها به کار می روند.

۵. سخنان زشت و رکیک

۵. سخنان زشت و رکیک

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «دشنام دادن به مؤمن، مانند نزدیک شدن به هلاکت است.»(۲) بد دهنی و بد زبانی، امری خلاف ادب و نزاکت است و شخصیّت حقیقی انسان و اعتبار و ارزش او را از بین می برد و کرامت نفس را زایل

۱- عبدالحسن دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۹۵.

می کنـد. در محیط اجتماع، هرگاه ببینیم که فردی هتّاک و بدزبان است، از او دوری می جوییم؛ چون می ترسیم دشنام ها و سخنان زشت وی روزی به سوی ما نیز نشانه رود، یا اخلاق بـد او در ما تأثیر بگـذارد. اگر به طنزهای موجود در صـدا و سیما نظری بیفکنیم، متأسفانه زمینه نوعی هجوگویی در طنزهـا را خواهیم دیـد؛ گرچه در قـالبی سربسته و مبهم، دشنام هـا و طعنه هایی به یکدیگر زده می شود، ولی این طعنه ها در چشم مردم بزرگ می نماید و نوجوانان را در این مسیر بد تربیت می کند. برای نمونه، جمله ای چون: «تو(ی) حرف آدم، چیز می کنی» که منظور از آن در سریال، طنز «کاکتوس» ادرار و مدفوع بود و الفـاظی شبیه به آن؛ یـا «کوپیوغلو» و «اشک اوغلو» و الفاظیماننـد آن در سـریال «روشن تر از خاموشـی» و «حرامزاده» در فیلم های دوبله شده خارجی که می تواند زمینه مناسبی برای نوعی بدزبانی اجتماعی و فرهنگ عمومی بی ادبی شود.

۶. موسیقی و آواز

۶. موسیقی و آواز

استفاده از موسیقی های غیرمجاز در برنامه های طنز و غیر طنز، پیش از انقلاب امری کاملاً طبیعی بود، ولی امروزه استفاده از این ابزار در طنز صدا و سیما بدون مرزبندی مشخص و منافی آموزه های اسلام است. به راستی هر قدر نگاه به دیالوگ ها و حرکات در طنز اهمیت دارد، به همان اندازه یا حداقل نصفِ آن، موسیقی آغاز و پایان و متن طنز دارای اهمیّت و تأثیرگذاری است، زیرا موسیقی بـا شـنونده سـخن می گویـد. حـال یـا این سـخن، لودگی و تمسخر است، یا پوچی و بی معنایی و یأس و ناامیدی و یا شادی

ص:۱۷۳

افراطی و یا شادی معقول و متعادل. موسیقی طنز با برنامه های دیگر این فرق را دارد که باید کمک کند این نقدهای مطرح شده در طنز به باور و انگیزه روانی نزدیک تر شود و در واقع یک چاشنی برای جا افتادن نقد موجود در طنز است؛ نه وسیله ای برای افزودن بر هزلیات طنزهای موجود. متأسفانه امروزه حرکت خزنده ای در عادی سازی موسیقی های مختلف در بسیاری از برنامه های طنز و غیر طنز به چشم می خورد. آنچه در مجموعه های باغچه مینو، کوچه اقاقیا، پاورچین، خوش رکاب، نقطه چین و... به عنوان خواندن و کف زدن و گذران اوقات مطرح می شد، جز ترویج فرهنگ لهویّت اثری نداشته است. حتی در برنامه های کودک، مانند شبکه تهران نیز، موسیقی، غذای اصلی تأمین برنامه است و کودک را از همین ابتدا به این غذاهای مسموم آلوده می کند. در سریال نسبتا مطلوب «خوش رکاب»، موسیقی آغاز سریال و موسیقی هایی که از ضبط ماشین آقا تقی پخش می شد یا خود آقا تقی و عزّت با حالتی رقص گونه می خواندند، نمونه ترویج موسیقی مبتذل و عادی سازی آن بود. در قسمتی از طنز «نقطه چین» موسیقی یا به اصطلاح «کنسرتِ بزنم به تخته» با آهنگ و عبارات سبک، در زمان پخش سریال در شب ارائه شد که گویا با اعتراض مردم یا پی بردن سازندگان به وقاحتِ این گونه برنامه ها با قرار دادن یک پیام بازرگانی از تکرار آن در هنگام تکرار سریال جلوگیری شد. از زمانی که موسیقی های به اصطلاح غیر سنّتی (گرچه سنتی آن هم جواز مطلق ندارد) وارد صدا و سیما شده است، افزون بر فراموشی موسیقی سنتی، آثاری ارائه می شود که هیچ گونه توجیه شرعی برای پخش آن از صدا و سیما وجود ندارد. کار به آنجا رسیده است که خود

موسیقی دان های بزرگ کشور و استادان این فنّ، بسیاری از موسیقی های کنونی را مبتذل و فاقد صلاحیت پخش می دانند.(۱)

۷. رقص

۷. رقص

از جمله ابزارهای جذب تماشاگر در طنزهای کنونی، رقص است. اینکه انسان به رقص بپردازد با خلیفه الهی بودن او سازگار نیست؛ اگرچه ممکن است تحت شرایطی از لحاظ شرعی جایز باشد، ولی این حکم مربوط به خود فرد است، نه ترویج و فرهنگ سازی رقص از طریق رسانه ملی؛ زیرا هر چند رقص از لحاظ فقهی در برخی شرایط جایز است، ولی این بدان معنا نیست که از لحاظ آداب و اخلاق و کرامت و منزلت انسانی نیز هیچ اشکالی نداشته باشد. انسان های با شخصیت و کسانی که قدر و منزلتی برای خود قائل اند به یقین، هیچ گاه دست به چنین کاری نمی زنند. بنابراین، ترویج رقص در طنزها و عادی جلوه دادن آن، مشکل شرعی خواهد داشت؛ زیرا ترویج فرهنگ لهویّت در جامعه است. در سریال «فرمان»، حرکاتی که شوهر جدید ملوک السلطنه از خود نشان می داد و طرز حرف زدن ها و نگاه های او، بسیار زشت و زننده بود. به ویژه هنگامی که شعر می خواند و به اصطلاح می رقصید، و در جلسه طلاق دادگاه همگی شروع به رقصیدن کردند. در سریال «باغچه مینو» نیز حرکاتی که خان دادش و زینال و... انجام می دادند، غیر از رقص، نام دیگر نمی توان بر آنها گذاشت. در «کوچه اقاقیا» نیز همین

ص:۱۷۵

۱- آیت الله خامنه ای، حلقه اهل هنر، تهران، انتشارات سروش، چ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۴ _ ۲۷.

امر کاملاً مشهود بود. در «پاورچین» نیز همین طور. و بالاخره باید گفت که یک نوع حرکت خزنده درباره عادی سازی رقص در برنامه های صدا و سیما و به ویژه طنزها در حال شکل گیری است.

ص:۱۷۶

بخش هشتم: طنزپرداز

اشاره

بخش هشتم: طنزپرداز

طنز پرداز در گذشته، بیشتر به دلقک های درباری و افراد مسخره و هزل گو اطلاق می شده است. ازاین رو، کمتر کسی گرایش به نوشتن طنز و به ویژه بازی طنز داشت. انقلاب اسلامی که انقلابی ایدئولوژیکی و ارزشی بود، توانست نگرش های جامعه دینی را نسبت به مسائل اجتماعی ـ فرهنگی تغییر دهد در این راستا نگرش به هنرمند و حتی طنزپرداز نیز تغییر یافت و طنز در زمره مقولات هنری سطح بالا قرار گرفت و هنرمندان طنزپرداز دارای شخصیت و کرامت شدند. نمونه این ارج گذاری را می توان در سخنان مقام معظم رهبری درباره طنز دید. بدین ترتیب طنز نیز دارای ارزشی در بین هنرمندان شد و افرادی که معمولاً کارهای طنز انجام نمی دادند، نیز وارد صحنه شدند و کارهایی به نسبت مطلوب از خود بر جای گذاشتند.

طنزپرداز در لباس نویسنده و کارگردان و بازیگر و... و از جمله ارکان طنز است و وظیفه سنگینی بر عهده دارد.

اصل و خمیره طنز به دست نویسنده آن به وجود می آید. اگر نویسنده بتواند تعهد و تخصص را به خوبی جمع کند. نیمی از مشکل طنز اسلامی را حل کرده است؛ زیرا شخصیت و نوع رفتار و گفتار بازیگر را در طنز، نویسنده طراحی می کند و ارکان طنز و ویژگی های آن را روشن می سازد.

طنزنویس از لحاظ تخصص هنری محدودیت چندانی ندارد و می تواند

تمام نوآوری ها و نبوغ درونی خویش را در راه تکامل و زیبایی طنز مورد نظر به کار گیرد، ولی از لحاظ اخلاق و تعهد مذهبی باید مسائلی را رعایت کند؛ چنانچه بازیگر و کارگردان طنز نیز چنین هستند. از آن جا که در طنزها تلاش نویسنده و بازیگر نمود بیشتری دارد و تأثیر اساسی تری بر مخاطب می گذارد، به بررسی این دو عنصر از عناصر گوناگون طنز بسنده می کنیم:

۱. نویسنده و ویژگی های آن

اشاره

۱. نویسنده و ویژگی های آن

زیر فصل ها

الف) تعهد و تخصص در نویسندگی طنز

ب) حق محوری در نگارش طنز

ج) سلامت درونی و اخلاقی

الف) تعهد و تخصص در نویسندگی طنز

الف) تعهد و تخصص در نویسندگی طنز

در جهان امروز، هنرمندان، حق مسلم خویش می دانند که درباره عموم مسائل اظهار نظر کنند؛ زیرا می گویند: «تخیل لازمه کار هنری است»، ولی چون از «تعهد» با آنان سخن می گوییـد، روی ترش می کننـد که: «هنرمند تنها نسبت به هنر خویش متعهد است.»(۱) البته منظور از تعهد این نیست که نویسنده طنز غیر از دین و معنویت و احکام و اخلاق به چیز دیگری فکر نکند و قوه تخیل هنری خود را به کار نگیرد، بلکه مراد آن است که نویسنده پس از آگاهی کافی از بحث تاریخ، سیاست، جامعه، فلسفه، هنر، دین، انسان و... می تواند درباره آن اظهار نظر کند و متن یک اثر طنز را درباره این امور بیافرینند. وگرنه با اطلاعات غلط یا ناکافی درباره این مباحث هر قدر هم تخیل هنری و تکنیک های تخصصی در آن به کار گرفته شود، اظهار نظر در این باره راهگشا نخواهد بود و خیانتی به انسانیت، جامعه و دین و علم و

۱- سید مرتضی آوینی، حکمت سینما، قم، مؤسسه انتشارات نبوی، چ اول، ۱۳۷۴، ص ۲۸.

اخلاق به شمار می آید و این خود نه تنها دوری از تعهد، بلکه دوری از تخصص است. چنانکه در فیلم های مربوط به پیامبران که در غرب ساخته شده، این موضوع روشن است؛ مانند «ده فرمان» یا انیمیشن آن که پر از خرافات و جعلیات و موضوعات ضد دینی است. همین امر می رساند که نویسندگی در طنز به صورت متعهدانه کار یک نفر نیست، بلکه کاری جمعی است؛ همانند موارد مشابه این کار در سینما و هنر و امور کلان که مخاطبان بسیار دارند؛ مانند کتاب های درسی که امروزه برای تهیه یک کتاب درسی، گروهی از نویسندگان و ویراستاران و کارشناسان تلاش می کنند تا کتاب مورد نظر برای یک واحد درسی و در یک مقطع تحصیلی و برای جنس دختر یا پسر تهیه شود. اگر می خواهیم طنز اثری کامل و واقعی بر جای بگذارد و گفتارها و اجرای آن به بهترین شکل را بگیرد، باید به صورت سازماندهی شده و گروهی همه مراحل آن پیش رود. متأسفانه آنچه امروزه در بیشتر برنامه های رادیویی و تلویزیونی می بینیم، فردگرایی و قهرمان پروری در عرصه این محصولات و به ویژه طنز و نویسندگی آن است. مگر یک نویسنده چه قدر اطلاعات می تواند داشته باشد؟! آیا او همه چیز را می داند؟ نوشته ای که از روی آن برنامه طنز اجرا می شود، ذهنیات نویسنده است یا واقعیات جامعه و دین و اخلاق؟ از کجا معلوم که خلأهای روانی نویسنده، کمبود شخصیت، تصفیه حساب شخصی، مشکلات خانوادگی و دیگر انگیزه های شخصی در آفرینش این اثر دخالت نداشته باشد؟ آیا با یک نویسنده برای برنامه طنز نود قسمتی در سیما می توان، دردها و مشکلات اساسی و واقعی جامعه را به طور واقعی به تصویر کشید و به اهداف طنز

نزدیک شد؟ امروزه طنز نویس بیشتر با خودش درد دل می کند تا با مردم، و در واقع مشـکلات فیلمساز و نویسـنده نمی تواند منحصر در تکنیک های محض باشد، بلکه سبب می شود در همه مسائل مربوط به انسان و جامعه اظهار نظر کند.

دانشـجویی نیهلیست، در بن بست محـال و پوچی، از زنـدگی بیزار شـده است، ولی جرئت انتخاب نیز نـدارد. جوان معتادی را راضـی می کند که این کار را برای او انجام دهد... و بالاخره در یک قبرسـتان این عمل انجام می شود. جوان معتاد با رولوری کـه همـان دانشـجو تهیـه کرده است، او را از پشت هـدف می گیرد و به قتـل می رسانـد. نکته سـخن این نیست که این اتفـاق محتمـل است یـا خیر؟ سـخن در این جـاست که این اتفـاق چرا بایـد در قـالب یک رمان نوشـته شود و یا در قالب یک فیلم به نمایش درآید؟ آیا این فیلم نهایتا از اصل تعهدات اعتقادی و اخلاقی سازنده اش منشا نگرفته است؟(۱)

بنابراین نوشتن طنز مطلوب نیازمند تعهد است و این تعهد اگر بر عهده یک نفر باشد، با آسیب هایی رو به رو خواهد شد؛ زیرا یـک نفر علم، تجربه و تخیـل محـدود دارد و دارای ویژگی هـای روانی و عقایـد و سـلیقه های خاص فردی و اجتماعی است. همچنـان که اجرای طنز کـاری جمعی است، نویسـندگی طنز نیز که متن و محتـوای طنز را می سـازد، بایـد به صورت گروهی شکل بگیرد. این کار نه تنها به تخیل سـیال نویسـنده ضـرری نمی رسانـد، بلکه تخیل فردی را به تخیل و تصور گروهی تبدیل می کند و ابتکار و نبوغ را به حد کمال می رساند. در امر نگارش طنز برای صدا و سیما به کادری مجرب

۱- همان، صص ۲۹ و ۳۰.

نیازمندیم که از افرادی اسلام شناس، جامعه شناس، روان شناس، منتقد هنری (هنر شناس)، ادیب و نویسنده اصلی طنز تشکیل یافته باشد که در آن، محور اصلی کارها، نویسنده طنز باشد و بقیه افراد به عنوان ناظر کمی و کیفی یا مشاور او را همراهی کنند. در این فرآیند عملی، نویسنده طنز با هم فکری این افراد، نه تنها بر اطلاعات خود می افزاید و قدرت تخیل و زاویه دید خود را گسترش می دهد، بلکه زوایای دیدش را نیز تصحیح می کند و تعهد کاری خود را بالا می برد. از سوی دیگر، در این فرآیند، افراد با بحث و مشاوره با یکدیگر به راهکارهایی عملی در زمینه طنز می رسند. جامعه شناس و روان شناس با اخذ باز خوردهای اجتماعی طنز در جامعه و افراد، تأثیر عینی آن را به گروه می رسانند و منتقد با اخذ باز خوردهای تخصصی طنز، معایب فنی را به جمع منتقل می کند و اسلام شناس و ادیب، با دریافت بازخوردها برای کاربردی تر کردن گزاره های دینی و ادبیات در طنز در ادامه کار برنامه ریزی می کنند. بدین صورت روز به روز نهال طنز اسلامی شکوفاتر شده و رشد کمی و کیفی مطلوب تری می یابد. این بحث در فصل پایانی، به صورت کامل تر ارائه می شود.

اسلام شناس

جامعه شناس

روان شناس

ادیب

ص:۱۸۱

منتقد هنری

طنزنویس

نمودار (۱ ــ ۸) عناصر لازم برای گروه نویسندگی طنز

ب) حق محوری در نگارش طنز

ب) حق محوری در نگارش طنز

طنز نویس باید حق را محور مطالب و مباحث خود قرار دهد و بی طرفانه قضاوت کند. سلیقه های شخصی را جز برای نقد شدن در محتوا داخل نکند. و از افکار و عقاید گروهی و حزبی طرفداری نکند، مگر اینکه واقعا حق باشند. او باید تصفیه حساب های شخصی با گذشته خود و دیگران و عقده های درونی اش را در متن طنز وارد نسازد.

نوعی بی طرفی لازم است تا سخن انسان نزد شنوندگانش ارزشی داشته باشد. از نظر اسلام حساسیت و طرفداری از عقاید سالم و حق، باید از مقدّمات کار هنری باشد.

ج) سلامت درونی و اخلاقی

ج) سلامت درونی و اخلاقی

سلامت درونی و اخلاقی طنز نویس، باعث افزایش تأثیر آثار او در

ص:۱۸۲

بازیگران و مخاطبان می شود. معایبی که طنز نویس از دیگران مطرح و بزرگ می کند و مورد تمسخر قرار می دهد، نباید در خود او موجود باشد. «طنز نویس در موقعیت دشواری قرار دارد؛ چون اگر مردم همان عیوبی را که او در دیگران نکوهش می کند. در خودش بیابند، آن وقت ممکن است او در معرض اتهام خود بزرگ بینی قرار گیرد. اگر هم از این اتهامات بگریزد، چه بسا به او تهمت زنند که با قربانیانش عداوت شخصی دارد.»(۱) چنانکه بازیگر نیز چنین است.

۲. بازیگر

اشاره

۲. بازیگر

آیا هر هنرمندی می تواند بازیگر طنز شود؟ آیا بازیگری طنز دارای شرایط خاصی است؟ آیا بازیگری طنز محدودیت های ویژه ای دارد؟

واقعیت این است که بازیگری در طنز از مشکل ترین انواع بازیگری در صدا و سیماست و از حساسیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا مردم، تنها با بازیگر ارتباط می یابند و نویسنده، کارگردان، طراح صحنه و دیگر عوامل اجرایی همگی در پشت صحنه باقی می مانند. این بازیگر است که حرکت می کند و حرف می زند و می خندد و با مخاطب ارتباط مستقیم برقرار می کند. او دو گونه زندگی دارد:

یک ــ زندگی بازیگری که در آن همیشه مجبور است دیگری باشد، نه

ص:۱۸۳

۱- آرتورپلارد، طنز، ص ۴.

خودش؛

دو ــ زندگی روزمره و شخصی خویش.

به بیان دیگر بایـد بگوییم که زنـدگی حقیقی و حقوقی بازیگر از سویی به هم گره خورده و از سویی دیگر غیر از یکدیگرند. بازیگر باید محتاط باشد و هر دو شخصیت خود را حفظ کند. اگر شخصیت حقوقی او (بازیگری) برای او شهرت و محبوبیت می آورد، در عـوض فروتنی و احسـان به دیگران در او فزونی یابـد. اگر در اجرای برنـامه هـایش و نشـان دادن هنرش زیبـایی هـایی را به مردم عرضه می کنـد و ظـاهر زیبـایی از لحـاظ هنری از خود نشـان می دهـد، بکوشـد بر زیبـایی باطنی خویش نیز بیفزایـد تا از ریاکاری و دوچهرگی رها شـده و واقعا زیبا شود. او باید سـعی کند زندگی حقیقی اش بر بازیگری غلبه کند، نه بـازیگری بر زنـدگی حقیقی اش. این امـور به وادی بیرون از طنز مربوط است. در داخـل طنز نیز بـازیگر (زن و مرد) از لحـاظ دینی و عرفی بایـد شـرایطی را رعـایت کنـد و در ضـمن ارائه هنر و ابتکـار خویش در امر طنزپردازی، اصول زیر را نیز رعایت کند:

الف) چهره ظاهری

الف) چهره ظاهری

پیرایش ظـاهری مردهـا در طنز بسـیار مهم است؛ زیرا الگوبرداری مردم به ویژه جوانـان از آنهـا بیشـتر است. اگر هـدف طنز را هـدایت و تربیت دانسـتیم، نمی توانیم تنهـا به حکـایت از وضع موجود و تقلیـد از ظواهر برخی افراد جـامعه بسـنده کنیم؛ بلکه وظیفه ای بالاـتر داریم و آن ترسـیم فرهنگ اصـیل و ریشه دار ایرانی و اسـلامی برای مخاطبان و علاقه منـد کردن آنان به این فرهنگ است. برای نمونه، استفاده از کراوات؛ برخی اصطلاحات و واژگان غربی،

مانند مرسی، حرکات خشک و متکبرانه امریکایی، سیگارها و بر چسب های خارجی، لباس ها و آرایش های غربی، به هیچ وجه در طنز پسندیده نیست. حتی اگر قصد ما نقد لباس غربیان و مدها و رفتارهای آنها باشد، طنز روش پسندیده برای این کار نیست و تأثیر خود را نخواهد گذاشت. برای نمونه، سر و وضعی که برای مهران غفوریان (کارگردان) در سری سوم از سریال «زیر آسمان شهر» درست کرده بودند، به هیچ وجه برازنده کارگردان های داخل کشور، به ویژه در برنامه های صدا و سیما نبود. همچنین در برخی قسمت های این سریال، بعضی مدها مورد تمسخر قرار می گرفت، ولی هیچ تأثیری بر بینندگان نمی گذاشت. از دیدگاه اسلام آداب ظاهری مقدم بر اخلاق و دیگر شئون عملی است و ظاهر انسان در باطنش تأثیر می گذارد و شباهت ظاهری به افراد، باعث ایجاد شباهت های باطنی نیز می شود. این مسئله در علم روان شناسی نیز به اثبات رسیده است.

درست است که امروزه جامعه جهانی با تبلیغات گسترده به سوی مدپرستی ظاهری که نوعی بت پرستی است می رود، ولی این دلیل نمی شود که هرچه در جامعه هست، در تلویزیون نشان داده شود. اگر لباس ها در جامعه تغییر کرده است مردم آن را در جامعه می بینند، و اگر مقصود آگاه کردن مردم است، همه آن را می دانند، و پرداختن به آن بیهوده است. ولی اگر مقصود تربیت جامعه است، باید در کنار بهترین محتوا بهترین ظاهر را از لحاظ الفاظ و حرکات و چهره و لباس طراحی کنیم و یا دست کم در کنار مدهای ناپسند، مدهای مورد پسند اسلام را نشان دهیم.

ب) رعایت روابط شرعی و عرفی حدودزن و مرد

ب) رعایت روابط شرعی و عرفی حدودزن و مرد

ص:۱۸۵

اختلاط و ارتباط دوجانبه در نمایش های تلویزیونی، اهمیت به سزایی دارد. به ویژه که بیشتر طنزهای تلویزیونی مربوط به مسائل و مشکلات خانواده هاست و زن و مرد باهم در صحنه طنز حضور دارند. درست است که در یک برنامه طنز خانوادگی، باید آنچه در خانواده به صورت معمولی اتفاق می افتد، به تصویر کشیده شود، ولی روشن است که بر اساس فرهنگ و سنت ایرانی و دینی پدر و مادر در داخل خانه در حضور فرزندان به ارتباط کلامی بسنده می کنند. این گونه نیست که در داخل خانه و در کنار فرزندان، پدر و مادر کاملاً در کنار هم بنشینند و ... ؛ بنابراین، نباید انتظار داشته باشیم که حتی خفایای زندگی خانواده را به عیان در جامعه نشان دهیم؛ نه عرف این را می پذیرد و نه شرع. مخاطب می داند که در برنامه طنز زن و شوهر یا خواهر و برادر فرضی، واقعا محرم نیستند، بنابراین، هرگونه حرکت، رفتار و گفتاری که ذهنیت او را به هم بزند، او را تحریک می کند. در سریال «پاورچین» این مسئله درباره سه شخصیت زن و سه شخصیت مرد بیشتر به چشم می خورد. به ویژه در صحنه هایی که همه افراد در یک جا جمع بودند؛ مثلاً دور یک میز روبه روی هم نشسته بودند.

ج) پوشش اسلامی

ج) پوشش اسلامی

طنز به اندازه کافی سبکی و دوری از حالت طبیعی را برای بازیگر به همراه دارد؛ بنابراین، نباید عوامل نامطلوب دیگر، بر این مسئله دامن بزنند. پوشش زن در همه حال پسندیده است. در حال اجرای برنامه، پوشش نامناسب، طنز را از وادی حقیقی خود خارج ساخته، به سمت ابتذال می کشاند. قرآن کریم زنان را جز در برابر محارم، به رعایت حجاب امر

ص:۱۸۶

فرموده است. بنابراین، چه در طنز و چه در بیرون از آن، زن باید به پوشش خود اهمیت دهد.

د) تفاوت حرکات زن و مرد

د) تفاوت حرکات زن و مرد

گرچه سبک کردن خود برای هر کسی، اعم از زن و مرد شایسته نیست، ولی طنزپرداز به سبب رسالتی که دارد، شاید مجبور شود برخی سبکی ها را انجام دهد، ولی از سوی دیگر زن در دین اسلام کالایی بی ارزش نیست که تنها به درد تماشا بخورد؛ بلکه رسالت او تربیت است و مردان بزرگ از دامن او به معراج می روند. بنابراین، مقام و موقعیت او این اجازه را نمی دهد که هر حرکتی از او سر بزند. این امر در طنز و غیر طنز فرق نمی کند. البته این بدان معنا نیست که زن باید خشک و ساکت گوشه ای بنشیند و فقط سخن بگوید، بلکه بدین معناست که اگر در طنز کار به جایی رسید که لفظی سبک یا حرکتی دلقک گونه باید از بازیگر سر بزند، این جا نباید زن وارد صحنه شود و دلقک وار به حرکات مضحک دست زند. از سوی دیگر، زن موجودی لطیف است و حرکات بدنی او باعث تحریک دیگران می شود. بنابراین، اگر حرکات بدنی زن از حالت عادی خارج شود و حالتی منظم و رقص گونه به خود بگیرد، نه تنها بر همکاران مرد او تأثیر منفی دارد، بر بیننده نیز آثار بسیار ناپسندی خواهد گذاشت. این سبکی در صدای زنان نیز باید رعایت شود. صدای زن نباید به آواز بلند شود و نباید از کلمات شهوت انگیز در طنز استفاده کند؛ همان گونه که نباید صدای خود را آن گونه رقیق کند که دیگران را تحریک کند. خداوند در قرآن کریم به زنان پیامبر چنین دستور می دهد:

فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفًا. (احزاب:

ص:۱۸۷

۳۲)

صدای خود را هنگام سخن گفتن نازک و آرام نکنید تا هرکس که قلبش مریض است، در شما طمع نکند.

در سال های اخیر و در سریال های طنز، شاهد سبکی زنان و بگو و بخند بیش از اندازه آنان با مردان نامحرم و دلقک بازی های زنانه در حضور مردان هستیم مانند سریال «فرمان» که بازیگر نقش زن دوم برادر ملوک السلطنه در اوج سبکی بازی می کرد؛ یا بازیگری ناهید خانم و دختر او در «بدون شرح»، و زن بامشاد در «نقطه چین» و بیشتر بازیگران زن در سریال «بانکی ها» نمونه ی از این سبکی هاست.

ه) هماهنگی رفتار بازیگران در سازمان و بیرون از آن

ه) هماهنگی رفتار بازیگران در سازمان و بیرون از آن

بازیگران طنز در صدا و سیما باید طوری رفتار کنند که مخاطبان و مردم، چهره دوگانه ای از آنها در ذهن نداشته باشند. اگر خانم بازیگری در طنز، پوشش اسلامی خود را برای رعایت آیین نامه صدا و سیما، به خوبی حفظ کند و در خارج از سازمان به صورت دیگری ظاهر شود، تأثیر نامطلوبی بر مخاطبان، به ویژه دختران و افرادی که آشنایی بیشتر و نزدیک تری با او دارند، می گذارد، و این باور را در آنها ایجاد می کند که می توان در جایی برای مصلحت یا ترس، با حجاب و آداب اسلامی ظاهر شد و در جایی دیگر بی حجاب یا بدحجاب شد. این در سریال های مذهبی ـ تاریخی اهمیت بیشتری می یابد. ولی در طنزها نیز به اندازه خود مهم است. درباره طنز پردازان مرد و رفتار و گفتار آنها در جامعه نیز همین گونه است.

ص:۱۸۸

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش نهم: همراه با برنامه سازان

هـدف از تمامی بحث ها و مطالعات و ارایه دیدگاه ها در این نوشـتار، رسـیدن به حدّ مطلوبی از جامع نگری به مسـئله طنز در صدا و سـیما و ایجاد توانایی برای ارائه نظام و برنامه ای مشـخص، منسـجم، کارآمد، جامع و همه بعدی برای طنز صدا و سـیما بوده است. هـدفِ اصـلیِ این بخش آن است که مسـئولان و برنـامه سازان طنز را در صـدا و سـیمای سراسـر کشور در پیمودن مسیری مشترک و هماهنگ یاری کند و طنز را در شکل سازمان یافته و رو به پیشرفت ترسیم کند.

نخستین مسئله تخصـص گرایی و مرزبندی دقیق فعالیت های هنری است که باید به عنوان یک هدف کلان و دراز مدت جزء اهـداف اساسـی سازمـان صداوسـیما قرار گیرد. درباره طنز نیز این مسـئله بایـد به صورت جـدّی تری مطرح شود؛ چون امروزه کارگردانان، بازیگران، نویسـندگان و... در صدا و سـیما در بخش های مختلف طنز و غیر طنز کار می کنند و این همان دوری از تخصص است که خطرهای زیادی در درازمدت در پی خواهد داشت.

با توجه به اهمیتی که برنامه های طنز در جذب مخاطب و تأثیرگذاری بر او دارند، شایسـته است در صدا و سیما بخشی مستقل با عنوان واحد طنز با

یک مدیریت واحدی تأسیس شود تا شکل سازمان یافته تری به خود بگیرد. در این صورت، کارها و شئون مختلف مربوط به طنز تقسیم می شود و معاونت های مختلف برای پژوهش در موضوع های دینی و ارزش یابی دینی طنزها و پژوهش در زمینه سوژه ها و موضوع ها متناسب با تحقیقات جامعه شناختی و روان شناختی همراه خواهند بود و پژوهش و آموزش درباره نویسندگی انواع طنزها علمی تر می شود. برای این مهم معاونت هایی برای اجرای برنامه های طنز و تربیت کارگردان و بازیگر طنز و تولید و پخش آن ترسیم می گردد. این گونه سازماندهی واحد در کل شبکه ها، باعث دوری از کارهای تکراری و کمی می شود. در این صورت، کیفیت و تأثیرهای مثبت، جای کمیت و تأثیرهای منفی را می گیرد. برای تحقق این منظور باید در هشت حوزه مربوط به طنز، پژوهش های دقیق و دامنه داری صورت گیرد و ابعاد و شرایط هر یک به طور کامل تبیین شود:

۱. طرح اهداف طنز در صدا و سیما؛

۲. طرح تهیه آیین نامه طنز در صدا و سیما؛

۳. طرح تربیت نویسنده طنز؛

۴. طرح تربیت بازیگر و کارگردان طنز؛

۵. طرح ارزشیابی طنز؛

۶. طرح آسیب شناسی جامعه و موضوع شناسی طنز؛

۷. طرح طنز برای کشورهای خارجی؛

۸. طرح طنز کودک و نوجوان.

واحد طنز

صدا و سیما

تربیت بازیگر

تربیت نویسنده

آیین نامه

اهداف

طنز کودک

طنز فراملی

آسیب شناسی جامعه

ارزشیابی طنز

نمودار (۱ _ ۹) ارکان طنز در شکل سازمانی آن

هر یک از این طرح ها نیاز به نیروی انسانی مستقل و صرف وقت و هزینه متناسب با طرح ها دارد. در این بخش، تنها به کلیّات و مباحث مربوط به آنها اشاره می شود:

۱. هدف یابی

اشاره

۱. هدف یابی

برای ایجاد یک بخش مستقل و سازمان یافته درباره طنز، نخستین کار اساسی این است که هدف یابی دقیق و روشن در سه محور آموزش، نگرش و رفتار طنز، نسبت به طنز پردازان و مخاطبان طنز صورت بگیرد. باید ببینیم طنزی که قرار است از مراکز صدا و سیما پخش شود، باید دارای چه اهداف آموزشی، نگرشی و رفتاری باشد؛ یعنی طنز می خواهد چه آموزش هایی به مردم بدهد و چه نگرش هایی را در آنها ایجاد کند یا تغییر دهد و به چه رفتارهایی تشویق و از چه رفتارهایی نهی کند. بنابراین، هدف یابی طنز را باید

در این سه حوزه به صورتی دقیق تر انجام دهیم:

الف) اهداف آموزشی

الف) اهداف آموزشی

مقصود از اهـداف آموزشـی هـدف هایی است که طنز باید عهده دار آموزش و رساندن آنها به مخاطب باشد. این هدف ها یا مفـاهیم، گزاره هـای مثبت و انـدیشه هـای صـحیح دربـاره انسـان و جهان و زنـدگی است و در پی آموزش روش و چگونگی زنـدگی صـحیح فردی و اجتمـاعی است. برای نمونه، موارد زیر را می توان به عنوان اهـداف آموزشـی طنز در زمینه مفاهیم و روش ها در برنامه های صدا و سیما در نظر گرفت:

یک ـ گزاره ها و بینش های مثبت

۱. آشنایی با مفهوم زندگی و ایجاد پرسش درباره هدف خلقت و زندگی و پاسخ گویی به آن؛

۲. آشنا ساختن مخاطب با نقاط ضعف وجودی انسان و مشکلات اخلاقی و روانی او؛

۳. آشنا ساختن مخاطب با آغاز و انجام جهان و سیر جهان هستی به سوی یک هدف مشخص و نقش انسان در این جهان؛

۴. آشنایی با مفاهیم اجتماعی مورد نیاز، مانند: سیاست، فرهنگ، جامعه، تربیت، اقتصاد و ارتباطات و تبلیغات و... ؛

۵. آشنایی با مفهوم ایمان و باور دینی و ایمان به غیب و کمالات وجودی انسان و... .

نکته: ممکن است گفته شود طنز چگونه می خواهـد و می توانـد این مفاهیم را در جامعه آموزش دهـد. حال آنکه هـدف طنز انتقاد از آسیب های موجود در

جامعه است؛ نه آموزش مفاهیم متافیزکی یا دینی. پاسخ آن است که موضوع طنز محدود در پاره ای مسائل اجتماعی نیست و افزون بر آن، لازم نیست حتما همه این موضوعات و اهداف به صورت اهداف آشکار در طنز موجود باشد، بلکه در شکل اهداف پنهان تربیتی، بهتر و بیشتر می توان این مفاهیم را در میان الفاظ و حالات مختلف طنز جای داد.

دو ـ روش ها و قواعد زندگی صحیح

۱. آموزش روش برخورد با ارباب رجوع برای مدیران و کارمندان؛

۲. آشنایی با روش مدیریت و اداره صحیح منزل برای بانوان؛

۳. آشنایی با روش الگوسازی مثبت از سوی والدین برای فرزندان؛

۴. آشنایی با روش ایجاد ارتباط صحیح و منطقی و عاطفی بین خانواده و دوستان؛

۵. آشنایی با قواعد و اصول ارتباط با خود، خدا و دیگران؛

۶ . آشنایی با روش تدریس برای معلمان و روش تحصیل برای دانش آموزان و روش مشاوره و مطالعه و برنامه ریزی؛

۷. آشنایی با روش های رسیدن به سجایا و ملکات اخلاقی؛

۸ . آشنایی با روش های مختلف تربیتی درباره فرزندان و شاگردان؛

۹. آشنایی با روش ها و قواعد انتخاب همسر و همسرداری برای زن و مرد؛

۱۰. آشنایی با روش ها و قواعد انتخاب شغل؛

۱۱. آشنایی با روش آشنا ساختن فرزندان با قرآن و نماز و مسجد و هیئت و مسایل دینی و مذهبی.

ص:۱۹۳

نکته: اگر گفته شود که در طنز با انتقاد سر و کار داریم، نه آموزش روش مطلوب در پاسخ باید گفت: هر چند در بخش اهداف طنز گفته شد که، مقصود از انتقاد در طنز نیز آموزش جنبه مثبت قضیه است، از سوی دیگر، هیچ تلازم ضروری بین نقد و طنز نیست و ممکن است در جایی از طنز به جای نقد با تشویق و آموزش کار را دنبال کنیم.

ب) اهداف نگرشی و ارزشی

ب) اهداف نگرشی و ارزشی

اهداف نگرشی یا ارزشیِ طنز، اهدافی هستند که به وسیله طنز در پی ایجاد این گونه نگرش ها و ارزش ها در مخاطب و طنزپرداز هستیم. ما به وسیله هنر و به ویژه طنز می توانیم نگرش های مختلفی به مخاطب بدهیم و ارزش های او را به ضد ارزش و ضد ارزش های او را به ارزش تبدیل کنیم. بنابراین، طنز قدرت ایجاد و تغییر برخی نگرش ها را دارد. پس اهداف کلان نگرشی در طنز برای دراز مدّت باید به صورتی تنظیم شود که به ایجاد نگرش های مثبت و تصحیح نگرش های منفی بینجامد. نمونه ای از اهداف نگرشی و ارزشی طنز عبارت است از:

یک _ تصحیح نگرش به خداوند

معمولاً ـ انسان ها خداوند را در سختی ها به یاد می آورند؛ آن هم به عنوان آخرین گزینه، یعنی وقتی که از همه جا نا امید شوند و پناهی نداشته باشند. این خدا یک خدای ذخیره شده است که تنها در غم های ما حضور دارد، ولی حقیقت آن است که خداوند در غم و شادی با ماست و ما همان گونه که در غم ها نباید او را از یاد ببریم، در شادی ها و حتی در مسایل عادی زندگی نیز باید خدا را در نظر داشته باشیم. ایجاد این نگرش در فرد، نیاز به صرف هزینه

علمی، معنوی و مادی دارد. ولی طنزها می توانند با هدف قرار دادن این مسئله، امید به زندگی و نشاط درونی برای کار، حرکت، اراده، توکل بر خدا و رضایت از خداوند و یاری جستن از او را در غم و شادی، در مخاطبان تقویت کنند و بیننده یا شنونده در اثر نقد یا خنده یا مَثَل یا تشبیه و استعاره ای که در طنز مطرح می شود، به صورت آشکار یا پنهان به خداوند و مبدأ هستی نزدیک شود. خنده او هم وسیله ای برای ایجاد نشاط و امید و حسن ظنّ به خداوند باشد و خداوند را دوست همیشگی خود بداند.

دو ــ احیای سنت های دینی کمرنگ شده یا فراموش شده

در عصر ابزار و تکنیک معمولاً سخن از دین در جامعه در حاشیه قرار دارد و این حالت انفعالی آن را می رساند. اگر بتوانیم با استفاده از طنز این نگرش را در مخاطب ایجاد کنیم که دین چیزی فراتر از ذهنیّات عمومی جامعه است و پس از ایجاد این نگرش به تصحیح ابعاد مختلف آن در مسائل فردی و اجتماعی بپردازیم، می توان ضرورت سنت های دینی را با بهره گیری از طنز برای آنان تبیین کرد.

ج) اهداف رفتاری

ج) اهداف رفتاری

اهداف رفتاری طنز صدا و سیما مواردی هستند که طنزپرداز قصد دارد در مخاطبان طنز به وجود آورد یا تصحیح کند. این رفتارها در یک نگرش کلان، دو دسته اند: هنجارها و ناهنجارها.

یک ــ هنجارها

مقصود، رفتارهای مثبتی است که دین آنها را می پذیرد، نه صرفا نسخه های روان شناسی و جامعه شناسی. اهداف رفتاری طنز، رسیدن مخاطب

ص:۱۹۵

به این رفتارهاست. نمونه این هنجارها عبارت انـد از: راستگویی، امانت داری، حسن ظنّ، تواضع و فروتنی، دوستی و دوست یابی، همکاری و کمک به دیگران، خوش رفتاری در منزل با اعضای خانواده، نوع صحبت، طرز نگاه و نشستن مؤدبانه، وفای به عهد و خیرخواهی برای مردم، احترام به قوانین فردی و اجتماعی، احساس مسئولیت در برابر خدا و جامعه، نشاط و تلاش و کار و علاقه به آن.

دو _ ناهنجاری ها

درباره رفتارهای نابهنجار موجود در جامعه، آنچه طنز می تواند انجام دهد، ترسیم راه علاجِ بیماری های روانی و چگونگی تصحیح این رفتارها به صورتِ عملی است. طنز می تواند یک مرض روانی مانند ترس را سوژه قرار دهد و هدفش تصحیح این مرض در مخاطب باشد در طنز نمی توان سخنرانی کرد و مانند روان پزشکان، برای مرض ترس، نسخه نوشت و توصیه ها نمود، بلکه فردی ترسو را در طنز مطرح می کنند و سپس مراحل عملی از بین بردن این مرض با نقدها و لطیفه پردازی ها، به طور پنهانی به مخاطب آموخته می شود. نمونه ای از روان نژندی ها که طنز می تواند آنها را جزء اهداف رفتاری خود قرار دهد، عبارت اند از: کمبود شخصیت، سوء ظن، تکبر، حسادت، افسردگی، تنبلی، بی حالی، دو رویی و دروغ گویی، اضطراب و دلهره، ترس، وسواس، بی نظمی، بی برنامه گی، بی وفایی و بدعهدی.

۲. تهیه آیین نامه طنز برای تمام شبکه ها

۲. تهیه آیین نامه طنز برای تمام شبکه ها

افزون بر برنامه های کوتاه مدت که برای تولیدات طنز طراحی می شود، باید به فکر برنامه های دراز مدت و زیربنایی در این زمینه باشیم و با توجه به پیش بینی های جامعه شناختی از وضعیت آینده از هم اکنون مقدمات لازم را فراهم کنیم. سیاست ها و آیین نامه کلی و درازمدت برای طنز صدا و سیما امری است که می تواند بسیاری از مشکلات و اختلافات موجود در شیوه تولید و پخش برنامه های طنز را حل کند. این وظیفه بر دوش دست اندرکاران طنز صدا و سیماست که با تشکیل شورای مخصوص، آیین نامه همه جانبه ای تنظیم کنند. سیاست های کلانی که باید از لحاظ دینی در آیین نامه در نظر گرفته شود و آیین نامه طبق آنها تنظیم شود، عبارت اند از:

۱. زدودن جدایی بین طنز و دین و حرکت به سوی طنز دینی و سیطره ارزش های دینی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر طنزها؛

۲. فاصله گرفتن از تمسخر و توهین، برای ایجاد خنده و حرکت به سوی احترام در طنزها؛

۳. پرهیز از دروغ و خالی بندی برای خنداندن و حرکت به سوی لطیفه گویی و ظریف پردازی؛

۴. فاصله گرفتن از غیبت و دورویی در گفتار و کردار و حرکت به سوی رک گویی و شجاعت در گفتار؛

۵. فاصله گرفتن از دکوراسیون غیر اسلامی و حرکت به سوی صحنه پردازی و تزیین اسلامی منزل و اداره؛

۶ . دوری از جذب صرف مخاطب بدون تأثیر مثبت و حرکت به سوی

ص:۱۹۷

جذب و تربیت مخاطب؛

۷. فاصله گرفتن از قهرمان پروری و فردگرایی در طنزها و حرکت به سوی کار جمعی و تقویت روحیه گروهی و تعامل صحیح اجتماعی؛

۸ . پرهیز از موسیقی ناموزون و بی هویت و بی پیام و حرکت به سوی موسیقی اصیل و متین و با محتوا؛

۹. پرهیز از آرایش های نامطلوب و زننده زنان و مردان و حرکت به سوی الگوهای اسلامی و مطلوب در این زمینه.

۱۰. دوری از هم نشینی زنان و مردان در یک جا به روش فرهنگ غربی و حرکت به سوی احترام به شخصیت زن و حرمت نگه داشتن به حریم پاک و مقدس او در خانه و بیرون از آن؛

۱۱. پرهیز از جشن های غیر معمول و زشت عروسی و تولد و حرکت به سمت اعتدال و ترویج جشن های مذهبی مانند: جشن تکلیف ها و ولادت های معصومین علیهم السلام و برگزاری جشن های عروسی در این گونه ایام؛

۱۲. پرهیز از تولید و پخش طنز در منزل های بزرگ و پر قیمت و نزدیک شدن به وضعیت عمومی و متوسط جامعه در این زمینه.

گذراندن این مراحل کاری، سخت و دشوار است؛ زیرا با روش های پذیرفته شده در سطح دنیا ناسازگار است، ولی اگر به تدریج همین الگوها به کار گرفته شود، در درون خود چنان بالندگی پیدا می کند که طنز دینی و طنز اسلامی به عنوان یک نماد و جلوه ای ویژه از زیبایی و هنر در تمام دنیا مطرح می شود و شاهکارهای بزرگ هنری در این زمینه تولید می گردد.

۳. بخش نویسندگی طنز

اشاره

۳. بخش نویسند گی طنز

بخش نویسـند گی طنز از مهم ترین بخش هـای مربوط به طنز است و وظـایف خطیری بر عهـده دارد. این بخش افزون بر اینکه تولید فیلم نامه های طنز را بر عهده دارد، باید به تربیت نویسنده و طنز و آموزش آنها نیز اقدام کند.

الف) تولید فیلم نامه

الف) تولید فیلم نامه

آن گونه که گفتیم نوشتن و تولید یک فیلم نامه برای طنز صدا و سیما نباید به شکل فردی انجام گیرد، بلکه این نوع نوشتار به سبب اهمیت خاصّی که دارد، بایـد محصول یـک کـار گروهی هماهنـگ باشـد و از بخش هـای دیگر، به ویژه بخش آسـیب شناسی و ارزشیابی کمک بگیرد. اصولی که می توان برای تولید و نوشتن یک فیلم نامه طنز ذکر کرد، عبارت است از:

۱. موضوع آن متناسب با نیاز اصلی و روز جامعه باشد؛

۲. از ابزار و روش های منفی در پردازش متن و گفت وگوها استفاده نکند؛

۳. در سراسـر نگارش در نظر داشـته باشـد که با هر کلمه و جمله می خواهـد مخاطب را افزون بر جـذب، هـدایت و نقد واقعی کند؛

۴. در مدت زمان نگارش به طور دایم با ارزشیابی های فنی و هنری و اسلام شناسان و آسیب شناسان اجتماعی در تماس باشد.

ب) تربیت نویسنده طنز

ب) تربیت نویسنده طنز

اگر یک مجموعه، بخش تربیتی نداشته باشد و نیروهای جوان و فعال به صورت مداوم به آن تزریق نشوند، در بلند مدت دچار نارسایی و کمبودهای کمی و کیفی می شود، بنابراین، با توجه به نقش و اهمیت طنز در صدا و

سیما، ضروری است دوره های تربیت نویسنده طنز برگزار شود. برای تحقق این مهم نیاز به دو دوره برای نویسندگان طنز ضرورت می یابد:

یک ـ دوره عمومی

آشنایی با اصول کلی نویسندگی برای صدا و سیما، مفاهیم و اصول اساسی دین اسلام، آسیب ها و کاستی های اجتماعی و... از جمله برنامه هایی است که باید در دوره های آموزشی در این خصوص صورت گیرد.

دو ـ دوره تخصصی

در دوره تخصصی، افزون بر بررسی آثار گذشته طنز صدا و سیما و کشف نقاط ضعف و قوت آنها، کارآموزان به صورت عملی و کارورزی در زمینه نوشتن طنز شروع به فعالیت می کنند و به تدریج با کار در فیلم نامه های کوچک توانایی لازم را در این باره به دست می آورند.

۴. بخش بازیگری و کارگردانی طنز

اشاره

۴. بخش بازیگری و کارگردانی طنز

برای آنکه در طنز دینی به سمت تخصص و تعهد کامل حرکت کنیم، باید در درازمدت، به فکر تربیت بازیگران و کارگردانان و دیگر عوامل مخصوص طنز باشیم.

برای تحقق این مهم باید مرکزی تحت عنوان «مرکز تربیت بازیگر و کارگردان طنز» تأسیس شود و یک برنامه ریزی آموزشی و درسی همانند بخش نویسندگی، برای این بخش در نظر گرفته شود. این برنامه باید در دو بخش تنظیم شود:

الف) دوره عمومی (نظری و تئوریک)

الف) دوره عمومی (نظری و تئوریک)

موادی که باید در این دوره آموزش داده شوند، عبارتند از:

یک ـ اسلام شناسی

ص:۲۰۰

مقصود از اسلام شناسی در عرصه طنز، درس های معارف اسلامی رایج نیست، بلکه خلاصه ای از اعتقادات، اخلاقیات و فقه و حقوق اسلامی است که باید به شیوه منطقی و اصولی به فراگیران ارائه شود تا تصویری منظم از دین در ذهن داشته باشند.

دو ـ روان شناسی مخاطب طنز

از آن جا که کارگردان یا بازیگران باید طنز را متناسب با روحیات و ویژگی های مخاطب تنظیم کنند، بدون شناخت کافی از روان شناسی مخاطبان این تناسب به هم می خورد. ازاین رو، یک دوره روان شناسی مخاطب طنز لازم است.

سه ـ آشنایی با هنر و مبانی و اهداف آن

کسی که وارد عرصه کار هنری می شود، باید خود درباره هنر بیندیشد و قدرت تجزیه و تحلیل ابعاد و شئون آن را داشته باشد. بنابراین، یک دوره درس های فلسفه هنر و آشنایی با اهداف و مبانی آن ضرورت دارد.

چهار ـ آشنایی با طنز و ویژگی های آن

از آن جا که طنز کنونی نمودی از هنرهای مدرن در سطح جهان است، لازم است کارگردان و بازیگر اطلاعات جامع علمی و شناختی درباره این مسئله داشته باشد.

ب) دوره تخصصی (نظری ـ کاربردی)

ب) دوره تخصصی (نظری ـ کاربردی)

یک ـ فقه هنر

در این دوره اسلام شناسی به صورت متمرکز با هنر همراهی می کند تا تخصص و تعهدِ دین هنرمند بیشتر شود.

دو ـ فقه طنز

ص:۲۰۱

در دوره عمومی با طنز آشنا می شویم و فرق آن را با موارد دیگر درمی یابیم. در این دوره با مرزها و حدود فقهی و قوانین و آیین نامه های دینی این موضوع به طور دقیق آشنا می شویم.

سه ـ بازیگری و کارگردانی طنز

شناخت اصول لازم برای کارگردانی و بازیگری طنز در این دوره به دست می آید.

چهار ـ تمرین های لازم

کارورزی و کار عملی در زمینه کارگردانی طنز و آغاز بازیگری در سریال های کوتاه مدت صدا و سیما از جمله مواردی است که باید بازیگر و کارگردان در طول مدت آموزش نسبت به آن اهتمام داشته باشد.

۵. بخش آسیب شناسی جامعه و موضوع شناسی طنز

اشاره

۵. بخش آسیب شناسی جامعه و موضوع شناسی طنز

جامعه شناسی و روان شناسی دقیق در سطح عمومی و خواص جامعه و دریافت مشکلات زیربنایی و آسیب شناسی اساسی جامعه و سنت های غلط حاکم بر آن، از ضروری ترین مقدمات تولید برنامه های طنز در صدا و سیماست. بنابراین، بهره بردن از روان شناسان و جامعه شناسان با تجربه و متعهد در این مرحله، اهمیت ویژه ای دارد و باعث می شود نویسندگان طنز با سوژه های مناسب تر وارد صحنه شوند.

دستورها و دیدگاه های رهبر معظم انقلاب، به عنوان آگاه ترین فرد جامعه نسبت به کاستی های اساسی در آن، باید در اولویت قرار گیرد؛ زیرا رهبری از منابع اطلاعاتی و علمی موثق در زمینه های مختلف کسب اطلاعات می کند و

با بینش و تحلیل بالایی که نسبت به مسائل دارند، راه گشاترین دیدگاه ها را درباره آسیب ها و معضلات جامعه می دهند. برای نمونه، اگر در چند سال اخیر توجه ایشان به سه مقوله فقر و فساد و تبعیض افزایش یافته، نویسندگان برنامه های طنز و تولید کنندگان این نوع برنامه ها، وظیفه دارند در این زمینه ها بیش از هر موضوع دیگری فعالیت کنند.

موضوع های اساسی که باید مورد توجه جدی قرار گیرد:

موضوع های اساسی که باید مورد توجه جدی قرار گیرد:

ـ محبت بین اعضای خانواده؛

ـ القای روحیه بخشش؛

ـ تلاش برای سرپرستی کودکان یتیم؛

ـ نمایش پی آمدهای شوم رشوه خواری و رباخواری؛

ـ اهتمام زنان به امر ازدواج و بچه داری و اداره منزل به رغم شاغل بودن؛

ـ نقد مسابقه رفاه طلبی و تجمل گرایی در بین اقشار متوسط جامعه؛

ـ ترویج ورزش های سالم و بدون زد و خورد؛

ـ نمایش مقایسه ای عملکرد مثبت و منفی معلمان و مدیران و کارمندان؛

ـ نمایش علاقه به دین و سرزمین و فداکاری برای آن ها؛

ـ ایجاد حس همدردی نسبت به همنوع و به ویژه مسلمانان در مخاطب؛

ـ نمایش ریشه های خلاف کاری در جامعه و خانواده ها؛

ـ نمایش دور شدن جامعه از آداب و سنت های اسلامی؛

ـ نمایش و نقد اسراف کاری های مردم در زندگی فردی و جمعی.

ص:۲۰۳

۶. بخش ارزشیابی طنز

اشاره

۶. بخش ارزشیابی طنز

ارزشیابی طنز غیر از ارزیابی های صوری و آماری است و منظور از آن بررسی و نقد همه جانبه و مؤثر طنزهای صدا و سیماست که به دست کارشناسان ورزیده انجام می گیرد. ارزشیابی از دو زاویه و با دو گرایش صورت می گیرد:

الف) ارزشیابی عمومی

الف) ارزشیابی عمومی

این نوع ارزشیابی، به شکل پژوهش های میدانی است و دیدگاه های مردم را جمع آوری و دسته بندی و تحلیل می کند و نتیجه دستاوردهای خود را به بخش های مختلف نویسندگی، بازیگری، کارگردانی و تولیدکنندگان طنز اعلام می کند تا در کارهای بعدی صدا و سیما به کار گرفته شود.

ب) ارزشیابی تخصصی

ب) ارزشیابی تخصصی

این نوع ارزشیابی، با بهره گیری از کارشناسانِ مختلف (اسلام شناس، منتقدهنری، ادیب، روان شناس و جامعه شناس) به بررسی عملی و دقیقِ طنز از دیدگاه های مختلف می پردازد. نتیجه این ارزشیابی ها که از نتایج ارزشیابی عمومی نیز در آنها استفاده شده است، از دقت و صحّت بیشتری برخوردار است و بخش های مختلف مربوط به طنز باید آن را ملاک عمل خود قرار دهند. این ارزیابان، طنز را هم در نمود ظاهری و قالب آن و هم در محتوا و پیام آن بررسی می کنند و هر یک از زاویه ای خاص به آن می نگرند:

یک _ اسلام شناس

اسلام شناس باید فرد یا گروهی باشد که افزون بر تخصص در زمینه علوم اسلامی و به ویژه مسائل فقهی و اجتماعی، با هنر و به ویژه طنز آشنایی

ص:۲۰۴

کافی داشته باشد و فیلم نامه ها را پیش از تولید، و برنامه ها را در هنگام تولید و پس از آن، راهنمایی و ارزشیابی دینی کند.

دو _ منتقد هنری

افرادی که در نقـد هنری و به ویژه نقـد طنز متخصـص انـد، باید هم در فیلم نامه و هم در خود طنز ارزشـیابی و نظارت دقیق و منتقدانه داشته باشند.

سه _ ادیب

اشخاصـی که بـا ادبیـات فارسـی در سـطح ملی و در حـدّ تخصـص آشـنایی دارنـد و بـا زبان های محلی و منطقه ای در سـطح استانی، آشنایی کامل داشته باشند به نظارت و ارزشیابی ادبی و ویرایش و پیرایش ادبی متون و دیالوگ ها می پردازند.

چهار _ روان شناس

روان شـناسانی که دربـاره طنز و مخاطبـان طنز اطلاعـات کـافی دارنـد و بـا اسـتفاده از ابزار و روش هـای لازم می تواننـد بـاز خوردهای روانی طنزها را بر روی مخاطبان بررسی و نقد کنند.

پنج _ جامعه شناس

آخرین ارزشـیاب، یک فرد یا گروه جامعه شناسی است که افزون بر شناخت طنز، به آثار اجتماعی آن واقف است و می تواند تأثیر گذاری مثبت یا منفی طنزها را پس از پخش اندازه گیری کند و پیش از پخش پیش بینی کند.

۷. طنز برای کشورهای خارجی

۷. طنز برای کشورهای خارجی

از ویژگی هـای کارهـای هنری و به ویژه برنـامه های تلویزیونی حـدّ و مرز نداشـتن آنهاست. همه، زبان فیلم را می فهمنـد و با علاقه به آن می نگرند. چه

ص:۲۰۵

بسا طنزی که در صدا و سیما پخش می شود، در یک شبکه منطقه ای یا جهانی نیز به نمایش درآید و یا کشوری دیگر، آن را گرفته و دوبله کند. ازاین رو باید توجه داشت، هر طنزی که در داخل کشور به نقد مسائل اجتماعی خاص ایرانی می پردازد، نباید در کشورهای دیگر، از رسانه های عمومی پخش شود؛ زیرا ضعف ها و اشکالات فرهنگی و اجتماعی کشور در این برنامه ها به نمایش درمی آید و پخش همین برنامه ها در خارج، نوعی تبلیغ منفی بر ضد کشور به شمار می رود. ازاین رو، اگر می خواهیم جهانیان نیز از طنزها استفاده کنند، یا باید طنزهایی تولید کنیم که فراملی باشد و به آسیب های مشترک جهانی بپردازد و یا برای کشورهایی که آثار خود را صادر می کنیم، کار ویژه آماده کنیم و در تولید این گونه طنزها که مقداری از لحاظ محتوایی و روش ها فرق می کند، می توانیم از متخصصان فرهنگ شناس و زبان شناسان خبره کمک بگیریم. گرچه این کارها به صورت کلان، هزینه بسیاری دارد و شاید در عمل ممکن نباشد، ولی به جهاتی که به هویت جهانی کشور بازمی گردد و به دفاع از حیثیت آن یا به مبارزه با استکبار جهانی و دشمنان نظام مربوط می شود، می توان سرمایه گذاری لازم را انجام داد.

۸. طنز کودک و نوجوان

۸. طنز کودک و نوجوان

درباره کودکان و نوجوانان نیز از هم اکنون باید برنامه ریزهای دقیق و لازم صورت بگیرد. این برنامه ریزی ها، تمامی مواردی را که در طنز بزرگسالان مطرح بود، شامل می شود و بخش هایی مانندِ «طنز انیمیشن» را هم اضافه دارد. اساسی ترین کاری که باید در کودک و نوجوان از همین دوران شکل

بگیرد، ایجاد فرهنگ طنز بینی است، نه لهوبینی. دیگر اینکه تمامی ارکان و ویژگی های طنز کودکان باید متفاوت از بزرگسالان باشد. بازیگر طنز کودک باید شرایط ویژه ای داشته باشد و هرکسی نمی تواند طنز مخصوص این گروه سنی را اجرا کند؛ چنان که نویسنده طنز کودک نیز چنین است.

روان شناس و کارشناس اسلامی و ادیب مخصوص کودکان و نوجوانان نیز در طنز کودک باید در نظر گرفته شود. البته حرکت جدّی به سمت «طنز انیمیشن» امری است که نباید از آن غفلت کرد؛ زیرا درباره این گروه سنی، یکی از بهترین گزینه هاست.

نکته ای که در پایان لازم به یادآوری است این است که در کنار برنامه های دراز مدت، باید برنامه هایی کوتاه مدت در صدا و سیما صورت بگیرد تا چرخه برنامه ریزی کامل شود. همچنین در بخش موضوع های طنز باید در چهار بخش مختلف، از کوتاه مدت به بلندمدت سوژه سازی شود:

۱. موضوع روزانه و هفتگی: مناسبت ها و ایام و هفته های خاص: مانند روز هوای پاک، هفته دولت و... ؛

۲. موضوع ماه: مسائل و موضوع های اساسیِ ملی و جهانی و مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی مانند ماه رمضان و... ؛

۳. موضوع فصل: مسائلی که در سطح یک فصل اتفاق می افتد و فرصت زمانی بیشتری را می طلبد، مانند تعطیلات تابستان؛

۴. موضوع های سال: موضوع های اساسی جهانی و ملی که در سطح یک سال مطرح است؛ مانند جنگ امریکا و عراق و سال خدمت رسانی و پاسخگویی و.... .

ص:۲۰۷

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند و مهدی الهی قمشه ای.

* نهج البلاغه.

۱. خامنه ای، سیدعلی، هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

۲. ______________________ ، حلقه اهل هنر، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۰.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

۴. جوادی آملی، عبداللّه، هنر و زیبایی از منظر دین، چاپ اول، انتشارات بنیادسینمایی فارابی، تهران، ۱۳۷۵.

۵. ______________________ ، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادی اخلاق در قرآن، چاپ اول، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۷.

۶. آوینی، سید مرتضی، مبانی نظری هنر، چاپ اول، موسسه انتشارات نبوی، قم،۱۳۷۴.

۷. ______________________ ، حکمت سینما، چاپ اول، بنیاد سینمایی فارابی، تهران، ۱۳۷۵.

۸. ______________________ ، آینه جادو، چاپ سوم، نشر ساقی، تهران، ۱۳۸۲.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۳۶۹.

۱۰. انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، چاپ اول، نشر المکتبه الفقهیّه، قم، ۱۴۱۵ه .

۱۱. پلارد، آرتور، طنز، م. سعید سعیدپور، چاپ دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۱.

۱۲. تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چاپ سیزدهم، نشر علم،تهران، ۱۳۷۸.

۱۳. جبّاران، محمدرضا، سینما در آینه فقه، درس خارج فقه آیت الله مروّجی، چاپ اول، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۸.

۱۴. حلبی، علی اصغر، مقدمه ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، چاپ دوم، مؤسسه پیک ترجمه و نشر، تهران، ۱۳۶۵.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران،تهران، ۱۳۷۷.

۱۶. طبیبیان، سیدحمید، فرهنگ لاروس، عربی ـ فارسی، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر،

ص:۲۰۸

تهران، ۱۳۷۳.

۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، چاپ اول، المکتبه الاسلامیه، تهران.

۱۸. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، پژوهشی درباره طنز در شریعت و اخلاق،چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۱.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت _ لبنان، ۱۴۰۳ ه _۱۹۸۳ م.

۲۰. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، چاپ سوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶.

۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲.

۲۲. مرکز الأبحاث و الدراسات الاسلامیه، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم،انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸.

۲۳. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ ششم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

۲۴. موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴.

۲۵. نبوی، سید ابراهیم، ستون پنجم، چاپ پنجم، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۸.

نشریات

۱. خداپرست، مریم، «بررسی طنز و تفاوت آن با مقوله های دیگر»، فصلنامه سنجش و پژوهش، سال چهارم، بهار و تابستان ۷۷، مرکز تحقیقات، مطالعات وسنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۳ و ۱۴.

۲. حیدری، محمدباقر، «مقدمه ای بر طنز از دیدگاه عقل و نقل»، فصلنامه سنجش و پژوهش، سال چهارم بهار و تابستان ۷۷، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۳ و ۱۴.

۳. شالچیان ناظر، علی، و مجتبی مولا-یی، «محدوده طنز در شرع و اخلاق»، فصلنامه سنجش و پژوهش، سال چهارم، بهار و تابستان ۷۷، مرکز تحقیقات،مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۳ و ۱۴.

۴. مسلمی زاده، رضا، «هجو و تعاریف آن»، فصلنامه سنجش و پژوهش، سال چهارم بهار و تابستان ۷۷، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۱۳ و ۱۴.

ص:۲۰۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹